نشریه مجاهدین ★ خلق ایران
شمارهٔ ۸۸۵

Mojahed
885
دوشنبه
۳ دی
۱۳۸۶
۱۳ ذیحجه
۱۴۲۸
December 24
2007

2US$ 1.5Pounds 3SFR 3C$ 2€

۱۸ذیحجه (۸دی)
عید غدیر
روز کمال اسلام انقلابی
با معرفی و ابلاغ جانشینی علی(ع) گرامی و مبارک باد

میلاد عیسی مسیح(ع)
پیامبر بزرگ یگانگی و رهایی، مبارک باد

هرکس به‌خاطر اسم من خانه‌ها یا برادران یا خواهران یا پدر یا مادر یا زن یا فرزندان یا زمینها را ترک کرد، صدچندان خواهد یافت و وارث حیات جاودانی خواهد شد

مسیح علیه‌السلام

پیام به ارتش آزادی

مسعود رجوی ـ ۲۸ آذر ۱۳۸۶

سلام
با خرمنی تبریک.
راستی که آذر ماه ۱۳۸۶، با سلسله‌یی از پیشرفت و پیروزی، به آذرخشان مقاومت ایران تبدیل شد. در عرصه عدالت بین‌المللی، در مجمع عمومی ملل متحد، در پارلمان اروپا، در مجالس فرانسه و انگلستان، در کانادا و آمریکا، در سرمای اسکاندیناوی، در پهنه گرم اجتماعی در عراق، و در دانشگاههای جوشان میهن اسیر، با شعاری اشرف‌نشان: «ما زن و مرد جنگیم، بجنگ تا بجنگیم...»
مریم، با شما و در شما، در چهار دادگاه، بپایی پیروز شد و مقاومت و عدالت را به اوجی تازه رساند. با صدیقه و ندا و دیگر طلابه‌داران آتشین شرف، با اشرف پایدار، سیاوش مجسم زمانه، که از بمبارانها و برجسپها عبور کرد.

قسمت اول ـ دادگاهها

در شب اول آذر ماه، دادگاه پاریس با صدور حکم تبرئه دوتن از مجاهدان آزادی، برجسب سکتاریسم و تروریسم علیه مقاومت یک ملت اسیر با یکصد و بیست هزار شهید را درهم پیچید. ثابت شد که ایشخور این یاوه‌سرایها و آن کس که مقدمتاً بهآن چشم دوخته و از آن سود می‌برد، فاشیسم دینی است.
چهار سال و نیم پیش، در تیرماه۸۲، بعد از آزادی رئیس‌جمهور مقاومت، گفتم: «*اخوند خاتمی متقاضی استرداد مریم بود و کسیها درخته بود. کسی که در مقام وزیر تبلیغات خمینی در جنگ اساله افتخار می‌کرد که رژیمش ۳۵۰هزار دانش‌آموز را در پتو پیچیده و به‌میدانهای مین فرستاده است، عجبا که اکنون از طریق سخنگویان و مزدوران معلوم‌الحالش مدعی شد که خودسوزیها در کشورهای مختلف جهان، "سازمان‌یافته" و "با دستور" بوده است! بیچاره تفاوت سازمان و آرمان را بو نکرده و از آن‌جا که هیچ‌گاه در تمامی عمرش حتی آتش یک سیگار را بر پشت دست خود هم حس نکرده است، نمی‌داند که برخی امور از اساس با دستور و با سازمان‌یافتگی عملی نیستند. اگر غیر از این بود، آخوندها قبل از هرکس برای حفظ خود و رژیمشان به صدور دستورات لازم روی می‌آوردند...*»(۱۲تیر ۱۳۸۲).

xxxxx

چه روزگار غریبی که در آن آخوندهای یاوه‌گو که کارشان حتی یک روز، بدون سر و دست بریدن و جرائقال اعدام پیش نمی‌رود، یک مقاومت سترگ و تاریخی را که هرروزش حماسه است، به سکت و تروریسم متهم می‌کردند. دست پیش می‌گرفتند تا پس نیفتند! نمی‌دانستند که در هر حال آنها را واپس می‌نشانیم. مضحکتر، پشتیبانان آبروباخته و مزدورانی که گمان می‌کردند دنیا هیچ حساب و کتابی ندارد! گفته بودیم «*در جایی که هنوز یک قطره قانون و یک ذره آزادی و وجدان وجود دارد، تردید نکنید که ما پیروز می‌شویم*» (۱۲تیر۱۳۸۶).
بگذریم که اگر قانون و عدالت بی‌مانع و رادع جاری شود و مبتنی بر سیستم قطرهیی و ذره‌یی نباشد، بی‌گمان در این دادگاهها جای ظالم و مظلوم و جای قربانی و جلاد بالکل باید تغییر کند. ظالم و جلاد همین ظلمه دینی و همان عمله لعنت‌شده فاشیسم مذهبی هستند که برای کشتار و سرکوب مجاهدین، اسب زین کردند و اسباب کار آماده ساختند و گواهی دروغ دادند.

xxxxx

بگذارید قسمتی از وصیتنامه خواهری را که عیناً در حکم دادگاه پاریس آمده و به اندازه گلوی گوسفند، برایتان بخوانم. دادگاه به استناد همین شواهد غیرقابل‌انکار در حکم خود نتیجه گرفته است که «مجموعه عناصر و یافته‌های موجود حکایت از فقدان تحریک به عمل خودکشی در رابطه با افراد مورد نظر» دارد. گوش کنید:
«*آخرین پیام من به رئیس‌جمهور فرانسه، آقای ژاک شیراک، به تمامی مقامات فعال حقوق بشر، به تمامی مطبوعات فرانسه، به خلق فرانسه برای آزادی...*
از چه را که خواهید خواند، آخرین پیامهای یک پاینده سیاسی است که نتوانست از طریق راههای متداول به پاسخش برسد، به این علت است که من خود را در اجباری یافتم که دست به‌عمل خودسوزی بزنم...
من ۵۳ساله، مادر دو فرزند و دارای لیسانس علوم اداری هستم. ۲۱ سال است که در فرانسه استانوی پناهندگی دارم. امروز ساعت ۶ صبح مرا به انتهام تروریسم دستگیر و دستبند زدند، و مرا با قهر به مرکز بازداشت پلیس بردند. متأسفانه شب قبل از آن، تمامی اماکن استقرار و فعالیت پناهندگان ایرانی، همچنین اقامتگاه خانم مریم رجوی، رئیس‌جمهور منتخب شورای ملی مقاومت ایران، و همچنین خانه‌های مادران شهدا مورد حمله وحشیانه و شرم‌آور قرار گرفت. آن‌چه که دیروز اتفاق افتاد برای من غیرقابل‌تحمل بود. ولی روزی که راه مبارزه علیه رژیم ملاها را آغاز و انتخاب کردم، در آن روز تمامی رنجها و سختیها و بدبختیها و سختیها و زحمات در این راه را پذیرفته و به آن آگاه بودم و می‌دانستم در مسیری که قرار دارم بایستی منتظر چیزهای سخت و رنج و رنج باشم...
بدین‌وسیله آخرین پیامهای خود را انشا کرده و اکنون با عمل انتحاری خودسوزی به زندگی خود پایان می‌دهم. این اعتراضی است به دستگیری شرم‌آور خانم مریم رجوی که امید خلق ایران و رئیس‌جمهور منتخب مقاومت ایران است. بدین‌گونه من اعتراض می‌کنم به تمامی حملاتی که صورت گرفت به‌شیوه‌یی بسیار ننگین که دقیقاً شبیه عمل پاسداران رژیم ملایان بود. امروز ساعت ۶ صبح ما را از تختهای خودمان با اسلحه فروکشیدند. من که قبلاً یکبار سکته قلبی داشتم و بر اثر آن سمت چپ بدنم لمس شده بود، مورد ضرب و شتم قرار گرفتم. مرا با ضربات پوتین زدند. بازوهایم را نمی‌توانم به علت جراحات وارده تکان بدهم...
آیا ما تقصیری غیر از مبارزه و فدای همه چیز برای خلق ایران داریم؟ ...
من زخمهای زیادی در روح و جانم هست که از ملاهای جنایتکار دریافت کرده‌ام. اکثر اعضای خانواده ما توسط رژیم ملایان شهید شده‌اند. من دیگر قادر نیستم این همه تعدی را به ساحت مقاومت خلق ایران و سمبل آن، مریم رجوی، تحمل کنم و به‌عنوان اعتراض به این اعمال...»

xxxxx

درنهم آذرماه، کمیسیون استیناف سازمانهای ممنوعه در انگلستان، پس از رسیدگی مبسوط به شکایت ۳۵تن از نمایندگان مجلسهای عوام و اعیان، علیه ممنوعه‌کردن مجاهدین، رأی خود را صادر کرد. هوچنان که در پیام مریم آمده بود، دولت انگلیس تا توانست، فشار آورد، مزدوران پیشانی سیاه را به‌کار گرفت، چوب لای چرخ گذاشت و به‌تأخیر انداخت. با این‌همه دادگاه در رأی خود با تصریح بر این‌که «مدارک پیش روی ما گسترده‌تر، فراتر و دارای جزئیات بیشتر از شواهدی است که معمولاً در مقابل یک قاضی در دادگاه اداری قرار دارد» به دولت انگلیس حکم کرد، بساط غیرقانونی و به‌غایت غیرعقلانی و گمراه‌کننده برچسب تروریستی علیه مجاهدین را جمع کند. دادگاه هوچنین دستور داد که دولت انگلیس لایحه حذف نام سازمان مجاهدین خلق ایران از لیست سازمانهای ممنوعه را به پارلمان این کشور ارائه دهد.

xxxxx

خانم میتران تصمیم دادگاه را بیانگر سنت دفاع از دموکراسی در انگلستان توصیف کرد.
بدون شک هوچنان که حقوقدانان برجسته و نمایندگان مردم انگلستان در مجلسین این کشور خاطر نشان کرده‌اند، این یک رأی تاریخی با آثار فراگیر است.
باد مصدق بزرگ، پیشوای نهضت ضداستعماری مردم ایران، در دادگاه لاهه و رأی قاضی انگلیسی بعبود مردم ایران، به‌خیر. شورای ملی مقاومت و رئیس‌جمهور برگزیده این شورا، با یکایک خواهران و برادران و هموطنانمان که دست‌اندرکار تلاشی عظیم در جریان این دادگاه بودند، یاد و راه مصدق را گرامی داشتند و روانش را شاد کردند. سلام بر مصدق.

xxxxx

ـ خانم کلر میسکین، حقوقدان و قاضی دادگاههای انگلیس، گفت: به رزمندگان اشرف و مردم ایران می‌گویم: ما امروز نوای آزادی را در گوشهای خود می‌شنویم.
ـ لرد اسلین، قاضی سابق دادگاه عدالت اروپا و قاضی دیوانعالی انگلستان، احکام دادگاه عدالت اروپا و دادگاه بریتانیا را پیروزیهای بزرگ در کارزار جشاعانه‌یی خواند که رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت ایران در عرصه بین‌المللی به‌پیش برده است.
ـ لرد کورت در پیام خود به اشرفیان این حکم را یک پیروزی بزرگ و حکم تاریخی این توصیف کرد که پیروزمندان واقعی آن میلیونها ایرانی هستند. او گفت، این یک روز تاریخی در مسیر آزادی و دموکراسی برای مردم ایران است و از جک استرا خواست به‌خاطر رنج و محنتی که با سرسپاری به خواستهای ملاها برای نامگذاری تروریستی سازمان مجاهدین خلق، به مقاومت ایران روا داشته، از مقاومت ایران عذرخواهی کند.
ـ بریان بینلی، اقدام جک استرا را یک اقدام تبهکارانه خواند که بر سر راه مبارزات ملت ایران، مانع قرار داد.
ـ ژاک لوک در فرانسه آرزو کرد که کشورش با اقدامی مشابه مفتخر گردد و در همین مسیر قرار بگیرد (ژاک لوک رئیس بنیاد امانوس لیبرته ـ اول دسامبر۲۰۰۷).
ـ ژنرال پل ولفی، در آمریکا گفت: «اهانگذاری سپاه پاسداران به‌عنوان یک گروه تروریستی و دستور دادگاه بریتانیا برای خارج‌کردن اپوزیسیون اصلی رژیم از لیست، دو میخ اول بر تابوت حاکمان اقراطی تهران هستند. متعاقباً، خروج اپوزیسیون ایران از لیستهای آمریکا و اتحادیه اروپا، می‌توانند دو میخ آخر این تابوت باشند» (ژنرال پل ولفی و فرماندهان پیشین ارتش آمریکا و عضو کمیته سیاست ایران ـ ۲دسامبر۲۰۰۷).
ـ استراون استیونسون، در پارلمان اروپا، فاش کرد که همه اسناد محرمانه‌یی که وزارت خارجه انگلستان علیه مجاهدین به آنها استناد می‌کند «هیچ چیزی جز مزخرفات و چرندیاتهایی برخی از عوامل وزارت اطلاعات و مقالات روزنامه‌های رژیم ایران» نیستند!
آقای استیونسون در جلسه مطبوعاتی پارلمان اروپا، شجاعانه در برابر خبرنگاران گفت: «*مدتی پیش چند مقام وزارت خارجه از آندن سراغ من در پارلمان اروپا آمدند و از من می‌خواستند بلادرنگ حمایت خود را از مجاهدین متوقف کنم و گفتند ما مدارک محکمی داریم که این افراد قطعاً تروریست هستند. به آنها گفتم خوب، پس (مدارک را) نشانم بدهید. آنها گفتند متأسفانه سری هستند! حالا در پروسه دادگاه در انگلیس قضات حکم به علنی‌کردن همه این اسناد دادند و من همه را به‌دقت خواندم و هیچ چیزی جز مزخرفات و چرندیاتهایی برخی از عوامل وزارت اطلاعات و مقالات روزنامه‌های رژیم (ایران) نبود*» (استروان استیونسون، جلسه مطبوعاتی پارلمان اروپا ـ ۴دسامبر ۲۰۰۷).

xxxxx

چنین بود که سادی تلگراف بر «خجالت‌زدگی عمیق» دولت انگلستان، انگشت گذاشت و نوشت: «*در قلب این داستان شرم‌آور یکی از معماهای مرموز سیاست مدرن قرار دارد. چرا دولت ما باید مکرراً نقض قانون کند تا رژیم جنایتکار تهران را استمالت نماید...*
روز جمعه (۳۰دسامبر۲۰۰۷) هر سه قاضی به‌نفع مجاهدین رأی دادند و گفتند وزارت کشور واقعیتهای مهم را نادیده گرفته، قانون را اشتباه فهمیده و به یک تصمیم "غیرعقلانی" مبادرت کرده است...
این حکم، خجالت‌زدگی انگلیس در اروپا را، که دو بار موفق شده آن را برای نادیده‌گرفتن حکم دادگاه خودش، تشویق کند عمیق می‌سازد. در ماه ژوئن، وقتی انگلستان شورای وزیران را متقاعد کرد که تروریسم قبلی خود در نامگذاری مجاهدین باقی بماند، این برخلاف خواست بیش از ۱۰۰۰ سیاستمدار از همه احزاب در اتحادیه اروپا ازجمله ۳۳۴نماینده پارلمان اروپا و پارلمانهای ایتالیا و دانمارک بود.
این حقیقت که نشان داده شده دولت ما طی این مدت غیرقانونی عمل کرده تا رژیمی را استمالت کند که با حلق‌آویز مخالفان سیاسی در ملاءعام شاد می‌شود، باید نهایتاً بقیه اتحادیه اروپا را متقاعد کند که بفهمند چقدر توسط ویزران انگلیسی به انحراف کشیده شده‌اند و عمل شرم‌آور خود را همسو با حکم قاطع دادگاه انگلیس تصحیح کنند.
یک روز خوب برای عدالت انگلیس ولی روزی که آقای استرا و همکارانش را با سؤالات بسیار ناراحت‌کننده‌یی که باید پاسخ دهند برجا می‌گذارد» (سادی تلگراف ـ ۲دسامبر۲۰۰۷).

xxxxx

با این‌همه، زیاده‌خواهی و «تکاثر» رژیم آخوندها را بنگرید که البته تا رسیدن رژیم به قبر هم ادامه خواهد یافت. رژیم سعی دارد حکم دادگاه را در تبلیغات خود در داخل ایران تحت عنوان «حمایت استعمار پیر از تروریستها» به‌خورد مردم بدهد. به‌این می‌گویند نعل وارونه ارتجاع فرتوت در زیر بغل «استعمار پیر»!

xxxxx

قانون تروریسم و نامگذاری سازمانهای ممنوعه در انگلستان در ۹فروردین ۱۳۸۰ (۲۹مارس ۲۰۰۱) به‌تصویب رسید. اما اکثریت پارلمان از روز اول و قبل از نامگذاری رسمی مجاهدین مخالفت خود را اعلام کرد. ۳۳۷نماینده مجلس عوام و ۱۰۰نماینده مجلس اعیان از همه احزاب در بیانیه «لبران، فریاد آزادی» اعلام کردند:
«*در شهرها و شهرستانهای سراسر ایران فریاد آزادی است. این ملاها هستند که در برابر میلیونها ایرانی قرار گرفته و دموکراسی را از آنها ربوده‌اند...*
ائتلاف شورای ملی مقاومت ایران، که کارزار برای برقراری یک دولت دموکراتیک و کثرت‌گرا را رهبری می‌کند، از حمایت گسترده جهانی برخوردار است. اکثریت اعضای پارلمان در انگلستان، اکثریت اعضای کنگره آمریکا، و اکثریت اعضای پارلمانهای ایتالیا، بلژیک، لوکزامبورگ و ۱۵۰عضو مجلس ملی فرانسه، از شورای ملی مقاومت ایران، در مبارزه‌اش برای دموکراسی و احترام به حقوق بشر حمایت می‌کنند.
مجلس نمایندگان آمریکا، همانندقانونگذاران در سایر کشورها، تصریح کرده‌است که جنبش مجاهدین در ایران یک جنبش مشروع است.
هیچ تعبیر واقعی در ایران رخ نداده است. جناحهای به اصطلاح "اصلاح‌طلب" و "ارتجاعی" تنها دو روی یک رژیم سرکوبگر هستند. این رژیم از مردم خود وحشت دارد و قتل سیاسی را در داخل و خارج کشور، به‌کار می‌گیرد.
دولت انگلستان باید از مبلیونها ایرانی پشتیبانی کند و نه از ملاها. این دولت می‌باید از حواست فزاینده برای دموکراسی و حقوق‌بشر در ایران حمایت نماید».

xxxxx

به‌راستی آش آن‌قدر شور و خصومت دولت انگلیس با خلق و مجاهدین خلق ایران آن‌قدر غیرعقلانی و جنون‌آمیز بود که دادگاه اداری هم به جان آمد. به همین خاطر صبر کردم تا استیناف‌خواهی دولت انگلیس از این دادگاه تعیین تکلیف شود. «تجار محترم» و قانون‌شکن بازار سیاست در تجربه دادگاه جوامع اروپایی در سال گذشته با نادیده‌گرفتن و دور زدن حکم دادگاه ثابت کردند که چرخه دلارهای نفتی و آغشته به خون مردم ایران، بسا «کج رفتار» و «بدکردار»تر از آنست که حتی به دین و آیین و دموکراسی و قوانین خودش، پایبند باشد. با این تفاوت که این بار حکم دادگاه متوجه «مرکز لشکر فخیمه» است. لشکر برچسب‌زنی تروریستی در اتحادیه اروپا که دولت انگلیس محور و مرکز آن بوده است. اشرفیها می‌گویند «خواهر مریم، با این دادگاه، مرکز لشکر را هدف قرار داده»!
«مرکز لشکر» اصطلاح رایج در اشرف، از زمان تسخیر مرکز لشکر ۱۶زرهی ارتش تحت امر رژیم آخوندی و مرکز لشکر۱۱ سپاه پاسداران در جریان فتح شهر مهران در عملیات چلچراغ است.
آخر، دولت انگلیس، تنها دولتی است که مانند رژیم آخوندی سازمان مجاهدین خلق ایران را «ممنوعه» شناخته و در «افتخارات» و مزایای آن سهیم و شریک است. آقای جک استرا خودش گفت که باقی و باعث این کار بوده است. او هوچنین واسطه بمباران و سرکوب مجاهدین پس از ممنوعه‌نمودن آنها بود. آخوندبازبودن دولت انگلیس و سخنگوی فارسی زبانش آبتالله بی‌بی‌سی، ازنظر مردم و تاریخ ایران امر کاملاً شناخته‌شده‌یی است. پیوندهای ناگسستنی با رژیم خمینی و خصومت وقفه‌ناپذیر و جنون‌آمیز با مجاهدین و مقاومت ایران بر کسی پوشیده نیست. ربع قرن منبرهای آبتالله بی‌بی‌سی و لعن و تکفیر دائمی مجاهدین و شورای ملی مقاومت، چندین کتاب می‌شود. مانند روزگار مصدق همه چیز خط به خط «به فرموده» وزارت خارجه و اینتیلیجنس صورت می‌گیرد. طبق اسناد افشاشده اطلاعات آخوندها، هر مزدوری برای لجن‌پراکنی علیه مجاهدین به بنگاه سخن‌پراکنی مربوطه ارجاع داده می‌شود. وقتی هم که آبتالله بی‌بی‌سی کم می‌آورد، از نیروها و سروسپاهای «تقویت راه دوم» تغذیه می‌کند تا مثلاً در مورد منابع مالی این مقاومت، چهار سال و نیم بعد از سقوط دولت بیشین عراق، وقیحانه بگویند که اینها از پول صدام و برخی کشورهای عربی تأمین می‌شوند. کاش شرافت می‌داشت و در یک دادگاه بی‌طرف، رو در روی مجاهدین، این ادعای رذیلانه را به قضاوت می‌گذاشت.

xxxxx

دولت انگلیس بلافاصله پس از صدور حکم دادگاه، به آن اعتراض کرد و اعلام نمود استیناف خواهد خواست. اما طبق قانون، استیناف خواستن از حکم کمیسیون استیناف سازمانهای ممنوعه، مقدمتاً موکول به‌اجازه همین کمیسیون است. در صورتی‌که کمیسیون اجازه ندهد، مدعی البته حق دارد موضوع را از کمیسیون استیناف به دادگاه استیناف که یک مرجع بالاتر قضایی است، بکشاند. اما وقتی کمیسیون، درخواست استیناف را مجاز نشناسد و آن را رد کند، حاکی از این است که حکم صادره، بسیار محکم است و به‌سادگی نمی‌شکند. مرجع بالاتر قضایی نیز طبعاً به این نکته توجه دارد که آیا کمیسیون، استیناف‌خواهی دولت انگلیس را پذیرفته و اجازه داده و یا با آن مخالفت کرده و آن را مجاز نشناخته است، و این همان کاری است که دو هفته بعد از صدور حکم، انجام شد.
در روز ۲۳آذر، کمیسیون، درخواست اجازه دولت انگلیس برای استیناف را رد کرده و چند روز بعد به طرفین دعوا اطلاع داده دلایلی را که وزیر کشور انگلیس برای استیناف ارائه کرده است، گزینشی و بی‌ربط می‌داند. مهمتر این‌که عقیده دارد که وزیر کشور هیچ چشم‌انداز منطقی برای موفقیت در استیناف‌خواهی و شکستن حکم صادره ندارد.
این‌جا بود که رئیس کمیته پارلمانی بریتانیا برای ایران آزاد، از طرف ۲۰۰نفر از اعضای مجلس اعیان و اکثریت مجلس عوام، اعلام کرد: «اکنون وزیر کشور بایستی اشتباه خود را بپذیرد و حکم کمیسیون استیناف سازمانهای ممنوعه را اجرا کند و نام سازمان مجاهدین خلق ایران را از لیست سازمانهای ممنوعه خارج نماید»(لرد کورت ـ ۲۳آذر۸۶).

بقیه در صفحه ۲

اگر قانون و عدالت بی‌مانع و رادع جاری شود و مبتنی بر سیستم قطره‌یی و ذره‌یی نباشد، بی‌گمان در این دادگاهها جای ظالم و مظلوم و جای قربانی و جلاد بالکل باید تغییر کند. ظالم و جلاد همین ظلمه دینی و همان عمله لعنت‌شده فاشیسم مذهبی هستند که برای کشتار و سرکوب مجاهدین، اسب زین کردند و اسباب کار آماده ساختند و گواهی دروغ دادند

سردمداران رژیم آخوندی از ترس فراخوانده‌شدن به‌دادگاههای بین‌المللی نعل وارونه می‌زنند... گمان می‌کنند که مجاهدین را از دادرسی و دادگاه هراسی است. از این حقیقت و از این قانونمندی به‌کلی غافلند که هر کجا قطره‌یی قانون و ذره‌یی عدالت و انصاف وجود داشته باشد، و در هر دادگاهی که به‌طور نسبی هم که شده، دادگری و قانون حکومت کند، بدون تردید، مجاهدین و مقاومت ایران برنده‌اند. بله، به آخوندها و پاسداران دور و نزدیکشان می‌گویم که در تاراج و تجارت شما برنده‌ایم اما در قانون و عدالت ما برنده‌ایم. به تاراج دادن بیت‌المال ملت ایران و تجارت نفت و خون، حیطه شما، و انصاف و قانون، قلمرو ماست

هم اکنون نیز آخوندها عناصر دست‌چین شده خود را از ارگانهای قضایی عراق، در پوشش انواع و اقسام هیأتها و سفرها به ایران دعوت می‌کنند، می‌چرانند و می‌چلانند، خانه و خودرو و خوراک و پول فراوان می‌دهند تا شاید علیه مجاهدین آبی گرم شود. نمی‌دانند که مقاومت ایران از داخل ایران گزارش این قبیل تشبثات کثیف را گاه روز به روز دریافت می‌کند و با وکلا و ارگانها و مراجع ذیربط در میان می‌گذارد. آن‌کس که توانست لیست ۳۲هزار مزدور سپاه قدس را با شماره حسابها و مستمری ماهیانه هر یک افشا کند، در یک دادگاه بین‌المللی با دعوت از وکلا و شهود، اسناد مربوطه را با تمام جزئیات ارائه خواهد کرد

به‌راستی که مقاومت ایران چه خطر عظیم و هولناکی را نه فقط از سر مردم ایران بلکه از سر جامعه بشری به‌طور نسبی و مقطعی هم که شده، دور کرده است. بمب‌سازی اتمی از سوی آخوندها در اثر ضربات افشاگرانه و روشنگرانه‌یی که از سوی مقاومت دریافت کردند، به تأخیر افتاده است. این برای ما یک وظیفه ملی و میهنی و در عین‌حال بالاترین خدمت به‌صلح جهانی و سزاوار سپاسگزاری از سوی جامعه بین‌المللی است.

با این‌همه از آن‌جا که این فاشیسم دینی و رژیم دجال و ضدبشری، با غصب حاکمیت و با سرکوب و کشتار و قتل‌عام، سه دهه متوالی به جنگ آشتی‌ناپذیر با مردم ایران برخاسته و سراپا در جنگ با خلق ماست، تأکید می‌کنیم که: «زن و مرد جنگیم». جنگ و مقاومت در برابر این رژیم وظیفه و حق مسلم ماست. با او در جنگ بوده و هستیم. با غنی‌سازی، بی غنی‌سازی. با اتمی و بدون اتمی، اعم از این‌که دولتهای جهان، از کوچک تا بزرگ، با آن در صلح و سازش باشند یا در جنگ و تضاد و دعوا، نبرد و مقاومت برای آزادی حق مسلم مردم ایران در هر وضعیتی است.

در عین‌حال خوب می‌دانیم که تا این رژیم در میهن ما حاکمیت دارد، آفت و تهدید، برای همگان، بدون استثنا، نجنگیدن و قیمت ندادن است. تن دادن است. وا دادن است. این ساده‌ترین و بی‌دردسرترین انتخاب است. بارخدایا ما را از این ننگ و ذلت مصون دار. هیهات مِنا الذله.

بقیه از صفحه اول

با این وصف، اگر دولت انگلیس باز هم می‌خواهد موضوع را به دادگاه بعدی و مراجع بالاتر قضایی بکشاند، چه باک!؟ هم‌چنان‌که در موضعگیری رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت آمده بود «شکستی دیگر» را به‌جان خواهد خرید.

گفته بودیم که: «مبارزه بر سر حذف باوه‌های تروریستی، اکنون مبارزه‌یی است با پیروزی محتوم. برچسب‌زنان، هرکه هستند، محکوم به شکست هستند. صرکنید ببینیم این نامگذاری پوسیده و درهم‌شکسته، چه مدت دیگر دوام می‌آورد» (۱۲ تیر ۱۳۸۶).

از این رو باز هم تکرار می‌کنیم که: «برای ما مهم، ملت ایران است. حرف اول و آخر از آن این ملت است و بس. همانها که از خمینی نپذیرفتند که مجاهدین و مقاومت ایران دزد و جاسوس و منافق و بدتر از کافر و عوامل استکبار جهانی و ستون پنجم و آلت دست عراق هستند، برچسب سخیف تروریستی را هم به‌سرعت برق و باد، دود کردند.

اکنون بگذارید هر که می‌خواهد، با این قبیل برچسبها، گلو پاره کند و سر خود را به‌صخره‌های دماوند بکوبد» (۳۱ خرداد ۱۳۸۱).

xxxxx

لابد شنیدید که چند ساعت پس از صدور حکم در روز نهم آذر، دبیر شورایعالی امنیت آخوندها، که در لندن بود، به صحنه آمد و به‌موضعگیری شدید و غلیظی مبادرت کرد. پاسدار جلیلی، دبیر نیمه جان امنیت رژیم آخوندی، که به سیاق خیلی پاسداران دوره‌دیده در کارگاههای نمدمالی اطلاعات و سپاه آخوندها، پیشوند دکتر را هم به‌او چسبانده‌اند، ناشیانه آن‌چه را که نباید می‌گفت، لو داد و در کنفرانس مطبوعاتی خود گفت: «*البته دولت بریتانیا دیپلمب در ملاقاتی که ما داشتیم اظهار می‌داشتند که این موضع آنها نیست و حتماً نسبت به این موضوع واکنش خواهند داشت. آنها تلاش خواهند کرد که این را تصحیح کنند. ما امیدواریم که به‌هرحال واکنش دولت بریتانیا منجر به این نشود که یک هم‌چین رکورد بدی در تاریخ بریتانیا در حمایت از تروریسم ثبت نشود. البته حتماً رسانه‌های بریتانیا هم از چنین دادگاهی سؤال خواهند کرد که چگونه یک گروهک تروریستی را از تروریست بودن، خارج می‌کند. و حتماً این دادگاه باید به افکار عمومی مردم خودش و جهان و به‌خصوص مردم ما پاسخ بدهد...*» (سی‌ان‌ان ـ ۳۰ نوامبر ۲۰۰۷).

معلوم می‌شود دولت انگلیس که به‌امر از دادگاه خواسته بود حکم را برای آماده‌سازیهای لازم، پنج روز قبل از اعلام علنی حکم دادگاه، دریافت نماید، موضوع را قبل از اعلام حکم، با رژیم آخوندی به‌لطایف‌الحیل در میان گذاشته تا شوکه و سرخورده نشوند. هم‌چنین به آنها وعده «واکنش» و «تصحیح» داده است. آن‌قدر که قره پاسدار ولایت، آن‌قدر جری می‌شود که به تهدید دادگاه می‌پردازد و می‌گوید، دادگاه حتماً باید (به رژیم) پاسخ بدهد. بدون این‌که به درجه دکترا نیازی باشد، مختصر سواد ابتدایی کافی بود که دبیر شورایعالی امنیت نظام بداند در دنیای متمدن، حکم دادگاه پاسخ به همه سؤالات و بحث و جدلهای قبلی پس از استدلالات لازم و کافی است. بنحوی که بعد از این پاسخ، دیگر هیچ آدم باشعور و متمدنی، ولو با این پاسخ مخالف باشد، نمی‌گوید که دادگاه حتماً باید به او و رژیمش در مورد این پاسخ، پاسخ بدهد! مگر این‌که از سنخ دادگاههای وحوش ولایت، با قضاوت دژخیم اژه‌ای یا سعید مرتضوی باشد.

xxxxx

موضعگیری همریشهای ایمان در باند ورشکسته خاتمی هم شنیدنی است.

جبهه مشارکت خاتمی پس از صدور حکم دادگاه انگلستان «هرگونه مماشات با گروهک تروریستی (منافقین) را محکوم» کرد و «خواستار جلوگیری از عملی‌شدن این حکم» و «بازدارندگی دولتهای غربی» در برابر آن گردید (خبرگزاری رسمی رژیم ـ ۱۱ آذر ۸۶).

به این می‌گویند این‌همانی «تمدنها» در ولایت وحوش!

یک بار هم که اصلطلبان نظام از کلمه «مماشات» در فرهنگ سیاسی خود استفاده کردند، چپه وارو و برای «بازدارندگی دولتهای غربی» در برابر حکم دادگاه غربی بود!

می‌گویند دانش‌آموزی که هیچ وقت نمره قبولی نداشت، یکبار تصادفاً در دیکته و املا نمره ۱۳ گرفت. می‌گریست و از معلم نمره ۱۰ می‌خواست و می‌گفت: مادرم گفته اگرایِن بار نمره۱۰ نگرفتی، به خانه راهت نمی‌دهم!

به‌نظر می‌رسد این‌بار خاتمی‌چیهاهم به‌نسبت سعید جلیلی، نمره۱۳ گرفته‌اند! با این همه بعید است که ولی‌فقیه ارتجاع آنها را چنان‌که می‌خواهند به انتخابات و مجلس بعدی نظام، راه بدهد!

xxxxx

دلیل ترس شدید باند خاتمی از حذف برچسب تروریستی علیه مجاهدین از سوی دولتهای غربی، بسیار واضح و قابل‌فهم است. به یاد «کِشته»های خود هنگام «درو» در برابر مردم ایران می‌افتند.

یک بار در جریان جنگ گرگها و دعواهای درون حاکمیت آخوندی، یک مدیرکل رادیو و تلویزیون رژیم (آخوند حسین اربابی‌فر) فاش کرد:

«*این اربابی‌ها که در دوره گذشته با معاون وزیر اطلاعات بودند، یا مدیرکل وزارت اطلاعات بودند، افرادی را هم دستگیر کردند، پرونده‌سازی کردند و خودشان عامل اصلی بودند. یکی از کسانی که دم از صلح، حقوق بشر، دموکراسی و مردم‌سالاری می‌زند و به مغز متفکر اصلاحات معروف است، در همین شیراز یکی از منافقین را بازجویی می‌کرد، این آدم را به درخت بست و دستش را با طناب به تراکتور بست و با تراکتور حرکت کرد تا بازوی این فرد کنده شد، در آن زمان متدینان اعتراض کردند که این چه وضع برخورد است، این کار را کسی که اکنون مخالف خشونت است، انجام داد...*» (حسین اربابی‌فر، خبرگزاری حکومتی ایسنا ـ اول مهر ۸۱).

به این می‌گویند مماشات نکردن با مجاهدین به سبک و سیاق اصلاح‌طلبان خطامامی! طبیعی است که می‌ترسند که بعد از برداشته‌شدن رابینده‌ها، زمان افشای جنایتهایشان بر ضدبشریت فرابرسد و آمران و عاملان، روزی به‌دادگاه فراخوانده شوند.

به همین خاطر است که با تاکتیک «بازدارندگی پیشدستانه» برای محاکمه‌کردن مجاهدین از فرانسه تا عراق، دست پیش می‌گیرند!

xxxxx

چنین است که سردمداران رژیم آخوندی از ترس فراخوانده‌شدن به دادگاههای بین‌المللی نعل وارونه می‌زنند. یک روز بر روی کاغذهای فرم انترپل برای ما حکم جلب می‌نویسند! یک روز در میان در پی محاکمه ما در عراق هستند و هراگاهی در فرانسه نارابهریزی نموده و در مورد صیاد شیرازی و دیگر عملیات اعلام‌شده ستاد فرماندهی مجاهدین در داخل کشور، عرض‌حال می‌دهند. گمان می‌کنند که مجاهدین را از دادرسی و دادگاه هراسی است. از این حقیقت و از این قانونمندی به‌کلی غافلند که هر کجا قطره‌یی قانون و ذره‌یی عدالت و انصاف وجود داشته باشد، و در هر دادگاهی که به‌طور نسبی هم که شده، دادگری و قانون حکومت کند، بدون تردید، مجاهدین و مقاومت ایران برنده‌اند.

بله، به آخوندها و پاسداران دور و نزدیکشان می‌گویم که در تاراج و تجارت شما برنده‌ایم اما در قانون و عدالت ما برنده‌ایم. به تاراج دادن بیت‌المال ملت ایران و تجارت نفت و خون حیطه شما و انصاف و قانون قلمرو ماست.

مگر رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت در این سالها در هر مناسبت و در هر اجتماعی، درخواست برگزاری دادگاه نکرده است؟

مگر مریم در برابر هزاران نفر و در برابر خبرنگاران و رسانه‌ها بارها با صدای بلند اعلام نکرده است که اگر مقاومت برای آزادی جرم است، ما به آن افتخار می‌کنیم؟

مگر مجاهدین و خانواده‌های شهیدان، بغایت از دادگاه رسیدگی به موضوع صیاد شیرازی در فرانسه استقبال و برای حضور در آن، اعلام آمادگی ننموده‌اند؟

xxxxx

مگر باراهاعلام نکردیم که حاضریم با سران این رژیم در هر دادگاه بین‌المللی رو در رو شویم؟ برای فرار از همین فراخوان است که چهار سال و اندی است در پی محاکمه ما در عراق هستند. دو سال پیش وکلای عراقی و فرانسوی فاش کردند که رژیم آخوندی در جریان محاکمه مقامات سابق عراق، در امان پایتخت اردن و هم‌چنین پاریس، با آنها تماس گرفته و در مجموع پیشنهاد ۱۲۰ میلیون دلار رشوه داده است تا بمباران شیمیایی حلبچه و مصرف گاز سیانید را که فقط دولت ایرانی در اختیار داشت، کار مجاهدین خلق قلمداد کنند. وکیل فرانسوی فاش کرد که سفیر رژیم در پاریس (صادق خرازی) حتی به او گفته است که «ما یک سند داریم که می‌خواهیم در اختیار شما قرار دهیم که اثبات می‌کند که مجاهدین خلق این کار را کرده‌اند» (تلویزیون ایوطبی ۲۹ بهمن ۸۴ـ تلویزیون آرته ۵ مهر ۸۶).

هم‌اکنون نیز آخوندها عناصر دستچین‌شده خود را از گرانقهای قضایی عراق در پوشش انواع و اقسام هیأتها و سفرها به ایران دعوت می‌کنند، می‌چرانند و می‌چلانند، خانه و خودرو و خوراک و پول فراوان می‌دهند تا شاید علیه مجاهدین آبی گرم شود. نمی‌دانند که مقاومت ایران از داخل ایران گزارش این قبیل تشبثات کثیف را که روز به روز دریافت می‌کند و با وکلا و رگانها و مراجع ذیربط در میان می‌گذارد. آن‌کس که توانست لیست ۳۲هزار مزدور سپاه قدس را با شماره حسابها و مستمری ماهیانه هر یک افشا کند، در یک دادگاه بین‌المللی با دعوت از وکلا و شهود، اسناد مربوطه را با تمام جزئیات ارائه خواهد کرد.

xxxxx

اگر سردمداران و سرکردگان رژیم جرأت دارند، یکبار دیگر از آن ۱۳ مرد خبیث دعوت می‌کنیم که همراه با تمام ادله و دعاوی خود علیه مجاهدین و مقاومت ایران، با ما در یک دادگاه بین‌المللی حاضر شده و به دفاع از خود بپردازند. هرکس دیگری را هم که می‌خواهند با خود بیاورند تا علیه ما هرچه می‌خواهد بگوید. مگر از شیعیان و اکراد عراقی برای خود پیراهن عثمان درست نکرده‌اید؟! مگر مدعی بمباران حلبچه و پیاده‌کردن و فروش قطعات هواپیماهای عراقی توسط مجاهدین نیستید؟! مگر نمی‌گویید که از کروکوک تا نجف و ناصریه و از انبار تا شهرک صدر و خائفین را مجاهدین یکبار در گذشته و یکبار هم حالا با آمریکاییها، سرکوب و کشتار و قتل‌عام کرده‌اند؟! مگر نمی‌گویید که یک سوم درآمد نفت عراق را مجاهدین می‌گرفتند؟! مگر نمی‌گویید که ماهانه ۳۰میلیون دلار از سعودی می‌گیرند؟! مگر نمی‌گویید که اسرائیل و آمریکا اطلاعات هسته‌یی و تأسیسات اتمی شما را چون که خودشان شرم داشتند، به مجاهدین دادند تا افشا کنند؟! مگر مدعی بمبگذاری در قطارها و فروش خون آلوده و توزیع هروئین در فرانسه و اروپا توسط مجاهدین نبودید؟! مگر نمی‌گفتید که زندانهای عراق آکنده از مجاهدین ناراضی (!) بوده و مجاهدین بیش از هزار و ششصد نفر از اعضای خودشان را هم در زندانهای خودشان محبوس و شکنجه کرده و بسیاری را هم کشته‌اند؟!

بسیار خوب، بفرمایید دادگاه بین‌المللی و شهود خود را هم بیاورید!

خرج این دادگاه را هم هواداران مجاهدین و پشتیبانان مقاومت خواهند داد تا شما به این بهانه جا نزنید! لطفاً به بهانه این‌که یک زن هم ممکن است در دادگاه بین‌المللی، فاضی باشد و قضاوت بر زنان حرام است، این دادگاه را رد نکنید!

اگر دادگاه جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت در لاهه را دوست ندارید و در انگلیس پشتتان گرمتر است، این دادگاه می‌تواند در انگلستان باشد و آقای جک استرا هم بیاید! خانم مانیکلسون هم دعوت می‌کنیم که همراه با تمام ادله و دعاوی خود، علیه مجاهدین و مقاومت ایران، با ما در یک دادگاه بین‌المللی حاضر شده و به دفاع از خود بپردازند. هرکس دیگری را هم که می‌خواهند با خود بیاورند تا علیه ما هرچه می‌خواهد بگوید. مگر از شیعیان و اکراد عراقی برای خود پیراهن عثمان درست نکرده‌اید؟! مگر مدعی بمباران حلبچه و پیاده‌کردن و فروش قطعات هواپیماهای عراقی توسط مجاهدین نیستید؟! مگر نمی‌گویید که از کروکوک تا نجف و ناصریه و از انبار تا شهرک صدر و خائفین را مجاهدین یکبار در گذشته و یکبار هم حالا با آمریکاییها، سرکوب و کشتار و قتل‌عام کرده‌اند؟! مگر نمی‌گویید که یک سوم درآمد نفت عراق را مجاهدین می‌گرفتند؟! مگر نمی‌گویید که ماهانه ۳۰میلیون دلار از سعودی می‌گیرند؟! مگر نمی‌گویید که اسرائیل و آمریکا اطلاعات هسته‌یی و تأسیسات اتمی شما را چون که خودشان شرم داشتند، به‌مجاهدین دادند تا افشا کنند؟! مگر مدعی بمبگذاری در قطارها و فروش خون آلوده و توزیع هروئین در فرانسه و اروپا توسط مجاهدین نبودید؟! مگر نمی‌گفتید که زندانهای عراق آکنده از مجاهدین ناراضی (!) بوده و مجاهدین بیش از هزار و ششصد نفر از اعضای خودشان را هم در زندانهای خودشان محبوس و شکنجه کرده و بسیاری را هم کشته‌اند؟!

بسیار خوب، بفرمایید دادگاه بین‌المللی و شهود خود را هم بیاورید!

xxxxx

اطلاعات آمریکا در باره وضعیت اتمی رژیم است و به‌خوبی نشان می‌دهد که اوضاع از هر طرف که بچرخد، نتیجه نهایی یکی است و ای بسا که برای رژیمی درحال سقوط، حتی بدتر هم باشد.

وقتی گزارش جامعه اطلاعاتی بیرون آمد، ابتدا ذوق زده شدند. اما اندک اندک به‌وجود آمدند و به‌قول خودشان به وجوه منفی آن‌هم توجه کردند. به یکدیگر هشدار و اخطار دادند و بعضاً حتی از یک «دام استراتژیک» سخن گفتند.

بررسی جامع در باره این گزارش و حفره‌ها و تناقضات و لاف و اگرها و قسمتهای نادرست آن، بعویژه در سال انتخابات در آمریکا که همه چیز تحت‌الشعاع آن است، نیازمند بحث جداگانه‌یی است. بنابراین به‌بیان چند نکته ضروری بسنده می‌کنم:

xxxxx

۱ـ آخوند حسن روحانی، دبیر پیشین شورای عالی امنیت رژیم، یکبار درباره دوره تعلیق غنی‌سازی گفت:

«*ما وقتی تعلیق را پذیرفتیم، اصلاً UFE در اختیار نداشتیم که بخواهیم آن را غنی‌سازی کنیم. ما تعلیق داوطلبانه و موقت را به این دلیل پذیرفتیم که با تعلیق موقت یک بخش و آرام‌کردن فضای بین‌المللی، بقیه زیرساختهای هسته‌یی کشور را تکمیل کنیم...*

سال ۸۱ زمانی بود که آمریکا بر افغانستان و عراق پیروز شده و در اندیشه حمله به ایران بود تاکهان با کشف مسأله نطنز و سپس آلودگی سطح بالا به وسیله اُرانیُم، سروصدای زیادی ایجاد شد. تمام تلاش این بود که پرونده ما را به شورای امنیت بفرستند و بلافاصله تحریم و سپس حمله نظامی را شروع کنند. تمام اقتصاد کشور قفل و نفسها در سینه‌ها حبس شده بود. آن زمان، تمام دنیا از آمریکا و اسرائیل گرفته تا تمام کشورهای اروپایی، همه، ما را به فعالیت مخفیانه برای ساخت بمب اتمی متهم می‌کردند. در آن شرایط، ما تهدیدات را رفع کردیم و پرونده را از پشت در شورای امنیت، به شورای حکام بازگرداندیم. در همین فضا، اصفهان را توسط گروه فرقان تورد شد. قبل از ضربه اپورتونیستهای چپ‌نما، در فاصله سالهای ۵۱ تا ۵۴ در زندان قصر، شیفته مجاهدین، به‌ویژه موسی و کاظم ذوالانوار بود و از مجاهدین حرف‌شنوی داشت.

قسمت دوم ـ برآورد جامعه اطلاعاتی آمریکا

خواهران و برادران عزیز،
جوانان مجاهد و مبارز،
دانشجویان انقلابی،

برچسبها و شعبده‌ها و ترفندها و توطئه‌های رژیم آخوندی علیه مجاهدین و مقاومت مردم ایران یکی پس از دیگری رنگ می‌باژد و در هم می‌شکند. قرآن می‌گوید: «مکر و نیرنگ زشت، جز بر صاحبش فرود نمی‌آید» لا یَحِیقُ المَکْرُ السَّیِّئُ إلا بأهلِه

سلسله زنجیر تحولات، شتابان فاشیسم دینی را در هم می‌پیچد و شرایط اضمحلال و سرنگونی آن را تکمیل می‌کند. در یکسال آینده تحولات تعیین‌کننده‌یی در عراق و ایران قابل پیش‌بینی است. اگر رژیم آخوندی به «زهر خوردن» و عقب‌نشینی زنجیره‌یی تن بدهد، مانند رژیم شاه در واپسین مرحله حیاتش، طلسم اختناق درهم می‌شکند: چیزی که آخوندها از آن مانند مردمک چشم مراقبت می‌کنند چرا که به‌فضیح‌ترین صورت پایین کشیده می‌شوند.

حال اگر این رژیم کماکان «بی‌دنده و ترمز» حرکت کند، لاجرم به مانع می‌خورد و در تصادم سخت از دست می‌رود. پس با همه فراز و نشیبها نتیجه در هر حال یکی است. عهد آخوندها و فاشیسم دینی به‌سر آمده است.

xxxxx

یک نمونه آشکار و در عین‌حال آموزنده و بسیار شایان تأمل، برآورد اخیر جامعه اطلاعاتی آمریکا در باره وضعیت اتمی رژیم است و به‌خوبی نشان می‌دهد که اوضاع از هر طرف که بچرخد، نتیجه نهایی یکی است و ای بسا که برای رژیمی درحال سقوط، حتی بدتر هم باشد.

وقتی گزارش جامعه اطلاعاتی بیرون آمد، ابتدا ذوق زده شدند. اما اندک اندک به‌وجود آمدند و به‌قول خودشان به وجوه منفی آن‌هم توجه کردند. به یکدیگر هشدار و اخطار دادند و بعضاً حتی از یک «دام استراتژیک» سخن گفتند.

بررسی جامع در باره این گزارش و حفره‌ها و تناقضات و لاف و اگرها و قسمتهای نادرست آن، بعویژه در سال انتخابات در آمریکا که همه چیز تحت‌الشعاع آن است، نیازمند بحث جداگانه‌یی است. بنابراین به‌بیان چند نکته ضروری بسنده می‌کنم:

xxxxx

۱ـ آخوند حسن روحانی، دبیر پیشین شورای عالی امنیت رژیم، یکبار درباره دوره تعلیق غنی‌سازی گفت:

«*ما وقتی تعلیق را پذیرفتیم، اصلاً UFE در اختیار نداشتیم که بخواهیم آن را غنی‌سازی کنیم. ما تعلیق داوطلبانه و موقت را به این دلیل پذیرفتیم که با تعلیق موقت یک بخش و آرام‌کردن فضای بین‌المللی، بقیه زیرساختهای هسته‌یی کشور را تکمیل کنیم...*

سال ۸۱ زمانی بود که آمریکا بر افغانستان و عراق پیروز شده و در اندیشه حمله به ایران بود تاکهان با کشف مسأله نطنز و سپس آلودگی سطح بالا به وسیله اُرانیُم، سروصدای زیادی ایجاد شد. تمام تلاش این بود که پرونده ما را به شورای امنیت بفرستند و بلافاصله تحریم و سپس حمله نظامی را شروع کنند. تمام اقتصاد کشور قفل و نفسها در سینه‌ها حبس شده بود. آن زمان، تمام دنیا از آمریکا و اسرائیل گرفته تا تمام کشورهای اروپایی، همه، ما را به فعالیت مخفیانه برای ساخت بمب اتمی متهم می‌کردند. در آن شرایط، ما تهدیدات را رفع کردیم و پرونده را از پشت در شورای امنیت، به شورای حکام بازگرداندیم. در همین فضا، اصفهان را کامل و UFE را تولید کردیم، ما در آن مقطع نتوانستیم اصفهان را می‌ساختیم، در فضای تعلیق بود که اصفهان کامل و تأسیسات آب سنگین، اراک ساخته شد. در همین فضای تعلیق، نطنز را کامل کردیم» (روزنامه اقتاب ـ ۲۰ آذر ۸۶).

۲ـ آخوند روحانی هم‌چنین تأکید کرد: «در بحث هسته‌یی توانمندی در چرخه سوخت، تقریباً مساوی است با توانمندی یک کشور برای ساخت سلاح هسته‌یی در زمانی که اراده سیاسی آن کشور بر آن تعلق بگیرد» (خبرگزاری فارس ـ ۲ اسفند ۱۳۸۴).

۳ـ پس از انتشار این اظهارات، یک مهره امنیتی رژیم بغام علیرضا اکبری (مدیر مؤسسه راهبردی)، بهشدت به روحانی اعتراض کرد و نوشت که او با افشای اطلاعات «دارای طبقه‌بندی خاص (که) ازجمله اطلاعات امنیت ملی محسوب می‌شود»، «آرایش دیپلوماتیک ایران را به‌هم ریخت» و «خود را تطهیر نموده و غسل تعمید داده است» چرا که «دبیر پیشین شورایعالی امنیت ملی، اذعان می‌کند که ایران فعالیتهایی داشته که از آژانس مخفی نگه داشته که در ادبیات حقوقی آژانس به آن جلوگیری از دسترسی می‌گویند و این یکی از تخلفاتی است که می‌تواند کشوری را به خاطر آن به شورای امنیت ارجاع کنند»

علیرضا اکبری، هم‌چنین خاطرنشان کرد که پس از افشاگری مقاومت ایران در باره نطنز «ابتدا محمد البرادعی نامه‌یی خطاب به ایران نوشت و به استناد اظهارات منافقین، خواست که ایران اعلام کند که آیا فعالیتهای مخفی هسته‌یی دارد و اقداماتی را از آژانس پنهان نگه داشته است؟»

۴ـ گزارش جامعه اطلاعاتی آمریکا به صراحت می‌گوید که رژیم از قبل، دست‌اندرکار ساختن بمب اتمی بوده است در پاییز۲۰۰۳ آن را به‌خاطر بازرسی و فشارهای بین‌المللی، قطع کرده و درحال‌حاضر بمب اتمی ندارد. اگر هم ساختن بمب را امروز شروع کند و کارش بدون مانع پیش برود، دست‌کم دو سال طول می‌کشد تا به بمب اتمی برسد. اما دیرترین زمان تخمینی سال۲۰۱۵ میلادی خواهد بود.

آن‌چه مسلّم است این‌که، رژیم کماکان خطر ترور و مقاومت و شعار اتمی را حفظ کرده و طبق نظر کارشناسان حرفه‌یی، زمانی‌که به اورانیوم غنی‌شده بالای ۹۰درصد برسد در ۴۵روز می‌تواند با آن بمب بسازد.

۵ـ اما در پاییز۲۰۰۳ به‌دنبال افشای مرکز شبان در لویزان از سوی مقاومت ایران، رژیم از ترس بازرسی با شتاب بسیار این مرکز را به‌کلی منهدم کرد. عکسهای هوایی قبل و بعد از انهدام این مرکز بسیار گویاست. این همان‌جاست که بعداً بازرسان از روی آثار بالمیانده، به بسیاری چیزها پی بردند.

واضح است که از همین زمان رژیم دست و پایش را جمع کرده و با پراکنده‌سازی و اختفای هر چه بیشتر، با حتی با محدودکردن و کنارگذاشتن کارهایی مانند ساختن کلاهکهای اتمی، بغایت تلاش کرده است دُم به تله ندهد.

xxxxx

۶ـ کمتر کسی تردید دارد که این رژیم از فریبکاری و فعالیت پنهان برای دستیابی به‌سلاح اتمی دست شسته و توبه کرده باشد.

رئیس‌جمهور آمریکا پس از انتشار گزارش، گفت که این رژیم کماکان خطرناک بوده و هست و خواهد بود و دیروز هم تأکید کرد: «این گزارش، وقتی که آن‌را به‌طور دقیق بخوانید، می‌گوید: ایران تهدید بوده است، ایران اکنون هم یک تهدید علیه صلح است، و اگر ما نتوانیم غنی‌سازی آنها را متوقف کنیم، تهدید علیه صلح خواهد بود. زیرا، رژیم تسلیحات اتمی سه جزء دارد. جزء اول، داشتن مواد لازم برای تولید بمب است... این قسمت از برنامه (رژیم ایران) به‌رغم این که اکثر جهان به‌آنها گفته‌اند غنی‌سازی خود را متوقف کنید، ولی هنوز فعال است.

توانمندی برای به‌کارگیری این مواد در تولید سلاح، به عبارت دیگر این‌که آن‌را به صورتی درآوریم که منفجر شود، این قسمت دیگری از برنامه است که جامعه اطلاعاتی تصور می‌کند قبلاً در (ایران) وجود داشت و فعال بود، ولی متوقف شده.

و سرانجام برای این که بتوان گفت به‌فدرتی مجهز به تسلیحات هسته‌یی تبدیل شده‌اید، باید بتوانید این بمب را با موشک حمل کنید. آنها زمان زیادی برای آزمایشهای موشکی خود صرف کرده‌اند.

بنابراین دو جزء از سه جزء ضروری از این که بتوانند به یک نیروی هسته‌یی با بمب اتمی تبدیل شوند، وجود دارد و فعال است.»

۷ـ با این‌همه، بسیاری تحلیلگران می‌گویند که برآورد جامعه اطلاعاتی، در هر حال فیوز راه‌حل جنگ (جنگ خارجی) با رژیم ایران را بیرون کشیده و هدف سیاسی این نحوه نگارش گزارش اطلاعاتی در سال رقابتهای انتخاباتی آمریکا نیز همین بوده است.

ما از پس‌رفت راه‌حل جنگ خارجی با رژیم آخوندی بغایت استقبال می‌کنیم. به‌خصوص که دود و دم صلح و سازش با فاشیسم دینی با دستاویز جنگ را هم فرومی‌نشاند. از این پیشتر هم گفته بودیم:

«*تغییر و سرنگون‌کردن فاشیسم مذهبی در آینده نیز مانند گذشته، به پای هیچ‌کس جز مردم و مقاومت ایران نوشته نشده است. حتی وقوع جنگ و حمله هوایی به مراکز پاسداران و سایتهای اتمی رژیم، این معادله را تغییر نمی‌دهد. یعنی که در هر حال، سرنگونی و تغییر دموکراتیک در ایران، منحصراً در ظرفیت و صلاحیت و توانمندی مردم و مقاومت ایران است. کافی است ممنوعیتها و محدودیتهای این مقاومت که به‌درخواست آخوندها برقرار شده، برداشته شود.*

درعین‌حال خاطرنشان می‌کنیم که امروز صورت مسأله، باز هم سیاست تغییر رژیم و بلوغ آن است و نه چیز دیگر. برخی ساده‌لوحانه گمان می‌کنند تهدید جامعه بین‌المللی «جنگ» با این رژیم است. اما بنا بر سه دهه تجربه، ما قاطعانه برآنیم که تهدید واقعی در رابطه با این رژیم، «نه جنگ» است. یعنی که نگرانی عمده پیوسته در صلح و سازش با رژیمی است که بالمال جنگ را در تقدیر دارد و روزی آن را برای جامعه بین‌المللی اجتناب‌ناپذیر می‌کند. رژیم جنگ‌فروزی که بی‌دریغ ساز و برگ و اسباب جنگ تدارک می‌بیند. زیرا بقای خود را تنها در «توسعه» و جنگ و بحران و سلاح اتمی می‌بیند» (۷ آبان ۸۶).

xxxxx

۸ـ اگر این گزارش، موجب تضعیف کیفی راه‌حل جنگ شده است، خواه و ناخواه باعث تقویت کیفی راه‌حل سوم خواهد شد. ولو این‌که چنان مشخصی باز کردن راه معامله با رژیم را در نظر داشته باشد.

باید دید وقتی فیوز جنگ و بمباران بیرون کشیده می‌شود، بین راه‌حل ممانعت و معامله از یک طرف و راه‌حل سوم از طرف دیگر، کدامیک تقویت می‌شود؟

الزام معامله در این شرایط، توقف غنی‌سازی است که سران رژیم بارها به‌آثار زنجیره‌یی آن اذعان کرده و گفته‌اند به تمامیت هستی رژیمشان راه می‌برد. در طرف دیگر، نه دولت آمریکا و نه جامعه بین‌المللی (مشخصاً شورای امنیت) از خط قرمزها و قطعنامه‌های خود در رابطه با این رژیم، عدول نکرده‌اند و کوتاه‌آمدن به نفعشان نیست.

مقامات ارشد آمریکایی از مفاد گزارش جامعه اطلاعاتی از تابستان گذشته خبر داشتند. اما با این‌حال، ۴۰روز قبل از انتشار گزارش، وزارت دفاع و سپاه و نیروی تروریستی قدس و مهمترین بانکهای رژیم را وارد لیست سیاه اشاعه تسلیحات کشتار جمعی و تروریسم کردند و دستگاه تنظیم خود با رژیم آخوندی را از این جهت آبیندی نمودند.

به این ترتیب جای چندانی برای مماشات و معامله با این رژیم باقی نمی‌ماند.

۹ـ رژیم تاکنون با سر و صدایی که حول چرخه سوخت صنعتی و ورود به باشگاه اتمی به‌پا می‌کرد، غیرمستقیم چنین القا می‌نمود که ممکن است هم اکنون در زیر عبا بمب اتم داشته باشد. اما اکنون در تعادل قوای سیاسی، در فقدان بمب نقد اتمی، یک مدار کیفی ضعیفتر و در نتیجه در افتادن با آن، دارای ریسک کمتر می‌شود. بسیاری هم که از بابت بمب نقد یا سریع‌الحصول در ترس و وحشت بودند، دیگر رژیم را دست بالا و تثبیت‌شده، نمی‌گیرند.

نتیجه نهایی این گزارش بالمآل، پس‌رفت راه‌حلهای جنگ و مماشات، به‌سود راه‌حل سوم و تقویت کیفی آن است. حال اگر در این میان پنهانکاریهای رژیم هم برملا شود، چرخش اوضاع علیه فاشیسم مذهبی شتاب می‌گیرد.

۱۰ـ به‌راستی که مقاومت ایران چه خطر عظیم و هولناکی را نه فقط از سر مردم ایران، بلکه از سر جامعه بشری به‌طور نسبی و مقطعی هم که شده، دور کرده است. بمب‌سازی اتمی از سوی آخوندها در اثر ضربات افشاگرانه و روشنگرانه‌یی که از سوی مقاومت دریافت کردند، به تأخیر افتاده است. این برای ما یک وظیفه ملی و میهنی و در عین‌حال بالاترین خدمت به‌صلح جهانی و سزاوار سپاسگزاری از سوی جامعه بین‌المللی است.

با این‌همه، از آن‌جا که این فاشیسم دینی و رژیم دجال و ضدبشری، با غصب حاکمیت و با سرکوب و کشتار و قتل‌عام، سه دهه متوالی به جنگ آشتی‌ناپذیر با مردم ایران برخاسته و سرپا در جنگ با خلق ماست، تأکید می‌کنیم که: «رَن و مرد جنگیم».

جنگ و مقاومت در برابر این رژیم وظیفه و حق مسلم ماست. با او در جنگ بوده و هستیم. با غنی‌سازی، بی غنی‌سازی، با اتمی و بدون اتمی. اعم از این‌که دولتهای جهان، از کوچک تا بزرگ، با آن در صلح و سازش باشند یا در جنگ و تضاد و دعوا. نبرد و مقاومت برای آزادی حق مسلم مردم ایران در هر وضعیتی است.

درعین‌حال خوب می‌دانیم که تا این رژیم در میهن ما حاکمیت دارد، آفت و تهدید، برای همگان، بدون استثنا، تجنگیدن و قیمت ندادن است؛ تن دادن است و اذلّ است. این ساده‌ترین و بی‌دردسرترین انتخاب است. بارخدایا ما را از این ننگ و ذلّت مدون دار. هیهات مِنّا الذلّه.

از این‌رو به خلق محبوب و مظلوممان، به سنت زیارت در آستان خون خدا، سیدالشهدا می‌گوییم:

حَرْبٌ لِمَنْ حارَبْتُمْ وَ وَلِیٌّ لِمَنْ والَیْتُمْ وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عادَیْتُمْ

در جنگ با هر آن‌که با شما در جنگ است

و دوستدار هر آن‌کس که شما را دوست دارد

و دشمن هر آن‌کس که با شما دشمنی می‌ورزد

سلام بر خلق ـ سلام بر آزادی

مسعود رجوی

۲۸ آذر ۱۳۸۶

پیام به ارتش آزادی

مسعود رجوی ـ ۲۸ آذر ۱۳۸۶

ما از پس‌رفت راه‌حل جنگ خارجی با رژیم آخوندی به‌غایت استقبال می‌کنیم. به‌خصوص که دود و دم صلح و سازش با فاشیسم دینی با دستاویز جنگ را هم فرو می‌نشاند

اگر سردمداران و سرکردگان رژیم جرأت دارند، یکبار دیگر از آن ۱۳ مرد خبیث دعوت می‌کنیم که همراه با تمام ادله و دعاوی خود علیه مجاهدین و مقاومت ایران، با ما در یک دادگاه بین‌المللی حاضر شده و به دفاع از خود بپردازند. هرکس دیگری را هم که می‌خواهند با خود بیاورند تا علیه ما هرچه می‌خواهد بگوید. مگر از شیعیان و اکراد عراقی برای خود پیراهن عثمان درست نکرده‌اید؟! مگر مدعی بمباران حلبچه و پیاده‌کردن و فروش قطعات هواپیماهای عراقی توسط مجاهدین نیستید؟! مگر نمی‌گویید که از کروکوک تا نجف و ناصریه و از انبار تا شهرک صدر و خائفین را مجاهدین یکبار در گذشته و یکبار هم حالا با آمریکاییها، سرکوب و کشتار و قتل‌عام کرده‌اند؟! مگر نمی‌گویید که یک سوم درآمد نفت عراق را مجاهدین می‌گرفتند؟! مگر نمی‌گویید که ماهانه ۳۰میلیون دلار از سعودی می‌گیرند؟! مگر نمی‌گویید که اسرائیل و آمریکا اطلاعات هسته‌یی و تأسیسات اتمی شما را چون که خودشان شرم حضور داشته‌اند، به‌مجاهدین دادند تا افشا کنند؟! مگر مدعی بمبگذاری در قطارها و فروش خون آلوده و توزیع هروئین در فرانسه و اروپا توسط مجاهدین نبودید؟! مگر نمی‌گفتید که زندانهای عراق آکنده از مجاهدین ناراضی (!) بوده و مجاهدین بیش از هزار و ششصد نفر از اعضای خودشان را هم در زندانهای خودشان محبوس و شکنجه کرده و بسیاری را هم کشته‌اند؟!

بسیار خوب، بفرمایید دادگاه بین‌المللی و شهود خود را هم بیاورید!

**رژیم تاکنون با سر و صدایی که حول چرخه سوخت صنعتی و ورود به باشگاه اتمی به‌پا می‌کرد، غیرمستقیم چنین القا می‌نمود که ممکن است هم‌اکنون در زیر عبا بمب اتم داشته باشد. اما اکنون در تعادل قوای سیاسی، در فقدان بمب نقد اتمی، یک مدار کیفی ضعی

مجمع عمومی ملل متحد طی قطعنامه‌یی «نقض سیستماتیک حقوق بشر» در ایران را محکوم کرد

خانم مریم رجوی تصویب این قطعنامه را به مردم ایران و عموم مدافعان حقوق بشر در سراسر جهان تبریک گفت و تصریح کرد: چشم بستن بر جنایات آخوندها دهن کجی به اصول جهانشمول حقوق بشر است

شامگاه سه‌شنبه۲۷آذر۸۶، مجمع عمومی ملل متحد، به‌رغم توطئه‌ها و زد و بندهای فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران، قطعنامه محکومیت نقض وحشیانه حقوق بشر در ایران را به‌تصویب رساند. این قطعنامه که پنجاه و چهارمین قطعنامه ارگانهای مختلف ملل متحد علیه نقض حقوق‌بشر توسط رژیم آخوندی است نگرانی عمیق خود را «از نقض سیستماتیک حقوق بشر و آزادیهای پایه‌یی در جمهوری اسلامی ایران» ابراز کرد و از دبیرکل ملل متحد خواست تا یک گزارش هم جانبه از وضعیت نقض حقوق بشر در ایران به اجلاس بعدی مجمع عمومی ارائه کند. قطعنامه نمونه‌های متعدد «شکنجه و مجازاتها و رفتارهای ضدانسانی مانند شلاق‌زدن و نقص اعضای بدن»، «اعدامهای خیابانی»، «سنگسار به عنوان شیوه‌یی از اعدام»، «اعدام افرادی که موقع ارتکاب جرم کمتر از ۱۸سال داشتند»، «دستگیری و سرکوب زنان که خواستار حقوق حقه خود هستند»، «ادامه تبعیض و نقض حقوق اقلیتهای مذهبی، قومی و اقلیتهای دیگر»، «محدودیتهای جدی و مستمر آزادی عقیده و بیان، تجمعات صلح‌آمیز و اجتماعات و افزایش اذیت و آزار، ترساندن و تحت تعقیب قرار دادن مدافعان حقوق بشر» را محکوم می‌کند.

رژیم آخوندی در واکنش نسبت به صدور قطعنامه محکومیت نقض حقوق بشر در ایران مدعی شد که این قطعنامه سیاسی است.

خبرگزاری رسمی رژیم در روز ۲۸آذر گزارش داد: «نمایندگی جمهوری اسلامی در سازمان ملل متحد مراتب اعتراض خود را به تأیید قطعنامه سیاسی کانادا علیه تهران اعلام کرد. خبرگزاری آسوشیتدپرس در روز ۲۸آذر، طی گزارشی از نیویورک گفت: مجمع عمومی ملل متحد نگرانی عمیق خود را نسبت به نقض حقوق بشر در ایران ابراز کرد. این قطعنامه هم‌چنین نگرانی بسیار جدی خود را نسبت به دستگیری و سرکوبی خشونت‌بار زنان و تبعیض فزاینده علیه اقلیتهای مذهبی و فرهنگی ابراز نمود.

رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت خواستار ارجاع پرونده وخیم نقض حقوق بشر در ایران به شورای امنیت ملل متحد جهت اتخاذ تصمیمات لازم‌الاجرا گردید

خانم‌مریم‌رجوی، رئیس‌جمهور برگزیده‌مقاومت ایران، تصویب این قطعنامه را به مردم ایران و عموم مدافعان حقوق بشر در سراسر جهان تبریک گفت و تصریح کرد این رژیم فرودوسطایی شایستگی زندگی در خانواده ملتها را ندارد و می‌بایستی از سوی جامعه جهانی طرد شود. رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت خواستار ارجاع پرونده وخیم نقض حقوق بشر در ایران به شورای امنیت ملل متحد جهت اتخاذ تصمیمات لازم‌الاجرا گردید. خانم رجوی افزود چشم بستن بر این جنایتهای فرودوسطایی و ادامه معامله و زد و بند با این رژیم، «نه‌تنها یک دهن‌کجی آشکار به اصول جهانشمول حقوق بشر به‌شمار می‌رود بلکه آخوندهای حاکم بر ایران را در ادامه و تشدید نقض وحشیانه حقوق بشر جری‌تر می‌کند.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران
۲۷ آذر۱۳۸۶ (۱۸دسامبر۲۰۰۷)

مجمع عمومی ملل متحد قطعنامه لغو حکم اعدام در جهان را تصویب کرد

رژیم آخوندی از مخالفان تصویب این قطعنامه بود

مجمع عمومی ملل متحد روز سه‌شنبه ۲۷آذر۸۶، قطعنامه‌یی را برای لغو حکم اعدام صادر کرد.

این قطعنامه به منظور لغو کلیه احکام اعدام در جهان صورت گرفت. تصویب این قطعنامه از سوی کلیه مخالفان این حکم مورد استقبال و از سوی کشورهای موافق اعدام شامل رژیم ایران مورد انتقاد قرار گرفت.

قطعنامه مزبور با ۱۰۴ رأی موافق در برابر ۵۴ رأی مخالف و ۲۹ رأی ممتنع در مجمع عمومی با ۱۹۲ عضو به تصویب رسید.

به گفته خبرگزاری آسوشیتدپرس این قطعنامه هرچند که لازم الاجرا نیست، ولی اهمیت اخلاقی دارد و نشان‌دهنده دیدگاه اکثریت جهان است.

این خبرگزاری افزود: در سالهای۱۹۹۴ و ۱۹۹۹ تلاش برای صدور این قطعنامه ناموفق بود، ولی عفو بین‌الملل که خواستار تصویب این قطعنامه بود گفت از آن زمان تاکنون به شمار کشورهایی که حکم اعدام را لغو کرده‌اند، افزوده شده است.

بان کی‌مون، دبیرکل سازمان ملل متحد، از تصویب این قطعنامه استقبال کرد و آن‌را «یک قدم شجاعانه توسط جامعه جهانی» توصیف نمود.

ایران بعد از چین با حداقل ۲۱۵ اعدام، بالاترین آمار اعدامها را طی سال گذشته در جهان داشته است(خبرگزاری آسوشیتدپرس ۲۷آذر۸۶).

کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد: رژیم ایران یکی از معدود رژیمهایی است که بیشترین تعداد اعدام در آنها صورت می‌گیرد

لوئیز آربور، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، از رژیم ایران به‌عنوان یکی از معدود رژیمهایی نام برد که بیشترین تعداد اعدام در آنها صورت می‌گیرد.

وی طی مقاله‌یی در لس‌آنجلس تایمز چاپ آمریکا، نوشت: روز سه‌شنبه هنگامی که مجمع عمومی ملل متحد خواستار تعیین یک مهلت قانونی برای پایان دادن به مجازات اعدام شد، گام مهمی در راستای قطعیت بخشیدن به لغو اعدام برداشته شد. این اقدامی است که حفاظت از حقوق بشر و کرامت و حرمت انسانی را تسهیل می‌کند. کمیسر عالی حقوق‌بشر تصریح کرد «۹۱درصد اعدامهای جهان در معدود کشورهایی نظیر ایران صورت می‌گیرد. لوئیز آربور تأکید کرد مجازات شنیع اعدام باید هرچه سریعتر متوقف شود(لس‌آنجلس تایمز ۲۸آذر۸۶).

بیانیه ۸۳ نماینده مجلس عوام انگلستان علیه نقض حقوق بشر توسط رژیم آخوندی

بنا به گزارش سایت رسمی مجلس عوام انگلستان، شمار امضاکنندگان بیانیه ارائه‌شده به این مجلس در محکومیت رژیم آخوندی به‌خاطر اجرای حکم اعدام ماکوان مولودزاده که هنگام ارتکاب به جرم انتسابی ۱۳سال داشته، به ۸۳ نماینده رسید.

نمایندگان مجلس عوام بریتانیا در این بیانیه، تصریح کردند: «رژیم ایران پیمان حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون حقوق کودک را تصویب کرده و هر دو پیمان (مذکور)، اعمال حکم اعدام را برای جرایمی که زیر سن ۱۸سال صورت گرفته باشند، منع می‌کنند. آنان با تأکید بر این که رژیم ایران بالاترین آمار اعدام نوجوانان در جهان را دارد، از دولت انگلستان خواستند این رژیم را برای رعایت التزامات خود طبق دو پیمان مذکور، تحت فشار قرار دهد.

هم‌چنین شمار امضاکنندگان بیانیه دیگری در مجلس عوام بریتانیا با عنوان «دستگیری دانشجویان در ایران» به ۳۳ نماینده افزایش یافته است. آنان نگرانی عمیق خود را نسبت به سرکوب فزاینده فعالان دانشجویی در ایران که «علیه دیکتاتوری و برای عدالت اجتماعی اعتراض می‌کنند»، ابراز کردند(سایت مجلس عوام ۲۷آذر۸۶).

وزارت خارجه فرانسه ضمن استقبال از قطعنامه مجمع عمومی ملل متحد برای لغو حکم اعدام، از رژیم ایران خواست اعدامهای قریب‌الوقوع را متوقف کند

وزارت خارجه فرانسه ضمن استقبال از قطعنامه مجمع عمومی ملل متحد برای لغو حکم اعدام، از رژیم ایران خواست اعدامهای قریب‌الوقوع، به‌طور خاص اعدام افرادی را که حین ارتکاب جرایم انتسابی، نوجوان بوده‌اند، متوقف کند.

این وزارتخانه طی بیانیه‌یی به امضای برنارد کوشنر، وزیر خارجه و راما یاد، وزیر مشاور در امور حقوق بشر در فرانسه، قطعنامه مجمع عمومی را چرخشی در مسیر لغو جهانی حکم اعدام دانست، و نوشت: «مجمع عمومی ملل متحد از طریق این متن تاریخی، گرایش کنونی به‌سمت کاهش شمار اعدامها و لغو حکم اعدام را تشویق می‌کند... بیش از یکصد و سی کشور، یعنی بیش از دو سوم اعضای ملل متحد، از حکم اعدام دست کشیده‌اند. ما سایرین را فرا می‌خوانیم که به آنها بپیوندند».

وزارت خارجه فرانسه در ادامه بیانیه خود با تأکید بر این که همزمان با طرح موضوع لغو حکم اعدام در مجمع عمومی ملل متحد، در کشورهایی هم‌چون ایران، «بر خلاف روند جنبش به‌سوی لغو» آن، اعدامهایی صورت گرفته، افزود: «ما مقامهای رژیم ایران را فرا می‌خوانیم تا اعدامهای قریب‌الوقوع، به‌طور خاص (اعدام) افرادی را که حین وقایع انتسابی نوجوان بوده‌اند، تعلیق کند».

برنارد کوشنر و راما یاد، هم‌چنین تأکید کرده‌اند که فرانسه و شرکای اروپایی آن، به تلاش «برای لغو جهانی حکم اعدام ادامه خواهند داد» (سایت وزارت خارجه فرانسه ۲۸آذر۸۶).

دفاع جنایتکارانه معاون قوه قضاییه رژیم آخوندی از اعدام

این دژخیم چندی پیش به‌سختی از سنگسار دفاع کرده بود

محمدجواد لاریجانی، معاون امور بین‌الملل دستگاه قضاییه آخوندها، در مخالفت با قطعنامه جدید مجمع عمومی ملل متحد برای لغو و توقف اعدامها گفت: «این خط بسیار اشتباهی است که آن‌را در صحنه جهانی دنبال می‌کنند این مسأله نه معقول و نه درست است که هر از چند وقت یکبار موضوعی به عنوان یک موضوع ایدئولوژیک که غربها آن را برای خود جالب می‌دانند، مطرح می‌شود و می‌خواهند به دیگرکشورها صادر کنند. ما درمقابل چنین حرکتهایی محکم می‌ایستیم و دفاع خواهیم کرد. مسأله مجازات اعدام موضوع جدیدی نیست و از مدتها پیش این مسأله در صحنه جهانی مطرح شده است. این دژخیم که روز اول دی با خبرگزاری حکومتی ایسنا مصاحبه می‌کرد، افزود: در کشور ما به لحاظ برهان حقوقی، مسأله اعدام، مسأله مردودی نیست، حکم اعدام را بعویژه در قصاص داریم و این خود دلیل بسیار محکمی است زیرا در قوانین ما این حکم وجود دارد بنابراین موضع کشور ما رد یک چنین نظری است.

وزارت امورخارجه آمریکا خواستار آزادی دانشجویان بازداشت‌شده گردید

وزارت امورخارجه آمریکا با صدور بیانیه‌یی، نسبت به استمرار سرکوب دانشجویان توسط رژیم آخوندی و اعمال محدودیتهای شدید علیه آنان، ابراز نگرانی کرد.

شان مک کورمک، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، در این بیانیه، بازداشت دهها دانشجو، برکناری استادان و محدودیتهای شدید، و ممانعت از آزادی عقیده و بیان در دانشگاههای ایران را، عواملی مؤثر برای ابراز نگرانی دانست.

وزارت امورخارجه آمریکا در این بیانیه، خواستار آزادی دانشجویان بازداشت شده گردید(صدای آمریکا اول آبان۸۶).

خانواده‌های دانشجویان زندانی به‌یاد فرزندانشان شب یلدا را جلو زندان اوین برگزار کردند

جمعه‌شب، ۳۰آذر، همزمان با شب یلدا، خانواده‌های دانشجویان زندانی در مقابل زندان اوین تجمع کرده و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط فرزندان خود شدند. تجمع‌کنندگان با شروع تاریکی و در هوایی بسیار سرد شمعهایی روشن کردند تا شب یلدا را در نزدیکی عزیزان در بندشان باشند.

دژخیمان و شکنجه‌گران زندان اوین به خانواده‌ها فشار می‌آوردند که محل را ترک کنند و به آنها می‌گفتند فرزندان شما در دست وزارت اطلاعات و در بند۲۰۹ هستند.

خانواده‌های دانشجویان دستگیر شده هم‌چنین طی روزهای اول و دوم دی، تجمعهای مختلفی را در مقابل ارگانهای سرکوب و جنایت رژیم آخوندی برگزار کرده و خواستار آزادی فرزندان دربندشان شدند.

این خانواده‌ها روز ۵دی، در مقابل مجلس ارتجاع تجمع کردند. آنان خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط فرزندان خود شدند. اعضای مجلس ارتجاع خانواده‌ها را سر دادند و به آنان گفتند اعضای کمیسیون امنیت در مجلس حضور ندارند و روز سه‌شنبه ۵دی مراجعه کنید.

یکی از تجمع‌کنندگان گفت: دخترمن یک دانشجوی ۲۱ساله است که تنها در یک تماس یک دقیقه‌یی گفت در انفرادی هستیم. آیا نگهداشتن یک دختر ۲۱ساله دانشجو در زندان انفرادی، به جرم شرکت در یک تجمع ساده دانشجویی به‌خاطر ۱۶آذر و به‌خاطر آزادیخواهی، شکنجه نیست. ما از همه مجامع بین‌المللی، استمداد می‌طلبیم تا صدای ما را به گوش جهانیان برسانند.

روز اول دی نیز خانواده‌های دانشجویان دستگیرشده در تهران، در مقابل دادگاه به اصطلاح انقلاب تجمع کرده و خواستار آزادی فوری فرزندانشان شدند.

فرزندان ما غیراز آزادی خواست دیگری ندارند.

یکی دیگر از تجمع‌کنندگان گفت: برادر من را در خیابان ربودند و تاکنون از او خبری نداریم.

رئیس‌جمهور فرانسه بر ضرورت تشکیل کشور مستقل و دموکراتیک فلسطینی تأکید کرد

مریم رجوی تأکیدبر ضرورت تشکیل دولت مستقل و دموکراتیک فلسطین را به رئیس‌جمهور فرانسه و رئیس دولت فلسطین تبریک گفت

نیکلا سارکوزی، رئیس‌جمهور فرانسه، بر ضرورت تشکیل کشور مستقل و دموکراتیک فلسطینی تا پایان سال۲۰۰۸ تأکید کرد.

رئیس‌جمهوری فرانسه در نطق افتتاحیه خود در کنفرانس بین‌المللی یاری برای ایجاد کشور فلسطین اعلام کرد: بعد از سالها خشونت و بدبینی، نشست آنابولیس امید تازه‌یی را ایجاد کرد و اکنون ائتلاف وسیع جهانی برای رد تعصب و بنیادگرایی ایجاد شده و افق تازه‌یی ترسیم کرده است. اکنون همه باید با هم برای ایجاد یک حکومت مستقل و دموکراتیک فلسطینی تا قبل از اتمام سال۲۰۰۸ میلادی تلاش کنیم.

سارکوزی افزود: اکنون فلسطینها باید پشت سر محمود عباس، وحدت خود را بازیابند. هرچند تحقق صلح بدون در نظرگرفتن غزه که بخش تکمیل‌کننده حکومت آتی فلسطین است، شدنی نیست.

رئیس‌جمهوری فرانسه در ادامه سخنانش از کمک ۳۰۰میلیون دلاری فرانسه به فلسطین در سه سال آینده خبر داد.

همزمان یک سخنگوی حماس در گفتگو با شبکه ماهواره‌یی عرب‌زبان رژیم آخوندی به‌نام العالم، گفت: نشست کشورهای کمک‌کننده به فلسطین با محروم‌کردن حاکمیت حماس در نوار غزه از کمکهای بین‌المللی در صدد ایجاد شکاف میان ملت فلسطین است.

ازسوی دیگر رویتر به‌نقل از سخنگوی الیزه در پاریس اعلام کرد: فرانسه هیچ رابطه، گفتگو و مذاکره‌یی با حماس نخواهد داشت.

خبرگزاری آلمان گزارش کرد سارکوزی در جمع ۸۶کشور که در پایتخت فرانسه گرد هم آمده‌اند، گفت:

کنفرانس کمک به فلسطین با هدف «ایجاد یک کشور مستقل، دموکراتیک و باثبات فلسطینی، تا قبل از پایان سال ۲۰۰۸، در کنار اسرائیل که بتواند با صلح و امنیت زندگی کند» تشکیل شده است.

سارکوزی گفت این کشور «از غزه در ساحل غربی تا شرق بیت‌المقدس گسترده است. سارکوزی دولت افراطی حماس را که در غزه حکمرانی می‌کند به چالش طلبید و گفت که صلح بدون غزه صورت نخواهد گرفت...»

سارکوزی گفت وقت پایان دادن به اشغالگری است، الان وقت آن است که همه مردم مقام و شأن خودشان را به‌دست آورند. فرانسه ۳۰۰میلیون دلار برای این‌که فلسطینیان بتوانند کشور خودشان را بسازند کمک خواهد کرد.

کانال۲ تلویزیون فرانسه گفت: فرانسه از همین فردا بخشی از ۳۰۰میلیون دلار را واریز می‌کند تا برای سال نو مسیحی به‌دست فلسطینیها برسد.

تبریک رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت ایران به‌رئیس‌جمهورفرانسه

رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت ایران خانم مریم رجوی طی پیامی تأکیدبر ضرورت تشکیل دولت مستقل و دموکراتیک فلسطین را به رئیس‌جمهور فرانسه و رئیس دولت فلسطین تبریک گفت و آن را گام شجاعانه‌یی برای صلح و امنیت و دموکراسی خواند که تنها تروریسم و فاشیسم دینی حاکم برایران از آن ناخرسندند.

جلسه پارلمانی «رژیم ملاها در جنگ با بشریت» در سالن بزرگ پارلمان کانادا برگزار شد

در این گردهمآیی سرکوب جوانان و دانشجویان توسط رژیم ایران محکوم شد و پیروزی مجاهدین خلق ایران در دادگاه انگلستان پیروزی بر فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران توصیف گردید

به‌دعوت گروه «دوستان ایران دموکراتیک» یک جلسه پارلمانی در سالن بزرگ پارلمان کانادا تحت عنوان «رژیم ملاها درجنگ با بشریت» با شرکت شماری از نمایندگان مجلس کانادا و مشاوران آنها و هم‌چنین حامیان مجاهدین و مقاومت ایران برگزار شد. در این جلسه شماری از شخصیتهای برجسته پارلمانی و حقوق‌بشری سخنانی در محکومیت نقض حقوق‌بشر توسط حکومت آخوندها ایراد کردند:

وارن کریتس، حقوقدان برجسته کانادایی: در یک نبرد عظیم پیروز شدیم

وارن کریتس، حقوقدان برجسته کانادایی و از اعضای کمیته بین‌المللی حقوقدانان برای دفاع از اشرف در سخنرانی خود در این جلسه به‌دستاورد بزرگ مقاومت ایران در کارزار حقوقی در انگلستان پرداخت و گفت: «مبارزه تمام نشده ولی در یک نبرد عظیم پیروز شدیم... دادگاهها به‌ندرت تصمیمات دولت را خطا و غیرعقلانی می‌نامند. اما دادگاه بریتانیا این موضع غیرمعمول را داشت.

وارن کریتس افزود: مسلم است در هر دادگاه بی‌طرفی مثل دادگاه انگلستان و دادگاه عدالت اروپا که سال گذشته در همین روزها رأی داد که مجاهدین نباید در لیست باشند، ما برنده خواهیم بود.

پال فورست، نماینده سابق پارلمان کانادا: پیروی راه‌حل سوم خانم رجوی فوری است

در جلسه پارلمان کانادا، آقای پال فورست، نماینده سابق پارلمان کانادا از استان بریتیش کلمبیا، گفت: کسانی که در تظاهرات دانشجویی در ایران به‌پا می‌خیزند، می‌دانند که ممکن است آخرین روزهایی باشد که زنده هستند. بنابراین کسی نباید مثلاً اعتراضات دانشجویی در کانادا را با شجاعت ایرانیانی که در زیر ترور ملایان دست به تظاهرات می‌زنند، همسان کند. آنها سرافراز هستند. آنهابهای آن را می‌دانند». آقای فورست در مورد ضرورت دفاع عاجل از راه‌حل پیشنهادی خانم مریم رجوی، رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت، گفت: «دیپلماسی کار نکرده است، به این دلیل است که راه‌حل سوم خانم رجوی و شورای ملی مقاومتش در پاریس این‌قدر فوری است».

دیوید کیلگور، مسئول سابق امور آسیای جنوبی در وزارت کشور کانادا: (بعداز حکم دادگاه انگلستان) دولت کانادا در یک موقعیت مسخره قرار دارد، چرا که در سال ۲۰۰۵اعلام کرد که مجاهدین را در لیست می‌گذارد

دیوید کیلگور، مسئول سابق امور آسیای جنوبی در وزارت کشور، سخنران بعدی جلسه پارلمانی دوستان ایران دموکراتیک در پارلمان کانادا بود. وی که یکی از محبوبترین چهره‌های حقوق بشری در کانادا می‌باشد، ضمن اشاره به این‌که تمام نکات عنوان شده توسط سخنرانان قبلی را تأیید می‌کند گفت من شکی ندارم که که دادگاه بی‌طرف در کانادا هم همان رأی دادگاه انگلستان را خواهد داد. وی ادامه داد: دولت کانادا در یک موقعیت مسخره قرار دارد. چرا که درسال۲۰۰۵ اعلام کرد که مجاهدین را در لیست می‌گذارد. این من را آزار می‌دهد که در کشورهای دموکراتیک زندگی را برای اپوزیسیون دموکراتیک رژیم ایران این‌قدر مشکل کرده‌ایم.

در قسمت پایانی، شماری از زندانیان سیاسی سابق و بستگان و اعضای خانواده‌های شهیدان، از جمله آقای احمد حسنی، پدر ندا حسنی، شهید سرفراز مجاهد و مشعل فروزان آزادی، یاد زندانیان سیاسی و به‌خصوص زندانیان قتل‌عام‌شده را گرامی داشتند.

در کنار این اجلاس پارلمانی به مناسبت روز جهانی حقوق بشر، یک نمایشگاه عکس و فیلم از فجایعی که روزمره در ایران رخ می‌دهد برپا شده بود. در این نمایشگاه موج اخیر سرکوب زنان و جوانان ودانشجویان در ایران افشا گردید.

نگاهی به گزارشهای خبری پیرامون چهارمین دور گفتگوهای رژیم ایران با آمریکا درباره امنیت عراق

تلویزیون صدای آمریکا: مرتضی انواری به صدای آمریکا گفت کارنامه این مذاکرات زیاد موفقیت‌آمیز نبوده و انتظار از آن هم بسیار کم بود... ایران می‌خواست از این استفاده کند و به‌مجاهدین و یا مسائل دیگر ربط بدهد که متأسفانه من فکر می‌کنم علیه ایران تبدیل شد و سپاه پاسداران و سپاه قدس را در لیست سازمانهای تروریستی بردند

جنایتکارترین تروریستها در لباس هیأت دیپلوماتیک

رژیم آخوندی یکی از عناصر تروریست جنایتکارش را که علناً در عملیات تروریستی شرکت داشته و آن عملیات را فرماندهی کرده، به‌عنوان سرپرست هیأت مذاکره‌کننده به‌عراق فرستاده است.

به‌گزارش خبرگزاری رسمی رژیم، هیأت مذاکره‌کنندگان رژیم، متشکل از شش کارشناس، به سرپرستی «محمد جعفری»، جانشین دبیر شورای امنیت ملی رژیم آخوندی است.

یادآوری می‌کنیم که محمد جعفری از سرکردگان نیروی تروریستی قدس و همان پاسدار تروریست قاتل رهبران کرد ایرانی و مجری بسیاری عملیات تروریستی دیگر است.

خبرگزاری رسمی رژیم روز ۲۵آذر، بنقل از پاسدار کاظمی قمی، سفیر رژیم در بغداد، گزارش کرد: هیأت ایرانی بعد از دیدار با نخست‌وزیر، رئیس‌جمهوری و وزیر خارجه عراق، امروز با عادل عبدالمهدی و طارق الهاشمی، معاونان رئیس‌جمهوری، احمد چلبی، رئیس حزب کنگره ملی عراق و در دو نوبت با عبدالعزیز حکیم، رهبر ائتلاف یکپارچه ملی، دیدار و گفتگو کرده است.

سفیر رژیم اضافه کرد که هیأت ایرانی در این دیدارها، ملاحظات تهران را در خصوص مذاکرات سه جانبه به‌مقامات عراقی منتقل کرد. وی ابراز امیدواری کرد که مذاکرات سه جانبه باعث پایان‌بخشیدن به اشغال عراق، تروریسم، بهبود امنیت و اعاده حاکمیت ملی عراق شود.

به‌گزارش خبرگزاری رسمی حکومت آخوندی در روز ۲۶آذر، کاظمی قمی که این اظهارات را بعد از دیدار هیأت ایرانی با عبدالعزیز حکیم عنوان می‌کرد گفت که آقای حکیم خواستار ادامه مذاکرات سه جانبه تهران، بغداد و واشینگتن درباره امنیت عراق شد و نقش ایران را در سه دور گذشته مذاکرات مثبت ارزیابی کرد.

همزمان تلویزیون عرب زبان حکومت آخوندی به‌نام العالم، خبر داد که رژیم ایران می‌خواهد در دور جدید گفتگو بین ایران و آمریکا، موضوع فعالیت سازمان مجاهدین خلق در عراق مطرح شود.

وقتی از سخنگوی وزارت خارجه رژیم در مورد سازمان مجاهدین خلق ایران، که در عراق پایگاههایی دارد، سؤال شد وی گفت: «وقتی نوبت به عناوین بحث برسد، ما به‌فعالیتهای برخی از گروههای تروریستی اشاره خواهیم کرد که در فهرست گفتگوها قرار بگیرد».

کیهان: بعید است گفتگوهای سه‌جانبه بغداد به‌نتایج مثبتی برسد

روزنامه کیهان آخوندی روز شنبه ۲۴آذر، خبر داد: نشست سه جانبه بغداد تا مدت نامعلومی به‌تعویق افتاد. کیهان آخوندی خاطرنشان کرد، آنچه برای رژیم مهم است، این است که: مقامات ایران و آمریکا در نشستهای سه‌جانبه بغداد، تعهداتی را در سه نشست قبلی پذیرفتند که جمهوری اسلامی ایران به‌تمامی تعهدات خود عمل کرد ولی آمریکاییها تاکنون از اجرای کامل تعهداتشان سر باز زده‌اند. ازجمله این‌که دیپلوماتهای ایرانی هنوز آزاد نشده‌اند، پلیس عراق در موضوع آموزش و امنیت همچنان در حاشیه قرار دارد و آمریکاییها آنها را هنوز تجهیز نکرده‌اند. گروههای تروریستی به‌ویژه گروهک منافقین هنوز در حمایت کامل نظامیان آمریکایی به‌انجام فعالیتهای تروریستی خود می‌پردازند.

کیهان آخوندی نتیجه می‌گیرد: با این وضعیت بعید است گفتگوهای سه جانبه بغداد به‌نتایج مثبتی برسد مگر این‌که اشغالگران متعهد به‌اجرای تعهداتشان شوند!

مذاکرات علیه ایران شد و سپاه پاسداران و سپاه قدس را در لیست سازمانهای تروریستی بردند

تلویزیون صدای آمریکا درباره علت تأخیر گفتگوها، گفت: رژیم ایران اصرار دارد موضوع مجاهدین را در فهرست گفتگوها بگنجاند اما آمریکا قبول نمی‌کند.

مرتضی انواری به صدای آمریکا گفت: کارنامه این مذاکرات زیاد موفقیت‌آمیز نبوده و انتظار از آن هم بسیار کم بود. این مذاکرات با پیشنهاد یکی- هامیلتون به دولت آمریکا شد که در مورد ناآرامیهای عراق با ایران باید حرف زد... دو جلسه اول بیشتر گفاگی به همدیگر بود و آمریکا می‌خواست بگوید که ایران در ناآرامیهای عراق دخالت دارد و می‌تواند در آرام کردن و کم کردن این ناآرامیها کمک کند که تقریباً این را ثابت کرد...

ولی ایران می‌خواست از این استفاده کند و به‌مجاهدین و یا مسائل دیگر ربط بدهد که متأسفانه من فکر می‌کنم علیه ایران تبدیل شد و سپاه پاسداران و سپاه قدس را در لیست سازمانهای تروریستی بردند. این تقریباً نتیجه نشستهایی بود که در عراق انجام شد و گویا سفیر ایران در عراق هم که مسئول مذاکرات است از اعضای سابق سپاه پاسداران است. نهایتاً می‌شود گفت آمریکا یک سری منافع خودش را از این مذاکرات گرفت و ایران تقریباً چیزی گیرش نیامد به جز این که ثابت شد که در این ناآرامیها یا مستقیماً دخالت داشته و یا اگر هم دخالت نداشته می‌توانسته در تقلیلش کمک کند که نکرده؟...

الان هم برای این جلسه، که قرار بود هیجدهم اتفاق بیفتد و تأخیرش دادند، به‌خاطر این است که می‌خواهند موضوع مجاهدین یا شورای ملی مقاومت را در لیست بگذارند و آمریکا قبول نمی‌کند و سر این بحث هست.

الان، هم اسرائیل، هم انگلستان، هم فرانسه، هم شورای ملی مقاومت، کسانی هستند که می‌گویند ایران برنامه تسلیحات اتمی خود را قطع نکرده. به‌اضافه، اگر قطع کرده، شما برنامه کلاهک را می‌گویید قطع کرده، در حالی که مشکلش غنی‌سازی است که نه‌تنها قطع نکرده بلکه ادامه می‌دهد...

معاون سیاسی وزارت خارجه آمریکا: ما نمی‌خواهیم در عراق آن کاری را که رژیم ایران می‌خواهد انجام بدهیم

در همین خصوص، تلویزیون دبلیو.تی.ای (WETA) و سایت پی.بی.اس نیز در روزهای اول و دوم آبان، مصاحبه نیکلاس برنز، معاون سیاسی وزارت خارجه آمریکا را منتشر کردند.

خبرنگار این رسانه آمریکایی از نیکلاس برنز پرسید: وقتی من در تهران بودم و با محمد جعفری مصاحبه کردم، او گفت که دو مذاکرات اخیر در بغداد هیأت ایران استمرار حضور مجاهدین خلق را در عراق مطرح کرد... محمد جعفری سیس گفت ایالات متحده عملاً دارد با مجاهدین خلق برای به‌دست‌آوردن اطلاعات علیه رژیم ایران کار می‌کند.

نیکلاس برنز در پاسخ به مسأله استمرار حضور مجاهدین در عراق، گفت: فکر می‌کنم این یک مشغله به‌خوبی شناخته‌شده و به‌خوبی تمرین‌شده رژیم ایران است که ما پیوسته با آن مخالف بوده و آن را اعلام کرده‌ایم. ما نمی‌خواهیم در عراق آن کاری را که ایران می‌خواهد انجام بدهیم. ما دنبال مصالح آمریکا و عراق هستیم و این دولت ایران است که آن‌چه را که باید انجام لازم بدهکر است که در جریان بمبگذاری مرکز یهودیان در بوئنوس‌آیرس، ۸۵نفر کشته و بیش از ۲۰۰نفر مجروح شدند. تعداد کشته‌شدگان در جریان انفجار سفارت اسرائیل در این شهر نیز ۲۹نفر بود.

این اولین بار است که یک مقام عالیرتبه قضایی آرژانتین رژیم آخوندی را به دست‌داشتن در انفجار سفارت اسرائیل نیز متهم می‌کند.

ارگان پاسدار محسن رضایی به‌نام تابناک دیروز ۲۸آذر، این موضعگیری دادستان کل آرژانتین را با عنوان «گستاخی دیگر دولت آرژانتین» مخابره کرد.

این منبع حکومتی نوشت: دادستان کل آرژانتین با طرح اتهامات جدیدی مدعی شد: رهبران ایران، نه تنها در بمبگذاری مرکز یهودیان (آمیا) که منجر به کشته‌شدن ۸۵نفر شد ـ دخالت داشته‌اند، بلکه بمبگذاری سفارت اسرائیل در بوئنوس‌آیرس با دستور و حمایت مالی آنها انجام شده است».

خاطرنشان می‌شود، بلافاصله پس از انفجار تروریستی آرژانتین، مقاومت ایران در روز ۱۹مرداد۱۳۷۳، جزئیات دقیقی از نقش رژیم آخوندی و بالاترین سردمداران آن را در یک کنفرانس مطبوعاتی در واشینگتن فاش کرده بود.

بین‌المللی مبارزه با تروریسم سخنرانی می‌کرد، بار دیگر اعلام کرد: تصمیم به اجرای بمبگذاری در مرکز یهودیان در ماه اوت سال۱۹۹۳ درشهر بوئنوس آیرس در جلسه‌یی در شهر مشهد گرفته شد. در این جلسه رفسنجانی رئیس‌جمهور وقت، علی فلاحیان، وزیر اطلاعات وقت و تعدادی از وزرا و فرماندهان نظامی حضور داشتند.

وی افزود: تلفن تهدیدآمیزی از سوی رژیم ایران دریافت کرده و او را به مرگ تهدید کرده‌اند.

دادستان کل آرژانتین از جامعه جهانی خواست بر رژیم ایران فشار وارد بیاورند تا افراد تحت تعقیب را به مقامات قضایی آرژانتین تحویل دهند.

اطلاعیه دبیرخانه شورای ملی مقاومت

پاسدار جنایتکار محمد جعفری صحراورودی در عراق تحت عنوان رئیس هیأت دیپلوماتیک!

در روز ۲۴ آذر۸۶، خبرگزاری رسمی و رسانه‌های رژیم آخوندی اعلام کردند یک هیأت دیپلوماتیک ایرانی به ریاست محمد جعفری وارد بغداد شده است تا چهارمین دور مذاکرات با آمریکا در باره امنیت عراق را تدارک ببیند و موضوع مجاهدین را هم در دستور گفتگوها وارد کند.

روز بعد (۲۵آذر) پاسدار کاظمی قمی، عامل نیروی قدس و سفیر رژیم آخوندی در بغداد اعلام کرد که این هیأت با مسئولان عراقی ازجمله نوری مالکی و عبدالعزیز حکیم دیدار و گفتگو داشته است.

رئیس‌هیأت به‌اصطلاح دیپلوماتیک رژیم آخوندی، پاسدار سرتیپ محمد جعفری که از وی به‌عنوان «معاون امنیت ملی» و «جانشین دبیر شورایعالی امنیت ملی ایران» نامبرده می‌شود، همان پاسدار صحراورودی، تروریست شناخته شده و جنایتکار است. وی از عناصر فرماندهی سپاه شاغل در دولت احمدی‌نژاد می‌باشد که سوابق طولانی در جرم و جنایت علیه مردم کردستان ایران و انجام عملیات تروریستی برون‌مرزی درکشورهای اروپایی و همچنین اداره شبکه‌های جاسوسی و تروریستی در کردستان عراق دارد.

پاسدار محمد جعفری صحراورودی، از دو دهه پیش به‌خاطر کشتار مردم کردستان و کثرت جرم و جنایتهایش در خاک ایران و در خاک عراق و خارج از عراق، به قصاب کردستان معروف می‌باشد. وی از فرماندهان قرارگاه تروریستی رمضان نیروی قدس است که در سال۱۳۶۸ مسئول نیم مناطق‌کشتار سپاه پاسداران با حزب دموکرات کردستان ایران در پایتخت اتریش بود. این مذاکرات دامی برای ترور دکتر عبدالرحمان قاسملو، دبیرکل حزب و دو دستیار او در روز ۲۲تیر۱۳۶۸ بود. تیم ترور به سرکردگی پاسدار جعفری در یک آپارتمان در وین جنایت‌فضاسانی خود را انجام داد و گریخت. متعاقباً جعفری صحراورودی که جین جنایت مجروح شده بود در همان آپارتمان توسط پلیس اتریش دستگیر شد اما به‌فاصله کوتاهی تحت فشار و تهدیدات رژیم ایران تحت عنوان «مصونیت دیپلوماتیک» آزاد شد و به ایران برگشت.

جعفری صحراورودی، سالها فرماندهی عملیات سپاه پاسداران در کردستان را از سوی قرارگاه تروریستی رمضان برعهده داشت و سپس به ریاست اطلاعات ستاد مشترک سپاه پاسداران منصوب گردید. وی از مهره‌های کلیدی تروریسم و جرم و جنایتهای رژیم آخوندی در عراق پس از سقوط دولت پیشین این کشور است و از فروردین ۸۲ تا مهر ۸۴ تماماً به سازمان‌دادن اقدامات تروریستی اشتغال داشت.

جعفری صحراورودی، در مهر ماه۱۳۸٤، توسط پاسدار علی لاریجانی، دبیر شورایعالی امنیت رژیم، به سمت معاون امنیت داخلی شورایعالی منصوب گردید و در معرفی وی گفته شد که: «محمد جعفری از کارشناسان برجسته امنیتی کشور بهشمار می‌رود که علاوه بر سابقه ٢٦ساله خدمت در سپاه پاسداران، دارای کارشناسی ارشد رشته ارتباطات است».

جعفری صحراورودی در دیماه۱۳۸۵ به‌همراه سرتیپ پاسدار احمد فروزنده، جانشین فرمانده قرارگاه رمضان نیروی قدس، به کردستان عراق رفت تا با گروههای وابسته به این نیرو درباره افزایش عملیات جوخه‌های ترور همانگی کند. اما هر دو نفر به‌دلیل دستگیری عوامل و افسران نیروی قدس در اربیل، بلافاصله به ایران بازگشتند.

پاسدار- تروریست جنایتکار، محمد جعفری صحراورودی، به انواع و اقسام جنایتها آلوده است. او به هر چیز شبیه‌است جز رئیس یک «هیأت دیپلوماتیک»! به‌نظر می‌رسد نیروی قدس سپاه پاسداران با فرستادن این مهره سابقه‌دار ماجراجوییهای جدیدی را درخاک عراق در نظر دارد و دیدارهایش با عبدالعزیز حکیم و دیگر سرکردگان مجلس اعلای اسلامی عراق و سپاه ۹بدر پاسداران انقلاب اسلامی، در همین راستاست. جنایتکاری را که اکنون به عنوان «رئیس هیأت دیپلوماتیک» نقش‌بازی می‌کند، باید‌سی بلادرنگ دستگیر و در یک دادگاه بین‌المللی محاکمه کرد.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران
۲۷آذر۱۳۸٦ (۱۸دسامبر۲۰۰۷)

سخنگوی مجاهدین: تلافی‌جویی حکم دادگاه انگلستان در بغداد، به‌بویژه پس از نامگذاری سپاه پاسداران و نیروی تروریستی قدس، دیگر اثر ندارد!

سخنگوی دفتر اروپایی مجاهدین در اسلو خطاب به رژیم آخوندی گفت: «همچنان که رهبر مقاومت گفت: بفرمایید باز هم مذاکره کنید! خواهش می‌کنیم مذاکره کنید! خواهش می‌کنیم از عراق و اتمی نیز عقب بنشینید و واپس بنمرگید! در این‌صورت مردم ایران و جوانان مبارز و مجاهد این میهن، خوب می‌دانند شما را با ارتش قیام، چگونه جارو کنند و به زباله‌دان تاریخ بریزند!

سخنگوی مجاهدین افزود: تلافی‌جویی حکم دادگاه انگلستان در بغداد، به‌ویژه پس از نامگذاری سپاه پاسداران و نیروی تروریستی قدس، دیگر اثر ندارد!

علاوه بر فضاوت سازمانهای بین‌المللی به‌ویژه صلیب سرخ جهانی، کمیساریای عالی پناهندگی و هیأت ملل متحد در عراق،

علاوه بر ۵میلیون و ۲۰۰هزار تن از مردم این کشور و ۳۰۰۰تن از شیوخ عشایر،

و علاوه بر ۵۵۰هزار تن از مردم استان دیالی، شیعیان و طیف رهبران سیاسی عراق نیز مواضع خود را درباره جایگاه قانونی مجاهدین اعلام کرده‌اند.

اکنون در عراق، هیچ‌کس، و مطلقاً هیچ‌کس، جز رژیم آخوندی و مزدوران نیروی تروریستی قدس، علیه استمرار حضور مجاهدین در این کشور نیست.

مجاهدین نیز مانند گذشته بر سر حقوق خود و خلقشان، هم‌چون گوه و تا آخرین نفس در اشرف ایستاده‌اند. اگر اشرف بایستد، جهان در برابر رژیم آخوندی خواهد ایستاد!

دادستان کل آرژانتین: دستور بمبگذاری سفارت اسرائیل در آرژانتین از سوی رژیم ایران صادر شده بود

دادستان کل آرژانتین گفت تلفن تهدیدآمیزی از سوی رژیم ایران دریافت کرده و او را به‌مرگ تهدید کرده‌اند

یک‌نماینده‌مجلس‌ملی‌جمهوری آذربایجان توطئه تروریستی رژیم آخوندی در کشورش را محکوم کرد و خواستار ارجاع پرونده به ملل متحد شد

قدرت صمتقلی‌اف، نماینده مجلس ملی جمهوری آذربایجان، توطئه تروریستی رژیم آخوندی در این جمهوری را که اخیراً کشف شد، محکوم کرد و خواستار ارجاع این پرونده به سازمان ملل متحد شد.

به گزارش خبرگزاری اینترفاکس آذربایجان در روز ۲۹آذر۸۶، وی در جلسه مجلس این کشور گفت: مقامهای رسمی رژیم ایران باید به‌خاطر ایجاد شبکه جاسوسی در جمهوری آذربایجان پاسخ بدهند. آنها باید از این که سفیر ما را در تهران احضار کردند عذرخواهی کنند. وی افزود: ارگانهای ذیربط جمهوری آذربایجان درارابطه با این رویداد باید به سازمان ملل متحد مراجعه کنند و سفیر رژیم ایران در باکو نیز برای عذرخواهی به‌وزارت امور خارجه احضار شود.

در همین حال ارگان پاسدار محسن رضایی به‌نام تابناک، نیابت توسعه‌طلبانه آخوندها را در رابطه با جمهوری آذربایجان به‌صراحت بیان کرد و عوامل مزدور رژیم در این جمهوری را «هم‌میهنان آذری» نامید. این منبع حکومتی با عنوان «گستاخی کصمابقه دولت مفروض آذربایجان به‌هموطنان آذری»، نوشت: بازنده نظر از هم‌میهنان آذری به اتهام دادن اطلاعات به زندانهای طویل‌المدت بالای پانزده سال محکوم شدند. وزیر امنیت داخلی آذربایجان در بیانیه‌یی، بزعم خود جزئیات بیشتری از این گروه را آشکار نمود. این گروه اطلاعات کمپانیها، خطوط عملیاتی لوله‌های نفت و گاز و تعداد کارمندان غربی که در این زمینه مشغول فعالیت هستند را طی سالهای۲۰۰۵ تا ۲۰۰٦ به ایران گزارش می‌نموده است(سایت تابناک ۲۵آذر۸٦).

احضار سفیر رژیم به وزارت خارجه جمهوری آذربایجان

وزارت خارجه جمهوری آذربایجان، سفیر رژیم آخوندی در باکو را احضار کرد و اسناد مربوط به شبکه‌های جاسوسی و تروریستی رژیم در این کشور را به وی ارائه داد.

روزنامه آینا چاپ باکو در روز ۳۰آذر۸٦، ضمن درج این خبر نوشت: در این احضار که سه ساعت به‌طول انجامید اسناد متعدد مربوط به گروه دادائی یکلی که با وزارت اطلاعات رژیم ایران همکاری می‌کرد ارائه شد.

محمد یاراف، وزیر خارجه جمهوری آذربایجان، تأیید کرد که تمامی اسناد مربوط به این پرونده به رژیم ایران ارائه شده و این کشور اعتراض خود را به‌این گونه دخالتهای رژیم ابراز داشته است.

تصحیح و پوزش

در شماره قبلی نشریه مجاهد(۸۸٤) در صفحه۱۰، در خبر توطئه رژیم آخوندی علیه دولت آذربایجان، در تیتر کلمه «یاکو» اشتباهاً «کوبا» تایپ شده است که بدین‌وسیله از خوانندگان عزیز پوزش می‌خواهیم.

اخبار کوتاه

وزیر خارجه دانمارک از رژیم آخوندی خواست بابت واردکردن خسارات به‌سفارت این کشور غرامت بپردازد

پراسیگ مولر، وزیر خارجه دانمارک، از رژیم آخوندی خواست بابت خسارتی که پاسداران رژیم در جریان حمله به سفارت این کشور در تهران در سال ۱۳۸۵ وارد کردند، غرامت بپردازد. خبرگزاری دانمارکی ریتساو در روز ۲۹آذر، گفت: رژیم ایران باید حدود ٦۰۰هزار کرون معادل ۱۱۵هزار دلار بابت جبران ٦۰درصد از خسارات وارده به‌ساختمان سفارت دانمارک در تهران پرداخت کند. کپنهاگ هم‌چنین خواستار دریافت مبلغ دیگری بابت هزینه ناشی از تخلیه کارکنان خود از سفارت دانمارک در تهران در سال ۱۳۸۵ است.

در جریان یورش پاسداران و چماقداران رژیم به‌سفارت دانمارک در سال۱۳۸۵، این کشور دیپلوماتهای خود را از ایران به کپنهاگ فراخوانده بود.

مقامات نظامی رژیم بیش از بیست بار تهدید به بستن تنگه هرمز کرده‌اند

خبرگزاری روز در روز ۲۹آذر۸٦، طی تحلیلی از لندن، نوشت: با توجه به سخنان ستیزه‌جویانه مقامهای رژیم ایران، خطر درمورد برخورد با این رژیم هم‌چنان به قوت خود باقی است. به نوشته روویتر، ممکن است رژیم ایران در هرگونه رویارویی با غرب برسر چاههایی هسته‌یی‌اش، انتقال محموله‌های نفتی از طریق تنگه هرمز در خلیج فارس را مختل کند.

مصطفی العانی، رئیس بخش امنیت و تروریسم در مرکز پژوهشهای خلیج فارس در دبی گفت: فرماندهان سپاه پاسداران و سایر مقامات نظامی رژیم ایران، بیش از بیست بار تهدید به بستن تنگه هرمز کرده‌اند. اواخر ماه اکتبر یکی از فرماندهان ارشد دریایی رژیم ایران، گفت شهنظامیان شهادت‌طلب بسیج می‌توانند محموله‌های نفتی را در تنگه هرمز و آبهای خلیج فارس، هدف قرار دهند. رویتر افزود: فرماندهی مرکزی آمریکا که مقر آن در بحرین قرار دارد وعده داده به هر قیمتی که شده است این آبراه بین‌المللی را باز نگه‌می‌دارد و در این ارتباط به شکلی منظم ناوهای هواپیمبار را با گروه کشتیهای همراه آنها برای ماموریت به خلیج فارس می‌فرستد. و در نزدیکی مرزهای ایران ماتور انجام می‌دهد.

نگرانی مردم‌نیکاراگوئه‌نسبت‌به‌دخالت و اعمال نفوذ رژیم ایران در این کشور

روزنامه سانفرانسیسکو کرانیکل چاپ آمریکا، نوشت: مردم نیکاراگوئه نسبت به‌دخالت و اعمال نفوذ رژیم ایران در این کشور نگران هستند.

این روزنامه در شماره اول دیماه خود به سرمایه‌گذاریهای کلان رژیم آخوندی در نیکاراگوئه اشاره کرد و نوشت: رژیم ایران به ساخت بندری با سرمایه ۳۵۰میلیون دلار در مانکی پوینت، واقع در سواحل آتلانتیک و ایجاد خط لوله و بزرگراه در سراسر این کشور می‌پردازد. رژیم ایران پیش از این سفارتخانه‌یی را در ماناگوا پایتخت نیکاراگوئه دایر کرده که با مخالفت جدی مردم این کشور روبه‌رو شده است. آنان این اقدامات را خطری جدی تلقی می‌کنند چرا که نگران گسترش تروریسم هستند.

سانفرانسیسکو کرانیکل افزود: رژیم ایران با به‌کارگیری سپاه پاسداران و گروههای تروریستی وابسته به آن در آمریکای لاتین، مانع این کشورها و آمریکا را در این منطقه به خطر می‌اندازد.

نماینده پارلمان لبنان ادامه دخالتهای رژیم ایران و سوریه در این کشور را محکوم کرد

احمد فتوح، نماینده پارلمان لبنان از جریان ١٤مارس، ادامه دخالتهای رژیم ایران و سوریه در این کشور را محکوم کرد. وی روز ۲۹آذر گفت: حزب‌الله طرح مشخص رژیم ایران و سوریه را برای اخلال در روند سیاسی و کار دولت قانونی فؤاد السنیوره پیش می‌برد. بستن مجلس، اعتصاب در مرکز بیروت و فعالیتهای شبه‌نظامیان که براساس دستورالعملهای تهران و دمشق صورت می‌گیرد، به ثبات ملی، اقتصاد و اوضاع اجتماعی لبنان ضربه می‌زند. احمد فتوح افزود، حزب‌الله راه مخالف با خواستها و آرمانهای مردم لبنان را ادامه می‌دهد.

نماینده پارلمان لبنان تصریح کرد که رژیمهای ایران و سوریه و دست‌نشاندگان آنان از خلأ سیاسی ناشی از نبودن رئیس‌جمهور جدید لبنان سود می‌برند.

آخوند خامنه‌ای طی پیامی به حجاج نیات توسعه‌طلبانه فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران را تکرار کرد و مدعی رهبری امت اسلامی شد

خامنه‌ای جنگ خونین ۳۳روزه لبنان را «حماسه بی‌نظیر» و جنایات جوخه‌های مرگی را که در عراق سازمان داده «ایستادگی مدبرانه ملت عراق» نامید

ولی‌فقیه ارتجاع طی پیامی تحت عنوان پیام به‌حجاج نیات توسعه‌طلبانه فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران را تکرار کرد و مدعی رهبری امت اسلامی شد.

خبرگزاری رسمی رژیم ایران در این مورد گفت: «ولی امر مسلمین بر تشکیل صف مستحکم «ملتهای مسلمان در برابر دشمن غدار و متجاوز تأکید کردند».

خامنه‌ای در این پیام با تأکید بر نابگذاری سال۸٦ به‌عنوان «سال انسجام اسلامی»، جنگ خونین ۳۳روزه لبنان را «حماسه بی‌نظیر» و جنایات جوخه‌های مرگی را که در عراق سازمان داده «ایستادگی مدبرانه ملت عراق» نامید و ضمن حمله به جامعه جهانی تحت عنوان «رسانه‌های و تبلیغات دشمن و عوامفش»، گفت: «این ترفند نخواهد توانست با سنت الهی که پیروزی مجاهدان فی‌سبیل‌الله و نصرت‌دهندگان دین خدا است، پنجه درافکند. آینده از آن امت اسلامی است و یک‌بار ما می‌توانیم به سهم خود و به‌قدر توان و ظرفیت و مسئولیت خود، آن آینده را نزدیکتر سازیم».

به دنبال این پیام توسعه‌طلبانه، خبرگزاری رسمی رژیم ایران از برگزاری مراسم «جلالگرانه ایرانی» به فرمان ولی فقیه ارتجاع در جریان مراسم حج خبر داد و گفت: «مراسم برائت از مشرکین با قرائت یک قطعنامه پایان یافت.

از نظر همه کاندیداهای ریاست‌جمهوری آمریکا رژیم ایران یک تهدید است

سناتور کریستوفر داد، کاندیدای دموکرات: احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور رژیم ایران، فردی جانی است و آمریکا نباید با او تعامل داشته باشد

محافل مطبوعاتی و سیاسی آمریکا به بررسی مواضع و دیدگاههای کاندیداهای انتخابات ریاست‌جمهوری این کشور در قبال رژیم آخوندی پرداختند. در زیر گزارشی از برخی مواضع این کاندیداها از نظرتان می‌گذرد.

اغلب کاندیداهای حزب جمهوریخواه آمریکا بر ضرورت اتخاذ یک سیاست قاطع در قبال رژیم آخوندی تأکید می‌کنند. در میان کاندیداهای دموکرات نیز در مورد این که مجهزشدن رژیم ایران به سلاح هسته‌یی و حمایت آن از تروریسم یک تهدید جدی برای منطقه و جهانی است، اتفاق‌نظر وجود دارد اما برخی از آنها از تعامل با این رژیم سخن می‌گویند.

اما ستاتور کریستوفر داد، از حزب دموکرات، می‌گوید: احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور رژیم ایران، فردی جانی است و آمریکا نباید با او تعامل داشته باشد. وی تأکید می‌کند در صورت لزوم از راه‌حل نظامی علیه رژیم ایران حمایت می‌کند.

جیمز گیلمور، کاندیدای ریاست‌جمهوری آمریکا از حزب جمهوریخواه، می‌گوید: از «تجربه‌های جدی» علیه رژیم ایران حمایت کرده و استفاده از گزینه نظامی را رد نمی‌کنم.

رودی جولیانی، کاندیدای جمهوریخواه، بر ضرورت اعمال تحریمهای شدیدتر علیه رژیم ایران تأکید می‌کند و می‌گوید: حمله نظامی به ایران بسیار خطرناک است اما مجهزشدن فردی غیرمنطقی مانند احمدی‌نژاد به سلاح هسته‌یی خطرناکتر است.

دونکان هانتر از دیگر کاندیداهای ریاست‌جمهوری آمریکا می‌گوید: حمایت رژیم ایران از شبه‌نظامیان در عراق هرگونه مقابله با این رژیم را ضروری می‌سازد. وی تأکید می‌کند: در صورتی که تحریمها نتواند مانع از دستیابی رژیم ایران به تسلیحات هسته‌یی شود، از اقدام نظامی علیه این رژیم حمایت می‌کند.

وزارت دفاع آمریکا: رژیم ایران هم‌چنان به ارسال سلاح و تکنولوژی برای شبه‌نظامیان در عراق ادامه می‌دهد

وزارت دفاع آمریکا: نیروی قدس سپاه پاسداران بسیاری از مواد انفجاری و مهمات شبه‌نظامیان در عراق را تأمین می‌نماید

وزارت دفاع آمریکا، طی گزارشی اعلام کرده است که رژیم ایران همچنان به ارسال مواد و تکنولوژی برای شبه‌نظامیان در عراق ادامه می‌دهد و مواد انفجاری پیچیده، راکت و خمپاره را بدداخل عراق وارد می‌کند. خبرگزاری فرانسه در روز ۲۷آذر۸۶، ضمن مخابره این خبر، نوشت: در گزارش وزارت دفاع آمریکا، همچنین بی‌ثباتی سیاسی و مشکلاتی که دولت نوری مالکی با آنها مواجه می‌باشد، برشمرده شده است.

همچنین وزارت دفاع آمریکا در گزارش دیگری با عنوان «سنجش ثبات و امنیت در عراق» روز اول دی۸۶، منتشر شد. بخشی از این گزارش، تحت عنوان «نفوذ ایران»، به بررسی دخالتهای رژیم ایران در این کشور، پرداخته است. در این بخش از گزارش، ازجمله آمده است: در اواخر سپتامبر، احمدی‌نژاد در برابر نخست‌وزیر مالکی متعهد شد، که به قطع حمایت تسلیحاتی، مالی و سایر حمایتها از شبه‌نظامیان که از طریق مرز ایران صورت می‌گیرد، کمک نماید، اما هیچ کاهشی در تمرین و تأمین مالی شبه‌نظامیان شیعی در عراق که به‌طور غیرقانونی فعالیت می‌کنند، مشاهده نمی‌شود.

حمایت تهران از گروههای شبه‌نظامی شیعی، که به نیروهای ائتلاف در عراق حمله می‌کنند، کماکان مشکل قابل‌توجهی در روند ایجاد ثبات می‌باشد. نیروی قدس سپاه پاسداران، بسیاری از مواد انفجاری و مهماتی را که توسط این گروهها مورد استفاده قرار می‌گیرد تأمین می‌نماید.

در گزارش وزارت دفاع آمریکا به اقدامات شیعیان جنوب عراق برای خلع ید از رژیم ایران اشاره شده و آمده است: به‌رغم عدم برخورداری از حمایت دولتی، ابتکار رو به‌رشدی در میان عشایر شیعه در جنوب و بخش مرکزی عراق، برای شکل‌دادن یک جنبش پیداری به‌منظور مقابله با دخالت رژیم ایران، در جریان است.

واشینگتن‌پست: رژیم ایران به‌تأمین پول، آموزش و تسلیحات برای شبه‌نظامیان شیعی در عراق ادامه می‌دهد

روزنامه واشینگتن پست در شماره ۲۸آذر۸۶، با استناد به‌گزارش وزارت دفاع آمریکا نوشت: رژیم ایران به تأمین پول، آموزش و تسلیحات برای شبه‌نظامیان شیعی در عراق ادامه می‌دهد. این خبر افزود: گرچه فرماندهان آمریکایی قبلاً گفته بودند حملات نیروهای وابسته به رژیم ایران با استفاده از بمبهای مرگبار در ماههای اخیر کاهش یافته، اما بر اساس گزارش جدید پنتاگون، کاهشی در آموزش و تأمین مالی شبه‌نظامیان شیعه توسط رژیم ایران در عراق وجود ندارد. سپاه پاسداران بسیاری از مواد منفجره و مهمات استفاده شده توسط این گروهها را تأمین می‌کند. روزنامه واشینگتن پست در ادامه نوشت: شبه‌نظامیان وابسته به رژیم ایران به حملات خود به‌نیروهای چندملیتی در استانهای جنوبی ادامه می‌دهند.

در همین زمینه روزنامه وال استریت ژورنال چاپ آمریکا روز ۲۹آذر، نوشت: یکی از مقامهای نظامی آمریکا در بغداد می‌گوید درست هنگامی که فکر می‌کنیم نشانه‌های مثبتی از کاهش دخالتهای رژیم ایران در عراق وجود دارد، ناگهان افراد جدیدی را دستگیر می‌کنیم که به تازگی در ایران آموزش دیده‌اند.

مشاور ارشد وزیر امور خارجه آمریکا در امور عراق: واشینگتن به‌صورت جدی نگران دخالت رژیم ایران در امور داخلی عراق و استمرار ورود شبه‌نظامیان به عراق می‌باشد

دیوید ساتر فیلد، مشاور ارشد وزیر امور خارجه آمریکا در امور عراق، گفت واشینگتن به‌صورت جدی نگران دخالت رژیم ایران در امور داخلی عراق و استمرار ورود شبه‌نظامیان به داخل خاک عراق می‌باشد. وی که اظهاراتش توسط تلویزیون الحره منعکس می‌شد افزود: فعالیتها و دخالتهای رژیم ایران در عراق برای ما هم‌چنان نگران‌کننده می‌باشد، کما این که ورود شبه‌نظامیان خارجی به‌داخل عرا ق نیز برای ما نگران‌کننده است(تلویزیون الحره ۳۰آذر۸۶).

سخنگوی مطبوعاتی وزارت دفاع آمریکا: دخالتهای رژیم ایران در عراق ادامه دارد

جف مورل، سخنگوی مطبوعاتی وزارت دفاع آمریکا، تصریح کرد دخالتهای رژیم ایران در عراق ادامه دارد.

وی که اظهاراتش در سایت وزارت دفاع آمریکا درج شده، گفت: ما هنوز هیچ اطلاعات و مدارکی نداریم که حاکی از تغییر سیاست رژیم ایران برای کاهش حملات در عراق باشد. ما انبارهای زیادی کشف می‌کنیم که تسلیحات ایرانی در آنهاست. ما برای مشخص‌کردن زمان انبارکردن این تسلیحات فعالیت اطلاعاتی بسیار زیادی انجام می‌دهیم. من فکر نمی‌کنم هیچ‌کدام از این اطلاعات تاکنون ما را به‌این راهنمایی کند که معتقد باشیم تغییری در سیاست رژیم ایران در قبال عراق وجود داشته است(سایت وزارت دفاع آمریکا ۲۸آذر۸۶).

یک ژنرال ارشد آمریکایی اعلام کرد نیروهای آمریکایی همچنان انبارهای تسلیحات و مهمات جدیدی را که از ایران می‌آید کشف می‌کنند

یک ژنرال ارشد آمریکایی اعلام کرد نیروهای آمریکایی همچنان انبارهای تسلیحات و مهمات جدیدی را که از ایران می‌آید کشف می‌کنند. او به تلویزیون سی.ان.ان گفت: ما توانسته‌ایم از ورود بخشی از این سلاحها به داخل عراق جلوگیری کنیم.

سی.ان.ان به نقل از مقامات اطلاعاتی آمریکایی گفت: نقاط مرزی توسط شبه‌نظامیان در عراق مورد استفاده قرار گرفته تا سلاح و مهمات را از ایران به عراق منتقل کنند.

یک افسر گفت مرزی آمریکایی گفت: مهمترین قسمت کار ما جلوگیری از ورود تجهیزات نظامی ازجمله تسلیحات، بمبهای کنار جادیی و مواد اولیه برای ساختن این گونه بمبها، پول و شبه‌نظامیان خارجی است. ژنرال رشید غضبان، از فرماندهان نیروهای مرزی عراق، گفت: مسئولیت اصلی ما کشف نقاط مرزی است که محمولههای قاچاق سلاح از آنها عبور می‌کند. ما توانسته‌ایم با پشتیبانی نیروهای چندملیتی توانمندی نیروهایمان را افزایش دهیم. ما ۲۴ساعته و بدون‌وقفه در هفت روز هفته مرزها را کنترل می‌کنیم(سی.ان.ان ۲۶آذر۸۶).

سفیر آمریکا در سازمان ملل متحد: غیرممکن است که آمریکا با دخالت رژیم ایران در عراق مماشات کند

زالمای خلیل‌زاد، سفیر آمریکا در سازمان ملل متحد، گفت: غیرممکن است که آمریکا با دخالت رژیم ایران در عراق مماشات کند. زالمای خلیل‌زاد که با روزنامه الشرق الاوسط چاپ لندن مصاحبه می‌کرد افزود: دولت آمریکا دلایل کافی درباره دخالت رژیم ایران در عراق و حمایت از شبه‌نظامیان در اختیار دارد. عناصر سپاه قدس وابسته به سپاه پاسداران در امور عراق دخالت می‌کنند.

وی تأکید کرد به‌رغم این که در برخورد با رژیم ایران گفتگو در اولویت قرار دارد ولی گزینه نظامی بعید به‌نظر نمی‌رسد(الشرق الاوسط ۲۶آذر۸۶).

خانواده‌های عراقی برای فرزندانشان که در عملیات تروریستی کشته شده‌اند عزاداری می‌کنند.

یکی از مراجع شیعه عراق: رژیم ایران به دنبال اسلام و تشیع نیست بلکه مقاصد توسعه‌طلبانه دارد

آیت‌الله حسین مؤید، از مراجع شیعه عراق و رهبرجریان ملی این کشور، رژیم ایران را باعث و بانی وضعیت فاجعه‌بار عراق دانست.

خبرگزاری اخبار عراق در روز ۲۶آذر به‌نقل از وی دخالتهای رژیم ایران در عراق را بسیار خطرناک دانست و نوشت: من با اسناد و مدارک موثق، نسبت به دخالت رژیم ایران هشدار دادم. این دخالتها نفرت‌انگیز است.

وی افزود: رژیم ایران می‌خواهد قدرت منطقه‌یی شود و نفوذ خود به‌خاورمیانه می‌داند. این رژیم، به دنبال اسلام و تشیع نیست بلکه مقاصد توسعه‌طلبانه دارد و از برگ مذهب نیز برای پیشبرد مقاصد خود سوءاستفاده می‌کند.

دکتر صالح مطلق خواستار پاکسازی و ریشه‌کن کردن شبه‌نظامیان از ارگانهای دولت عراق شد

دکتر صالح مطلق، رهبر جبهه گفتگوی ملی عراق، خواستار پاکسازی و ریشه‌کن کردن شبه‌نظامیان از ارگانهای دولت عراق شد. وی که با تلویزیون رافدین مصاحبه می‌کرد، گفت: اقدامات شبه‌نظامیان، مردم عراق را به تقطیعی رسانده که بگویند وضعیت موجود غیرقابل‌تحمل است و باوجود آنها امکان ندارد که این کشور به ثبات برسد. دکتر صالح مطلق، از نیروهای مردمی که در شورای نجات سازماندهی شده‌اند، حمایت کرد و گفت: اگر ارتش و پلیس عراق به‌صورت ملی و حرفه‌یی بنا شده بود، نیازی به این مسائل نداشتیم، اما وقتی که این نیروها براساس سهمیه‌بندی قومی و مذهبی است وجود شورای نجات ضروری است(تلویزیون رافدین اول‌دی۸۶).

وکلای عرب مخالفت خود را با طرح تقسیم و تجزیه عراق که خواست رژیم ایران است اعلام کردند

در دومین کنفرانس اتحاد وکلای عرب در قاهره پایتخت مصر، شرکت‌کنندگان مخالفت خود را با طرح تقسیم و تجزیه عراق بر اساس قومیت و مذهب و دین، که خواست رژیم ایران است، اعلام کردند. به گزارش تلویزیون الشرقیه در روز ۳دی۸۶، اتحاد وکلای عرب دخالتهای خارجی در عراق را به‌شدت محکوم نمود. شرکت‌کنندگان در این کنفرانس، همچنین کمیته‌یی حقوقی، برای پیگیری موارد نقض حقوق بشر و شکنجه علیه شهروندان عراقی در زندانها و مراکز بازداشت دولت عراق تشکیل دادند. ضیاءالسعدی، رئیس سندیکای وکلای عراق، از قاهره گفت: «جرائمی که در عراق صورت می‌گیرد جرائم ضدبشری هستند و از نظر بین‌المللی ممنوع می‌باشند. شکنجه که در زندانها صورت می‌گیرد، در توافقات بین‌المللی ممنوع و ضدبشری محسوب شده و دادن مصونیت قضایی به مرتکبین این جرائم با قوانین بین‌المللی در تعارض است».

رئیس‌جمهور آمریکا گفت از کندی پیشرفت سیاسی در عراق ناراضی است

جورج بوش، رئیس‌جمهور آمریکا، در کنفرانس مطبوعاتی روز پنجشنبه خود در کاخ سفید، تأکید کرد که از کندی پیشرفت سیاسی در عراق ناراضی است. وی گفت: «در حال حاضر، آیا ما از پیشرفتی که دولت عراق در زمینه سیاسی بدست آورده است راضی هستیم؟ من می‌گویم خیر، ما از پیشرفت در زمینه سیاسی در عراق راضی نیستیم. درمورد با آشتی ملی هم این سیاست محلی و بومی است که سیاست ملی را به‌جلو پیش می‌راند». رئیس‌جمهور آمریکا افزود: «من معتقدم ما به عنوان دولت آمریکا نباید فشار بر دولت عراق را متوقف کنیم. ما فشار خود بر دولت عراق در زمینه قانون پاکسازی بعث، قانون انتخابات محلی، تقسیم قدرت و قانون نفت را ادامه خواهیم داد. آنها باید درآمدهای نفت را بین استانها تقسیم کنند»(تلویزیون الحره ۲۹آذر۸۶).

جانشین فرمانده نیروهای چندملیتی در عراق: واگذاری امور امنیتی شهر بصره به‌نیروهای عراقی ممکن است باعث شود رژیم ایران خلأ قدرت در این منطقه را پر کند

ژنرال ریموند اودیرنو، جانشین فرمانده نیروهای چندملیتی در عراق، اعلام کرد واگذاری امور امنیتی شهر بصره به‌نیروهای عراقی ممکن است باعث شود رژیم ایران خلأ قدرت در این منطقه را پر کند. امری که باعث نگرانی جدی است.

به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس در روز ۲۵آذر۸۶، ژنرال اودیرنو افزود: ما باید مراقب دخالتهای بیش از حد رژیم ایران باشیم.

وی گفت: خلأ قدرت در این منطقه هم‌چنین باعث می‌شود مسیرهای زمینی برای حمل مهمات، مواد غذایی و تجهیزات دیگر از کویت به نیروهای آمریکایی در عراق مورد تهدید قرار بگیرند.

در همین زمینه هفته‌نامه ساندی‌تایمز، چاپ انگلستان، به‌نقل از فرمانده پلیس بصره گفت ۲۸گروه شبه‌نظامی بر اسکله‌ها و بندرگاههای شهر بصره کنترل دارند و از این طریق از صادرات نفت سود می‌برند و سلاح و مواد انفجاری از ایران وارد می‌کنند.

فرمانده پلیس بصره به ساندی‌تایمز گفت: یک مقام عراقی که نام وی را فاش نکرد به‌منظور بازدید از اسکله بصره وارد شهر بصره شد، اما توسط نیروهای شبه‌نظامی ربوده و تحت شکنجه قرار گرفت و پس از دادن پول هنگفتی به آنها آزاد شد(تلویزیون الشرقیه ۲۵آذر۸۶).

در همین زمینه تلویزیون ای.بی.سی آمریکا در روز ۲۹آذر۸۶، طی گزارشی، به پیامدهای واگذاری بصره به نیروهای عراقی پرداخت و نسبت به نقش مخرب رژیم ایران در جنوب این کشور، هشدار داد. گزارشگر این تلویزیون گفت: درحالی‌که آمریکا نیروهای خود را در جریان طرح اعزام نیرو، در بغداد افزایش داد، انگلیسها استراتژی کاملاً متفاوتی را در بصره اتخاذ کردند. آنها شمار نیروها را کاهش داده و پیوستن به‌نیروهای امنیتی عراقی را متوقف ساختند. نتیجه آن، این بود که شبه‌نظامیان سود برده و قوی شدند و انگلیسها را از شهر بیرون راندند.

آنتونی کوردزمن، عضو ارشد مرکز مطالعات و بررسیهای استراتژیک، می‌گوید: این اقدام، در حقیقت یک شکست بزرگ سیاسی و نظامی برای انگلیسها است.

گزارشگر ای.بی.سی در ادامه گزارش خود گفت: سیاست عدم تخاصم انگلیسها در بصره، موجب عدم کنترل نیروهای امنیتی عراقی بر روی شبه‌نظامیان شیعی گردید. فرماندهان آمریکایی دو نگرانی اصلی درباره عقب‌نشینی انگلیسها از جنوب شبه‌نظامی دارند: اول این که این اقدام به گسترش نفوذ رژیم ایران میدان می‌دهد و دوم این که باعث افزایش نفوذ شبه‌نظامیان می‌شود.

دستیار معاون وزیر امور خارجه در امور خاور نزدیک گفت: شیعیان عراق در مقابل دخالتهای رژیم ایران مقاومت می‌کنند

لورنس پاتلر، دستیار معاون وزیر امور خارجه در امور خاور نزدیک گفت: شیعیان عراق در مقابل دخالتهای رژیم ایران مقاومت می‌کنند. خبرگزاری فرانسه در روز ۲۸آذر۸۶، ضمن مخابره این خبر گفت: روز سه‌شنبه یک مقام آمریکایی گفت در سال۲۰۰۸ دولت مالکی تعیین‌تکلیف می‌شود. او با یی‌تواند اوضاع را بهبود بخشد یا درهم می‌شکند. این مقام آمریکایی افزود: مسلمانان شیعه عراق اکنون با دخالتها و اعمال نفوذ رژیم ایران در عراق به همان صورتی‌که سنی‌ها، القاعده‌یی را طرد کردند مقابله می‌کنند. این تغییر سیاسی در میان شیعیان عراق «واقعاً عمیق» است.

یک شکنجه‌گاه مخوف در استان دیالی کشف شد

تلویزیون فاکس نیوز از کشف یک شکنجه‌گاه جدید توسط نیروهای آمریکایی در استان دیالی عراق خبرداد.

به گفته خبرنگار فاکس نیوز براساس یک نوار ویدئویی، شکنجه در این مرکز به وسیله برق و انواع وسایل صورت می‌گرفته است. مقامات آمریکایی می‌گویند، شمشیر و چاقوهای خونی در این مکان، یافت شده است. زنجیرهایی از دیوارها آویزان بوده و در نزدیکی آن‌جا خودرویی وجود داشته که بر روی بدنه آن، سوراخهایی ناشی از اصابت گلوله وجود داشته است. خبرنگار فاکس نیوز افزود: باب اسکیلز، ژنرال بازنشسته ارتش و تحلیلگر نظامی فاکس نیوز، گفت فرماندهان به وی گفته‌اند این پنجمین شکنجه‌گاهی است که از ماه مه تاکنون، کشف شده است. جند روز پیش نیز، نیروهای آمریکایی در استان دیالی شکنجه‌گاهی را کشف نمودند. ۲۰شبه‌نظامی در جریان آن عملیات کشته شده و ۲۷نفر نیز، بازداشت گردیدند.

بنا به خبر دیگری ارتش آمریکا با صدور بیانیه‌یی، از کشف یک گور جمعی در همین شکنجه‌گاه که در مقدادیه در استان دیالی کشف شده خبر داد. این گور جمعی شامل ۲۶جسد بود که طی ۶ تا ۸ ماه گذشته به‌قتل رسیده‌اند. اجساد به‌نحوی است که قابل‌شناسایی نمی‌باشند(فاکس نیوز ۲۸آذر۸۶).

عشایر غرب و شمال عراق دخالتهای رژیم آخوندی در عراق را محکوم کرده و با تجزیه این کشور مخالفت کردند

عشایر غرب و شمال عراق، طی بیانیه‌یی، دخالتهای رژیم آخوندی در عراق را محکوم کرده و با تقسیم و تجزیه این کشور که از طرحهای این رژیم و ایادی آن است، مخالفت کردند.

به گزارش تلویزیون رافدین در روز ۲آبان۸۶، شورای مرکزی شیوخ عشایر عراقی ـ عربی در بیانیه خود اعلام کرد: موضع عشایر عربی در جنوب عراق در محکوم‌کردن دخالت افسارگسیخته رژیم ایران در امور عراق، نشاندهنده عمق هویت پاک عشایر عراقی است و این امر تمام دروغپردازیهایی را که از طریق آن تلاش می‌کردند، عشایر جنوب را از دور خارج کنند، خنثی می‌سازد.

شیخ عبدالعزیز مجیل الوکاع، شیخ عشیره الجبور در موصل، درباره دخالتهای رژیم ایران در عراق به تلویزیون رافدین گفت: این دخالتها بر کسی پوشیده نیست. به‌خصوص که گفتگوی علنی و مستقیم میان آمریکا و رژیم ایران در مورد عراق نشانه جدی از دخالتهای رژیم در عراق است. عراقیان، هر گونه دخالت را محکوم می‌کنند.

شیخ عزیر نزهان الصدید، رهبر عشیره شمر، به روزنامه الحیات گفت: شیوخ عام عشایر در غرب و شمال عراق با عشایر جنوب هم‌نظر هستند و طرح تقسیم عراق را رد کرده و در برابر دخالتهای رژیم ایران مقاومت می‌کنند.

وی گفت عشایر عراق از جنوب تا شمال، خواستار حفاظت از وحدت و استقلال عراق می‌باشند.

رئیس سازمان وکلای بدون مرز: ملت عراق باید به مسیر مبارزه مجاهدین خلق بپیوندند

خالد عیسی علم، رئیس سازمان وکلای بدون مرز، طی مقاله‌یی که اظهاراتش در خبرگزاری اخبار عراق درج شده، افزود: ما به‌عنوان سازمان وکلای بدون مرز، مسیر قانون را که سازمان مجاهدین در آن موفق شده است، با مبارزه این سازمان همگام کرده‌ایم. این سازمان، دادگاه انگلستان را واداشت که حکم خارج ساختن نام این سازمان از لیست تروریستی را صادر کند و ثابت نماید این سازمان، سازمانی تروریستی نبوده بلکه سازمانی است که تنها هدفش سرنگون‌کردن رژیم آخوندی و جایگزینی آن با یک زندگی دموکراتیک است (سایت واع ۲۵آذر۸۶).

رئیس سازمان وکلای بدون مرز عراق که اظهاراتش در خبرگزاری اخبار عراق درج شده، افزود: ما به‌عنوان سازمان وکلای بدون مرز، مسیر قانون را که سازمان مجاهدین در آن موفق شده است، با مبارزه این سازمان همگام کرده‌ایم. این سازمان، دادگاه انگلستان را واداشت که حکم خارج ساختن نام این سازمان از لیست تروریستی را صادر کند و ثابت نماید این سازمان، سازمانی تروریستی نبوده بلکه سازمانی است که تنها هدفش سرنگون‌کردن رژیم آخوندی و جایگزینی آن با یک زندگی دموکراتیک است (سایت واع ۲۵آذر۸۶).

سخنگوی جبهه گفتگوی ملی عراق، نسبت به گسترش دخالتهای رژیم ایران در بصره پس از تحویل امور امنیتی این شهر به‌نیروهای امنیتی عراق، هشدار داد

حیدر ملا، سخنگوی جبهه گفتگوی ملی عراق، نسبت به گسترش دخالتهای رژیم ایران در بصره پس از تحویل امور امنیتی این شهر به نیروهای امنیتی عراق، هشدار داد. وی که روز ۲۲آذر، با تلویزیون ابوظبی گفتگو می‌کرد، گفت: «وضعیت بصره در حال حاضر ویژه است... مردم بصره بر اساس تجربه‌یی که طی این سالیان داشتند می‌توانند بگویند در بصره چه کشوری طرح و برنامه دارد. امروز مردم بصره دخالت رژیم ایران در امور داخلی عراق را خوب احساس می‌کنند. این رژیم ارگانها و مؤسساتی تحت عناوین مختلف برای پیشبرد اهدافش دایر کرده است. مردم بصره نباید اجازه بدهند که طرح تقسیم عراق، پیش برود.

تلویزیون رافدین: بیانیه ۳۰۰هزار تن از شیعیان جنوب عراق علیه دخالتهای رژیم آخوندی فریاد مردم عراق است که عشایر جنوب آن را سر دادند

تلویزیون رافدین عراق، در یک برنامه ارتباط مستقیم در روز ۲۴آذر۸۶، درباره بیانیه ۳۰۰هزار تن از شیعیان جنوب عراق علیه دخالتهای رژیم آخوندی، گفت: این فریاد مردم عراق است که عشایر جنوب آن را سر دادند. این فریاد چیزی جز پاسخ به دخالت رژیم ایران در عراق نیست. تلویزیون رافدین، سپس نظر شهروندان عراقی را در این باره جویا شد.

ابوعبدالله از زمادی گفت: مدتی پیش سخنگوی وزارت کشور گفته بود که بانادهای قتل به ایران فرار کرده‌اند. در حال حاضر ۵۳کارشناس رژیم ایران در دولت عراق کار می‌کنند آنها کارشناسان و مغزهای عراقی را از بین می‌برند تا این که برای کارشناسان ایرانی جا باز شود.

ابراهیم الجبوری از موصل گفت: عشایر عربی همیشه در مقابل دخالتهای افسارگسیخته رژیم ایران ایستاده‌اند، ما از تجمع عشایر دفاع می‌کنیم و دخالت رژیم ایران در امور داخلی‌مان را محکوم می‌کنیم.

ابوتمر از کربلا، به تلویزیون رافدین گفت: نمی‌دانم چگونه تصویر کنم. مزدوران رژیم ایران در همه جای کربلا هستند. کشور گفته بود که بانادهای قتل به ایران فرار کرده‌اند. در حال حاضر ۵۳کارشناس رژیم ایران در دولت عراق کار می‌کنند آنها کارشناسان و مغزهای عراقی را از بین می‌برند تا

تبریک اتحادیه میهنی کردستان عراق ـ شاخه دیالی به سازمان مجاهدین

اتحادیه میهنی کردستان عراق در استان دیالی، طی پیامی صدور حکم دادگاه انگلستان مبنی بر ابطال برچسب تروریسم علیه مجاهدین را تبریک گفت و نوشت: «به مناسبت صدور حکم دادگاه انگلستان و تصمیم قاضی دادگاه به رفع تهمت نامشروع تروریسم از سازمان مجاهدین خلق ایران، به شما تبریک می‌گوییم. این حکم گامی است در مسیری صحیح؛ برای محقق‌شدن عدالت و تعادل در روابط بین‌المللی و همچنین برای احقاق حق خلقهای سرکوب شده در تعیین سرنوشتشان به‌سوی آزادی».

در این پیام تبریک، اتحادیه میهنی کردستان دراستان دیالی برای مجاهدین پیروزهای سیاسی بیشتر و تداوم روابط برادرانه با خلق کرد را آرزو کرده است.

مردم منطقه غزالیه در بغداد، در مراسم تشییع جنازه فرزندانشان خشم و انزجار خود را علیه رژیم ایران اعلام کردند

مردم منطقه غزالیه در غرب بغداد، در مراسم تشییع جنازه پنج تن از فرزندانشان خشم و انزجار خود را علیه شبه‌نظامیان وابسته به رژیم ایران اعلام کردند.

تلویزیون رافدین در روز ۴دی۸۶، گزارش داد: بعد از این‌که دخالت رژیم ایران در عراق گسترش یافت و اخیراً به کرد در ایران تأسیس و پرورش یافته بودند، کنترل امور را به‌دست گرفتند، غزالیه بغداد سمبل مقاومت ملی و پایداری در مقابل این جریانات بود.

رافدین افزود: روز شنبه(اول دی) شبه‌نظامیان با شلیک آر.پی.جی به‌خودرو نیروهای حفاظتی در غزالیه، پنج تن از آنان را به‌قتل رسانده و شش تن دیگر را زخمی کردند. تشییع‌کنندگان، خشم خود را نسبت به شبه‌نظامیان وابسته به رژیم ایران که در غزالیه دست به‌قتل و چپاول می‌زنند، بیان نمودند. شاهدان در منطقه غزالیه گفتند هنگام تشیع جنازه، یک نفر دیگر کشته و تعداد دیگری توسط گارد ملی زخمی شده‌اند. یکی از اهالی این شهر گفت: آنها یک خودرو معمولی داشتند و کارشان حفاظت از شهر بود، چهار ماه است که نیروهای این گردان به همین طریق جابه‌جا می‌شوند و ما مشکلی نداشتیم. دیشب هنگام تعویض شیفت خودرو منفجر شد. موضوع روشن است چرا که آنان در غزالیه موفق شده بود منطقه را به‌ثبات نسبی برسانند.

یکی از زنان این منطقه گفت: گناه این افراد چه بود؟ این آتشی ملی که از آن دم می‌زنید کجاست؟ مالکی کجاست که از آتشی ملی دم می‌زنند؟ آنها به‌ما خیانت می‌کنند.

یک شهروند دیگر عراقی با اشاره به نقش نیروهای امنیتی و گارد ملی دولت مالکی، گفت: این انفجار در نزدیکی یک مدرسه صورت گرفت و خودرو افراد شورای نجات را هدف قرار داد. وقتی که خودرو منفجر شد، شبه‌نظامیان و نیروهای گارد ملی در محل بودند. آنها ما را از پشت‌بام با بی.کی.سی زیر آتش قرار دادند. ووقتی که تشیع جنازه را شروع کردیم و به پست بازرسی ۴۱ رسیدیم گارد ملی با بی.کی.سی به‌ما شلیک کرد. تلویزیون رافدین در پایان گفت: میان چکش شبه‌نظامیان و ستدان دخالتهای رژیم ایران، تنها امید ما به فرزندان مبارز و مجاهد عراق است که صخره‌هایی خواهند بود تا شمشیرهای آنان را خرد کنند.

یک زن که دو تن از فرزندانش در این انفجار کشته شده بودند گفت سال گذشته نیز یک پسرش در انفجارها کشته شده است. او دولت مالکی را در قتل فرزندانش مقصر دانست.

دستاویز اقتصادی بازیگران نمایش «انتخابات»!

بازیگران نمایش انتخاباتی مجلس رژیم، برخلاف ادعاهای کنونی خود، به این امر واقفند که روند رشد تضادهای رژیم ولایت‌فقیه با جامعه ایران و جامعه جهانی به‌جایی رسیده که دیگر برای پاسداری و نگهداری این رژیم، راهی جز مدیریت صد درصد امنیتی، مشابه مدیریت دولت احمدی‌نژاد، باقی نمانده است. فقر و بیکاری فرآورده اجتناب‌ناپذیر این مدیریت امنیتی است و اگر خود آنها نیز در شرایط فعلی بر سر کار بیایند، بناچار به نابودی نظام ولایت‌فقیهی ایران رضایت دهند و یا «مصلحت نظام» را مد نظرخود قرار دهند و راه دولت احمدی‌نژاد را در پیش بگیرند

یزدان حاج‌حمزه

آن بخش از شرکای حکومت ولایت فقیهی ایران، که با کودتای سیاسی رهبر و پاسداران این حکومت دستشان از قدرت سیاستگذاری و اجرایی کوتاه شده، ائتلاف انتخاباتی تشکیل داده‌اند تا ازطریق مجلس هشتم، راهی برای بازگشت خود به این حوزه از قدرت حکومتی باز کنند. آخوندهای گردن‌کلفتی همچون رفسنجانی، خاتمی و کروبی، سوته‌دلان را گرد هم آورده‌اند، تا این ائتلاف انتخاباتی را سرپا نگهدارند. احمدی‌نژاد در هماهنگی با رهبر حکومت، به صراحت این آخوندها و باندهای سیاسی وابسته به آنها مثل «روحانیت مبارز»، «جبهه مشارکت»، «کارگزاران سازندگی» و «مجاهدین انقلاب اسلامی» را «خائن» تلقی می‌کند. زیرا اینها به‌رغم آن‌که می‌دانند نظام ولایت‌فقیهی ایران دیگر نمی‌تواند با مانور «تشنج‌زدایی» به‌حیات خود ادامه دهد، ایراد می‌گیرند که چرا دولت پاسداران سیاست خود را با استراتژی بقای این نظام هماهنگ کرده و به «تشنج‌آفرینی» و درگیری و تخاصم روی آورده است. اما رهبر و پاسداران نظام، با وقوف بر این واقعیت که دیگر امکان مانور تاکتیکی برای رژیم باقی نمانده، اینها را کار زده‌اند تا تاکتیکهای اجتناب‌ناپذیر منطبق بر سیاست راهبردی و الزامات امنیتی بقای حکومت را به‌پیش ببرند. حواسشان جمع است که نگذارند آنها را که از درون و بیرون کرده‌اند از پنجره وارد حوزه اجرایی و تصمیم‌گیری شوند. دومرور انتخابات مجلس هشتم، فیلتر «شورای نگهبان» را برای جلوگیری از تسلط «خائنین» برمجلس هشتم، در اختیار دارند. با استفاده از تجربه انتخابات ریاست‌جمهوری دو سال و نیم پیش و در اختیارداشتن وزارت کشور و استانداردها و نیروی «بسیج»، می‌دانند چگونه وقتی مدعی خواب است، آرای صندوقها را به‌نفع خود تغییر دهند. با این وجود مدعایی که دستشان از سیاستگذاری و اجرا کوتاه شده، به قصد پیروزی در بازی انتخاباتی مجلس هشتم، از دولت پاسداران ایرادهایی می‌گیرند که اقتصاد کشور و وضعیت معیشت مردم را به‌وخامت بیشتری کشانده است. در این دعوای قدرت درون حکومتی دو سؤال اساسی مطرح است: نخست آن‌که اینها خود چه نقشی در وخامت اوضاع اقتصادی کشور و پرورش احمدی‌نژادها داشته‌اند؟ دوم آن‌که قوه مجریه رژیم ولایت‌فقیهی ایران آیا می‌تواند در شرایط حاضر سیاستی کیفاً متفاوت از سیاست دولت احمدی‌نژاد داشته باشد؟ ضمن مروری بر دو فقره از ایرادهایی که به دولت پاسداران می‌گیرند، به پاسخ این سؤالها می‌پردازیم:

ایرادهای محوری «ائتلاف»

الف- ائتلاف انتخاباتی جدید با بخشی از شرکای حکومتی تشکیل داده‌اند که وجه مشترک آنها این است که با زمامداری سیاسی پاسداران از متن قدرت حکومتی به‌حاشیه قدرت پرتاب شده‌اند. این جماعت با اشاره به فشار سیاسی بی‌سابقه‌یی که بر رژیم ایران از داخل و خارج وارد می‌شود عنوان می‌کنند که حکومت در «شرایط ویژه» قرار گرفته است. با این دستاویز وارد بازی درون حکومتی انتخابات مجلس شده‌اند. دولت پاسداران را مسبب این «شرایط ویژه» معرفی می‌کنند و تقلا می‌کنند با شکستن همه کاسه کوزه‌ها برسر این دولت نیروهای خودی را به‌خود جلب کنند. تبلیغات انتخاباتی اینها گویای وارداوردن دو ایراد محوری به‌مدیریت دولت پاسداران متمرکزشده است:

۱-مدیریت مالی

۲-مدیریت فعالیتهای هسته‌یی

۱-ایراد به مدیریت مالی

جالبترین صحنه نمایش انتخاباتی جدید، بازگشت خاتمی رئیس‌جمهور قبلی رژیم به‌عرصه سیاست و ایراد او به مدیریت مالی دولت پاسداران است. او که در دوره زمامداریش مدیریت کلان اقتصادی را در عمل رها کرده بود، با اشاره به ریخت و پاشهای مالی احمدی‌نژاد که برای جلوگیری از ریزش «نیروهای خودی» انجام می‌گیرد، در دانشگاه تهران مدیریت مالی احمدی‌نژاد را مدیریت «روبین هودی» عنوان کرده و به پرداخت احمدی‌نژاد از «عدالت اقتصادی» ایراد می‌گیرد که «این پرداخت از عدالت، منابع ملی را بر باد می‌دهد و فقر می‌پراکند!» سایرسخنگویان ائتلاف کذایی مخالفان درون حکومتی احمدی‌نژاد، ازجمله سخنگوی باند موسوم به «کارگزاران سازندگی»، با اشاره به نامه‌های سرگشاده کارشناسان همکار دولت خاتمی به احمدی‌نژاد، علت شعله‌ورشدن تورم فقرافزا در ایران را این می‌دانند که دولت احمدی‌نژاد، در سیاستگذاریهای مالی- اقتصادی، سرخود عمل می‌کند و به‌نصایح و توصیه‌های «کارشناسان اقتصادی» توجهی ندارد.

۲- ایراد به مدیریت فعالیتهای هسته‌یی

ائتلاف انتخاباتی «خائنین» به مدیریت فعالیتهای هسته‌یی دولت پاسداران نیز ایراد می‌گیرد. سخنگویان این جماعت با استناد بر فریبکاریهای دولت خاتمی و دولت رفسنجانی برای پیشبرد فعالیتهای هسته‌یی خطرناک رژیم می‌گویند، دولت پاسداران هم پیشبرد این فعالیتها را کند کرده و هم هزینه اقتصادی آن را بالا برده است. اینها با این تبلیغات می‌خواهند زرنگی دولتهای قبلی در خام‌کردن طرف خارجی و پیشبرد فعالیتهای هسته‌یی رژیم را به رخ مخالفهای درون حکومتی خودبکشانند. سخنگوی باند «کارگزاران سازندگی» به احمدی‌نژاد ایراد می‌گیرد که تو دروغ می‌گویی که «فطنامه‌های تحریم کاغذپاره‌یی بیش نیست و اثری ندارد. تحریمها اثر خود را در اقتصاد کشور گذاشته است. مرتضی حاجی، وزیر آموزش و پرورش دولت خاتمی که حوزه انتخاباتی تهران این «ائتلاف» را اداره می‌کند، در کنفرانس مطبوعاتی که در ستاد مرکزی این ائتلاف برگزار کرد، ضمن اعلام آن‌که دولت احمدی‌نژاد «بی‌ثبات‌ترین دولتی است که بعد از انقلاب روی کارآمده» متذکر شد که «مردم در ایران شاهد عینی تأثیر صدور دو قطعنامه علیه ایران و انزوای کشور در عرصه بین‌المللی هستند».

ب-مشکل ساختاری قوه مجریه رژیم ولایت‌فقیه

فقرافزایی و تنگناآفرینی، جوهر ایرادهای اقتصادی است که خاتمی و رفسنجانی و اطرافیان آنها در فضای انتخاباتی به دولت احمدی‌نژاد می‌گیرند. حال آن‌که قوه مجریه رژیم ولایت‌فقیهی حاکم بر ایران، در اداره اقتصاد کلان کشور مشکلی بنیادی و مانعی اجتناب‌ناپذیر دارد که از ذات این نظام نشأت می‌گیرد. مطابق قانون اساسی این رژیم، سیاستهای کلی و خط‌مشی قوه مجریه توسط رهبر رژیم تعیین و ابلاغ می‌شود و رئیس قوه مجریه راهی جز اجرای این سیاستها ندارد. رهبر این رژیم، در تعیین سیاستهای کلی رژیمی که نمی‌تواند با جامعه ایران و جامعه جهانی سر سازگاری داشته باشد، به‌طور منطقی الزامات دفاع از این رژیم را مد نظر قرار می‌دهد و به دولت رژیم، به‌مدیریت اقتصادی آنها، خواه وناخواه، عملکردی ضدتولیدی و فقرآفرین می‌دهد این بازیگران نمایش انتخاباتی مجلس رژیم، برخلاف ادعاهای کنونی خود، به این امر واقفند که روند رشد تضادهای رژیم ولایت‌فقیه با جامعه ایران و جامعه جهانی به‌جایی رسیده که دیگر برای پاسداری و نگهداری این رژیم، راهی جز مدیریت صد درصد امنیتی، مشابه مدیریت دولت احمدی‌نژاد، باقی نمانده است. فقر و بیکاری فرآورده اجتناب‌ناپذیر این مدیریت امنیتی است و اگر خود آنها نیز در شرایط فعلی بر سر کار بیایند، در عمل، یا باید به نابودی نظام ولایت‌فقیهی ایران رضایت دهند و یا «مصلحت نظام» را مد نظرخود قرار دهند و راه دولت احمدی‌نژاد را در پیش بگیرند.

خود کرده را تدبیر نیست!

دویچه‌وله: اثرات تحریم بر اقتصاد ایران به‌تدریج درحال آشکارشدن است

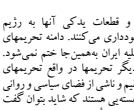

رادیو دویچه‌وله (آلمان) در روز ۲۷آذر۸۶، گزارشی از آثار تحریمهای بین‌المللی بر روی اقتصاد رژیم ایران پخش کرد. این رادیو گفت: یک بخش از تحریمهای اعمال‌شده علیه رژیم ایران ناشی از قطعنامه‌های ۱۷۳۷ و ۱۷۴۷ شورای امنیت است. این تحریمها اساساً بخشهای نظامی را هدف قرار داده اما تحریمهای خارج از چارچوب شورای امنیت که آمریکا و دیگر کشورها علیه رژیم ایران وضع کرده‌اند، ابعاد بسیار گسترده دارند و اثرات آنها بر اقتصاد ایران به‌تدریج در حال آشکارشدن است. هم‌اکنون شمار زیادی از بانکهای بین‌المللی از معامله با رژیم ایران خودداری می‌کنند. ورود بسیاری تولیدات صنعتی غرب به‌ویژه محصولاتی که مؤسسات آمریکایی به‌نحوی در فرایند تولید آن نقش دارند، به ایران ممنوع شده است. سرمایه‌گذاریهای کلان در بخش نفت و گاز ایران از سوی شرکتهای غربی کاملا متوقف شده و شرکتهای فعال در صنعت ایران نیز درحال بررسی وضعیت خود و احتمال خارج‌شدن از چرخه اقتصاد ایران هستند. علاوه بر اینها، واردات برخی کالاها، دستگاههای پیشرفته صنعتی و مواد و تکنولوژیهای دارای کاربرد دوگانه هم در بخش نظامی و هم غیرنظامی در فهرست تحریمهای غرب علیه رژیم ایران قرار دارند. به‌عنوان مثال «فولاد گرم» دارای کاربرد دوگانه است و حجم ۱۹۲هزار تن از آلات ساده صنعتی هم رسیده است و شرکتهای بزرگ ابزارسازی غرب از فروش ابزارهای صنعتی و قطعات یدکی آنها به رژیم ایران خودداری می‌کنند. دامنه تحریمهای غرب علیه ایران به‌همین‌جا ختم نمی‌شود. بخش دیگر تحریمها در واقع تحریمهای غیرمستقیم و ناشی از فضای سیاسی و روانی بحران هسته‌یی هستند که شاید بتوان گفت فلج‌کننده‌ترین تأثیر را بر اقتصاد ایران به‌جا می‌گذارند. مطابق آمارهای معتبر، حجم سرمایه‌های خارجی دارفاسد به ایران در سال۲۰۰۶ بیش از ۳۰درصد نسبت به سال قبل از آن کاهش داشته و حداکثر به ۸۰۰میلیون دلار رسید. حال آن‌که در سال۲۰۰۴ بیش از چهار میلیارد دلار سرمایه خارجی وارد ایران شده بود. در سال۲۰۰۶ در مجموع ۴۴میلیارد دلار سرمایه خارجی وارد خاورمیانه شد. سهم ایران از این سرمایه، کمتر از دو درصد بوده است.

اعتراف رفسنجانی به وضعیت انفجاری جامعه و بحران درونی رژیم بر سر تورم و گرانی افسار گسیخته

رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام آخوندی، روز ۳۰آذر۸۶، طی سخنانی که از رادیو رژیم پخش شد، به وضعیت انفجاری جامعه و بحران درونی رژیم بر سر تورم و گرانی افسارگسیخته اعتراف کرد و گفت: «این روزها متأسفانه یک مسألیی در داخل کشور دارد بسیار جدی می‌شود و آن مسأله تورم و گرانی است. ما پرهیز می‌کردیم که وارد این بحث بشویم نه در خطبه‌ها نه در سخنرانیها.

وی باندهای رژیم را از پرداختن به تشریح این وضعیت انفجاری و بیان آنها در جنگ و جدال باندی برحذر داشت و افزود: «... این میدان، میدان تفرقه و دعوا و نزاع نیست چون دودش به‌چشم همه می‌رود. اگر تورم مهار بشود همه‌مان استفاده می‌کنیم و اگر تورم تشدید بشود همه ضرر می‌کنیم. انقلاب هم ضرر می‌کند، ایران هم ضرر می‌کند، ولذا با مشاجره و دعوا و اینها نمی‌شود مسأله را حل کرد».

رفسنجانی به‌طور خاص با حمله به پاسدار احمدی‌نژاد، اظهارات او در تلویزیون رژیم درباره تورم و گرانی را که تقصیر را به‌گردن دولتهای قبلی انداخته بود، سیاست‌بازی و شعار خواند و گفت: «یعنی هیچ‌کس نمی‌تواند جلو عملکرد اصول اقتصادی را در زندگی جامعه بگیرد، نه با شعار، نه با سیاست بازی، نه با توصیه، اینها حل نمی‌کند».

رفسنجانی به‌خاطر روند تشدیدشونده بحران هسته‌یی رژیم ابراز وحشت کرد و گفت: «آمریکا این است که بدترین دشمن رژیم، آمریکا نیست بلکه خود این رژیم است. در این هفته، ۱۹۲عضو مجمع عمومی سازمان ملل متحد، به‌حاکمان رژیم ایران هشدار دادند، اما نه به‌خاطر نقض معاهدات هسته‌یی بلکه به‌خاطر «نگرانی عمیق» نسبت به افزایش قساوت در ایران.

کریستین‌ساینس‌مانیتور: جمعیت ۷۰میلیونی ایران از رژیم حاکم روی برتافته‌اند و از سه دهه حاکمیت آن خسته شده‌اند

CHRISTIAN SCIENCE MONITOR

کریستین‌ساینس‌مانیتور چاپ آمریکا در شماره ۲۹آذر۸۶، طی مقاله‌یی نوشت: واقعیت سرسخت این است که جمعیت ۷۰میلیونی ایران، از رژیم حاکم روی برتافته‌اند و از سه دهه حاکمیت آن که ثمر چندانی نداشته، خسته شده‌اند. این روزنامه با عنوان «جنگ، تنها در داخل ایران است» افزود نگرانی سازمان ملل نسبت به سرکوب در ایران، نشان‌دهنده بسیج خدمردمی بوده است. در دانشگاهها، دهها تن از دانشجویان و اساتید که علیه رژیم به‌طور بی‌پرده سخن می‌گویند، دستگیر یا وادار به سکوت شده‌اند. در پس این سختگیریهای شدید، چه چیزی وجود دارد؟

کریستین ساینس مانیتور پاسخ این سؤال را در وحشت رژیم آخوندی از نارضایتی مردم ایران می‌داند.

قساوتی از قبیل سنگسار، سرکوب زنان مخالف و آزار مدافعان حقوق بشر.

کریستین ساینس مانیتور افزود جنگ فزاینده رژیم ایران علیه مردم، کافی‌نها و حتی زنان جوان را هدف قرار می‌دهد. اعدامها که بسیاری از آنها در ملاءعام صورت می‌گیرند، ۱۹درصد نسبت به‌سال قبل بیشتر شده‌اند. در دانشگاهها، دهها تن از دانشجویان و اساتید که علیه رژیم به‌طور بی‌پرده سخن می‌گویند، دستگیر یا وادار به سکوت شده‌اند. در پس این سختگیریهای شدید، چه چیزی وجود دارد؟

کریستین ساینس مانیتور پاسخ این سؤال را در وحشت رژیم آخوندی از رشد نفوذ و اقتدار مدافعان حقوق بشر در ایران می‌داند.

پیامدهای تحریم رژیم در شورای امنیت

شرکت نفتی ویتول قرارداد تولید سوخت برای ایران را خاتمه می‌دهد

شرکت نفتی ویتول، در سوئیس، بزرگترین تولیدکننده سوخت در ایران، اعلام کرد از سال آینده، به قرارداد دراز مدت خود در زمینه تهیه سوخت برای رژیم ایران خاتمه می‌دهد. خبرگزاری رویتر در روز ۳۰آذر۸۶، از این خبر را به نقل از یک منبع در بخش صنایع نفت در لندن اعلام کرد. این منبع گفت شرکت ویتول به این دلیل تصمیم مزبور را اتخاذ کرده است که حدود ۷۰میلیون دلار در سال۲۰۰۷، از بابت قرارداد کنونی با رژیم ایران ضرر کرده است. رویترگفت: منبع مزبور اشاره‌یی به ملاحظات سیاسی در این خصوص نکرد. منابع بازرگانی می‌گویند ویتول بزرگترین تهیه‌کننده سوخت برای رژیم ایران بوده و حدود ۶۰درصد واردات بنزین را تأمین می‌کرده است.

امارات متحده تحریمها علیه رژیم را به‌اجرا درآورده است

امارات متحده عربی اقدامات جدیدی را برای اجرای تحریمهای بین‌المللی علیه رژیم ایران به‌مرحله اجرا درآورده است.

به نوشته تایمز مالی چاپ لندن، امارات متحده عربی براساس قوانین جدید کنترل صادرات کالا، بررسیهای ویژه‌یی را روی محموله‌هایی که به مقصد ایران ارسال می‌شوند، اعمال کرده، به‌طوری که ماه گذشته محموله یک کشتی را که از تحریمهای سازمان ملل متحد تخطی کرده بود، مصادره نمود.

ناصر هاشم‌پور، معاون رئیس شورای تجارت ایرانیان، در دویی گفت: شرکتهای مستقر در امارات، دریافته‌اند که بانکهای بین‌المللی در صدور اعتبار برای کالاهای ایرانی محتاطانه‌تر برخورد می‌کنند. بانکهای امارات از صدور اعتبارنامه ارزی برای بانکهای ایرانی خودداری می‌کنند و از این رو شرکتهای ایرانی نمی‌توانند تحریمهای آمریکا را دور بزنند.

در همین حال مقامات آمریکایی گفتند همکاری مشترک این دو کشور بر سر رژیم ایران بسیار عمیق است. تام کیسی، سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا، اظهار داشت: ما از کلیه کشورها می‌خواهیم از تلاش برای جلوگیری از گسترش برنامه‌های هسته‌یی رژیم ایران دریغ نکنند(تایمز ۳۰آذر۸۶).

دولت آمریکا به چین به‌دلیل معامله تجاری با رژیم ایران اعتراض کرد

روزنامه تایمز مالی چاپ انگلستان نوشت: ایالات متحده نارضایتی خود را دومورد یک معامله جدید بین سینوپک، شرکت انرژی متعلق به دولت چین، و رژیم ایران ابراز نمود. این روزنامه افزود: واشینگتن فشار می‌آورد تا شورای امنیت سازمان ملل متحد با دور جدیدی از تحریمها علیه رژیم ایران در ماه آینده موافقت کند. هدف این تحریمها، وادارکردن رژیم ایران به تعلیق غنی‌سازی اورانیوم و سایر فعالیتهای حساس هسته‌یی است(فایننشال تایمز ۲۹آذر۸۶).

یک مقام رژیم: ۸میلیون نفر زیر خط فقر مطلق هستند

مدیرکل دفتر فقرزدایی وزارت رفاه و تأمین اجتماعی درباره میزان خط فقر گفت: خط فقر شدید همان خط فقر گرسنگی است که افراد توانایی تأمین هزینه سیر کردن خود را ندارند. وی گفت: تعداد افرادی که علاوه بر رفع گرسنگی قادر بر تأمین هزینه مسکن، پوشاک و آموزش خود نیز نیستند و در واقع زیر خط فقر مطلق زندگی می‌کنند، هفت میلیون و ۸۰۰هزار نفر معادل ۱۱/۱درصد جمعیت کشور هستند(خبرگزاری رژیم ـ ایسنا اول دی۸۶).

شورای امنیت ملل متحد گزارش تحریم رژیم توسط ۸۷کشور را منتشر کرد

شورای امنیت ملل متحد روز سه‌شنبه ۲۷آذر طی اطلاعیه‌یی اعلام کرد که رئیس کمیته نظارت بر تحریمهای ایران در مورد میزان به اجرادرآمدن تحریمها علیه رژیم ایران به‌اعضای این شورا گزارش داد.

بر اساس این اطلاعیه، رئیس کمیته نظارت بر تحریمها علیه رژیم ایران در گزارش خود به اعضای شورای امنیت تأکید کرد:

تاکنون ۸۷کشور عضو ملل متحد در مورد اجرای قطعنامه۱۷۳۷ و ۷۱کشور درمورد اجرای قطعنامه۱۷۴۷ به‌شورای امنیت گزارش داده و تأکید کرده‌اند که تحریمها را به مرحله اجرا در آورده‌اند...

وی گفت: ما باید رژیم ایران را وادار کنیم غنی‌سازی اورانیوم و فعالیتهای مربوط به تبدیل اورانیوم را متوقف کند. زیرا این فعالیتها عنصر اصلی برای تولید بمب اتمی است.

وزیر خارجه آمریکا باردیگر اعلام کرد اعضای دائمی شورای امنیت و آلمان اگرچه دارای اختلافات تاکتیکی بر سر نحوه مقابله با فعالیتهای اتمی رژیم ایران هستند، اما در اصول هیچ اختلافی باهم ندارند.

رئیس‌جمهور فرانسه: دستیابی رژیم ایران به بمب اتمی غیرقابل قبول است

نیکولا سارکوزی رئیس‌جمهور فرانسه، طی مصاحبه‌یی با نمایندگان مطبوعات عربی در قاهره روز ۲۸آذر۸۶، بار دیگر تأکید کرد دستیابی رژیم ایران به بمب اتمی غیرقابل قبول است؛ چرا که این امر همسایگان منطقه‌یی ایران را در هراس فرو خواهد برد.

وی تصریح کرد هدف تحریمها، فشار آوردن روی مردم ایران نیست؛ بلکه هدف، حساس‌کردن آنها نسبت به اشتباهاتی است که مقامهای رژیم ایران مرتکب می‌شوند.

وزیر خارجه آمریکا: ما باید رژیم ایران را وادار کنیم غنی‌سازی اورانیوم و فعالیتهای مربوط به تبدیل اورانیوم را متوقف کند

کاندولیزا رایس، وزیر خارجه آمریکا باردیگر خواستار توقف غنی‌سازی اورانیوم توسط رژیم آخوندی شد.

حزب دموکرات لیبرال آلمان: هیچ دلیلی وجود ندارد که خطر از جانب رژیم ایران و برنامه هسته‌یی آن کاهش یافته باشد

حزب دموکرات لیبرال آلمان روز ۲۶آذر اعلام کرد هیچ دلیلی وجود ندارد که خطر از جانب رژیم ایران و برنامه هسته‌یی آن کاهش یافته باشد. ورنر هویر، معاون رئیس فراکسیون حزب دموکرات لیبرال آلمان در مجلس نمایندگان این کشور، گفت: پس از انتشار گزارش جامعه اطلاعاتی آمریکا اکنون نوبت رژیم ایران است که نشان دهد با جامعه بین‌المللی همکاری می‌کند. از این رو خطرناک و ناشیانه است اگر این رژیم فکر کند می‌تواند به سیاستهای خود ادامه دهد. ممکن است این گزارش به‌طور مقطعی تنشی را کاهش داده باشد اما هیچ دلیلی وجود ندارد که احساس کنیم خطر رژیم ایران کمتر شده است.

این رژیم این واقعیت را که تا سال۲۰۰۳ یک برنامه اتمی نظامی داشته است انکار نکرده است. از سوی دیگر اجرا نکردن تعهداتش در قبال آژانس و شورای امنیت سازمان ملل متحد، هم‌چنان نگران‌کننده است و به‌همین دلیل چیزی تغییر نکرده است.

وزیر خارجه روسیه: ارسال محموله سوخت اتمی به بوشهر، رژیم ایران را از غنی‌سازی اورانیوم بی‌نیاز می‌کند

وزیر خارجه روسیه اعلام کرده است که ارسال محموله سوخت اتمی به رژیم ایران این سؤال را برجسته می‌کند که پس چرا رژیم ایران این‌قدر اصرار دارد برنامه جنجالی غنی‌سازی خود را ادامه دهد؟ راکتور اتمی بوشهر با دریافت سوخت اتمی و بدون نیاز به‌غنی‌سازی، رژیم ایران را از تحویل گرفتن سوخت هسته‌یی از روسیه برای راکتور اتمی بوشهر، یک مقام بلندپایه رژیم ایران گفت: ما هرگز غنی‌سازی اورانیوم را متوقف نخواهیم کرد. این مقام ایرانی که خواست نامش فاش نشود تصریح کرد سخنی از توقف غنی‌سازی اورانیوم در کار نیست و دریافت سوخت هسته‌یی ارتباطی با توقف غنی‌سازی ندارد. به‌طور قطع این فرایند تحت هیچ شرایطی متوقف نخواهد شد.

از سوی دیگر رئیس شرکت روسی که ساخت راکتور اتمی بوشهر را بر عهده دارد اعلام کرد: این راکتور تا پایان سال ۲۰۰۸ میلادی، فعال نخواهد شد(ریا نووستی ۲۹آذر۸۶).

ولی در همین حال رژیم ایران در حال غنی‌سازی اورانیوم برای انبار کردن جهت استفاده در راکتوری است که هنوز ساختمان آن هم آغاز نشده است(شبکه جهانی بی.بی.سی ۲۷آذر۸۶).

خبرگزاری رویتر در روز ۲۷آذر از تهران گزارش داد: پس از تحویل گرفتن سوخت هسته‌یی از روسیه برای راکتور اتمی بوشهر، یک مقام بلندپایه رژیم ایران گفت: ما هرگز غنی‌سازی اورانیوم را متوقف نخواهیم کرد. این مقام ایرانی که خواست نامش فاش نشود تصریح کرد سخنی از توقف غنی‌سازی اورانیوم در کار نیست و دریافت سوخت هسته‌یی ارتباطی با توقف غنی‌سازی ندارد. به‌طور قطع این فرایند تحت هیچ شرایطی متوقف نخواهد شد.

از سوی دیگر رئیس شرکت روسی که ساخت راکتور اتمی بوشهر را بر عهده دارد اعلام کرد: این راکتور تا پایان سال ۲۰۰۸ میلادی، فعال نخواهد شد(ریا نووستی ۲۹آذر۸۶).

رئیس‌جمهور آمریکا: گزارش جامعه اطلاعاتی می‌گوید رژیم ایران یک تهدید بوده است، یک تهدید است و یک تهدید خواهد بود

یک برنامه تسلیحات هسته‌یی، سه جزء دارد: یکی از آنها غنی‌سازی اورانیوم است. به‌رغم این‌که بسیاری در جهان به رژیم ایران گفته‌اند غنی‌سازی خود را متوقف کنید، این برنامه هم‌چنان فعال می‌باشد

جورج بوش، رئیس‌جمهور آمریکا در یک سخنرانی در روز ۲۷آذر، درمورد گزارش جامعه اطلاعاتی آمریکا درباره برنامه هسته‌یی رژیم آخوندی، گفت: شما همه این گزارش را خوانده‌اید که گفته است، ایران قبلا برنامه تسلیحات اتمی داشت، ولی آن‌را متوقف کرد. من در کنفرانس مطبوعاتی که پس از انتشار این گزارش داشتم گفتم این گزارش، وقتی که آن‌را به‌طور دقیق بخوانید، می‌گوید: ایران تهدید بوده است، ایران اکنون هم یک تهدید علیه صلح است، و اگر ما نتوانیم غنی‌سازی آنها را متوقف کنیم، تهدید علیه صلح خواهند بود. زیرا برنامه تسلیحات اتمی سه جزء دارد. جزء اول داشتن مواد لازم برای تولید بمب است. این مواد را یا می‌توان خرید، مواد که از قبل آماده شده باشد، یا این‌که خودتان نحوه آماده کردن آن‌را بیاموزید. این هم جزء غنی‌سازی است. این قسمت از برنامه (رژیم ایران) به‌رغم این که بسیاری در جهان به ایرانیها گفته‌اند غنی‌سازی خود را متوقف کنید، ولی هنوز فعال است.

کارد پیلوماسی در این زمینه دارد انجام می‌شود. توانندی برای به‌کارگیری این مواد در تولید سلاح، به عبارت دیگر آن‌را به صورتی درآوریم که منفجر شود، این قسمتی از برنامه است که جامعه اطلاعاتی تصور می‌کند قبلا (در ایران) وجود داشت و فعال بود، ولی متوقف شده است. و سرانجام برای این که بتوان گفت به قدرتی مجهز به تسلیحات هسته‌یی تبدیل شده‌اید، باید بتوانید این بمب را با موشک حمل کنید. آنها زمان زیادی برای آزمایشهای موشکی خود صرف کرده‌اند. لذا، دو جزء از سه جزء، وجود دارد و فعال است. حال، آن‌چه که می‌گفتم: اولا این است که من معتقدم ایران تهدیدی علیه صلح محسوب می‌شود. من به‌چند دلیل این حرف را می‌زنم. من معتقدم که با داشتن سلاح (اتمی) آنها یک نیروی بی‌ثبات‌کننده خواهند بود. من معتقدم با وجود سلاح اتمی، ما باید تهدید آنها را جدی تلقی کنیم، در مورد تهدیدی که علیه یکی از متحدین ما، اسرائیل، گفته‌اند، به همین جهت رویکرد من نسبت به ایران تغییری نکرده است. اگر آنها برنامه تولید سلاح اتمی را از قبل داشته‌اند، چه تضمینی هست که دوباره فردا آن‌را فعال نکنند؟ مگر نه این‌که آنها قبلا برنامه تسلیحات اتمی خود را مخفی کرده بودند؟ از کجا می‌دانید (که دوباره شروع نکنند)؟ لذا حرف من در مورد ایران این است: آنها باید به جهان توضیح بدهند. آنها باید به‌جهان بگویند که چرا این برنامه را داشتند، ولی گزارش نکردند. آنها باید برای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تصریح کنند که این برنامه چه هدفی داشت و چرا آن‌را از جهان مخفی کردند. بنابراین ایران یک خطر است، و ما به همکاری با دوستان و متحدینمان ادامه خواهیم داد تا آنها (رژیم ایران) را متقاعد کنیم که به نفع خودشان هم هست که برنامه غنی‌سازی خود را متوقف کنند. و اگر این کار را کردند راه به جلو ـ متفاوت از آن‌چه در پیش گوفته‌اند ـ در برابرشان باز است. پیام من به مردم ایران هم این است، اولا: ما به تاریخ و سنن شما احترام می‌گذاریم. این دولت شماست که شما را از سایر جهان منزوی کرده است. تصمیمی که دولت شما گرفته، باعث شده شما برای تهیه غذا با مشکل روبه‌رو شوید. خانواده شما در رسیدن به آرزوهایشان با مشکل روبه‌رو می‌گردد. برای مردم ایران چشم‌انداز بهتری نسبت به‌داشتن دولتی غیرشفاف، وجود دارد، دولتی که برنامه خود را مخفی کرده و حاضر نیست به خواست اکثر جهان متمدن گوش دهد و برنامه خود را متوقف کند. جالب این‌جاست که روسیه امروز مواد غنی‌سازی شده به ایران ارسال کرد یا در حال ارسال است تا بتوانند در برنامه غیرنظامی خود استفاده کنند. اگر این‌طور باشد، و اگر روسیه حاضر باشد این کار را بکند، که من البته از آن حمایت می‌کنم، آن‌وقت ایران نیازی به‌فراگرفتن دانش غنی‌سازی ندارد. اگر ایران این اورانیوم را برای نیروگاه اتمی خود بپذیرد، دیگر نیازی به یادگیری دانش غنی‌سازی نیست(سایت کاخ سفید ۲۷آذر۸۶).

رسوایی مأموران وزارت اطلاعات

در رابطه با تماس دغلکارانه با شعبه صلیب سرخ در شهر بن (آلمان)

وزارت اطلاعات در تاریخ ۲۹ نوامبر۲۰۰۷ عکس دو تن از مأموران اعزامی گشتاپوی ملایان به اسامی ادوارد ترمادویان و علی قشقاوی را در کنار سرپرست بخش خانواده در دفتر صلیب سرخ در شهر بن همراه با اراجیف رایج آخوندها علیه مجاهدین روی سایتهایش گذاشت.

این دو مزدور، تحت عنوان یکی از انجمنهای پوشش وزارت اطلاعات درکلن به نام «انجمن ایران سبز»، از سرپرست فوق‌الذکر تقاضای دیدار کرده بودند تا از او بخواهند به وضعیت «افراد ناراضی مجاهدین» در اشرف رسیدگی کند!

درشرایطی که حمایت بیش از ۳۰۰،۰۰۰ تن از شیعیان جنوب عراق از مجاهدین و پیروزی مجاهدین در دادگاه انگلستان در ادامه دیگر پیروزیهای مقاومت، رژیم آخوندی را سراسیمه کرده، وزارت اطلاعات برای روحیه دادن به نیروهای وارفته رژیم، با دغلکاری و با به‌جان خریدن هر فضاحت و رسوایی، مزدوران بد نام خود را به سراغ شعبه صلیب سرخ در بن می‌فرستد تا به بهانه آن مشتی اراجیف تکراری خود را علیه مجاهدین روی سایتهایش بگذارد.

به قرار اطلاع، شماری از خانواده‌های مجاهدین اشرف و هواداران مقاومت با مراجعات حضوری و ارسال نامه و ایمیل برای مسئولان صلیب سرخ در آلمان، خواستار توضیح در این رابطه شده‌اند. سرپرست بخش خانواده در دفتر صلیب سرخ در بن، پس از اطلاع از ماهیت و سوءاستفاده مزدوران نامبرده از صلیب سرخ، از آنها می‌خواهد که مطالب مربوط به این دیدار را از روی سایتشان حذف نمایند.

آقای مهدی اخیانی که بستگانش در اشرف هستند، از جمله کسانی است که با شعبه صلیب سرخ در بن و سرپرست بخش خانواده این شعبه تماس و نامه‌نگاری داشته و پاسخ روشنگرانه سرپرست فوق‌الذکر را دریافت کرده است.

آقای مهدی اخیانی با ارسال نامه‌یی برای نشریه مجاهد ماوقع را توضیح داده است.

متن این نامه به شرح زیر است:

«به سردبیر محترم نشریه مجاهد

چند روز قبل بر روی یکی از سایتهای انجمنهای پوششی وزارت اطلاعات موسوم به «ایران سبز» خواندم که دو تن از مأموران رژیم با سرپرست بخش خانواده در شعبه صلیب سرخ در بن در مورد مجاهدین مستقر در اشرف ملاقات داشته‌اند که در آن به دروغپردازی درمورد رزمندگان ارتش آزادیبخش و خانواده‌های مجاهدین پرداخته بودند. کپی همین گزارش عیناً روی سایتهای زنجیره‌یی وزارت اطلاعات از قبیل «ایران اینترلینک» و «آوا» و ...گذاشته شده بود.

از آن‌جا که بستگان و آشنایانم در ارتش آزادیبخش هستند، بلافاصله طی تماسی با شعبه صلیب سرخ در شهر بن و از طریق نامه‌یی به سرپرست بخش خانواده در این شعبه، در مورد ملاقات آن با مأموران وزارت اطلاعات تحت عنوان خانواده رزمندگان ارتش آزادیبخش اعتراض کردم. سرپرست فوق‌الذکر در پاسخ من، نامه‌یی ارسال کرد. در این نامه آمده است:

«از عکس‌العمل شما در ارتباط با گزارش انجمن فوق [ایران سبز]درمورد تبادل نظر با دو تن از نمایندگانمان از شما تشکر می‌کنیم. لطفاً در نظر داشته باشید که صلیب سرخ به‌عنوان یک سازمان بی‌طرف خواهش هیچ‌کس در مورد گفتگو را رد نمی‌کند. اما مواظب است که مورد سوءاستفاده ابزاری قرار نگیرد. به همین دلیل سریعاً از انجمن مذکور خواستیم که یکی دیگر از دوستانم که اقوام نزدیکش در شهر اشرف حضور دارند نیز با سرپرست بخش خانواده در دفتر صلیب سرخ در شهر بن، در همین زمینه تماس و گفتگوی تلفنی داشته که سرپرست مزبور در پاسخ به اعتراض او، توضیح می‌دهد که آن دو نفر، خودشان را از انجمن سبز معرفی می‌کرده و بعد با دغلکاری، عکس و گزارشی را در مورد این دیدار روی سایتشان گذاشته‌اند. سرپرست مزبور ادامه می‌دهد که پس از اطلاع از این دغلکاری، آنها را موظف به حذف این مطالب از روی سایت‌شان نموده و به آنها هشدار می‌دهد که اگر این کار را نکنند، به اقدام حقوقی متوسل شده وشکایت خواهد کرد...

در خلال این تماسها و تبادل نامه‌ها با مسئولین صلیب سرخ و روشن شدن دغلکاریها و حقه‌بازیهای مزدوران در این ماجرا، بیش از پیش توجهم به این واقعیت جلب شد که رژیم آخوندی در زیر فشار ضربات و در مواجهه با پیروزیهای مقاومت، به‌صورت دیوانه‌واری به عکس‌العمل افتاده و از جمله مذبوحانه تلاش می‌کند با بکارگیری مأموران و لابیهایش و با توسل به هر شیوه‌یی، با پیشرویهای مجاهدین و مقاومت مقابله کند. تشبثاتی که جز رسوایی بیشتر برای خودش حاصلی به‌بار نمی‌آورد.

مهدی اخیانی ـ هامبورگ
«۲۳آذر ۱۳۸۶– ۱۴ دسامبر ۲۰۰۷»

درباره دو مزدور اعزامی به صلیب سرخ

"علی قشقاوی" و"ادوارد ترمودیان" دوتن از مزدوران جنوبی وزارت اطلاعات هستند که گشتاپوی ملایان چند سال پیش آنها را به همراه شماردیگری ازمأموران خود به خارج کشور اعزام کرده است، و هویت و سوابق و مواضع آنها به عنوان مأموران وزارت اطلاعات ازچند سال قبل افشاگردیده است. برای آشنایی بیشتر با این مزدوران و همچنین شگردهای دجالانه وزارت اطلاعات آخوندی که برای کتمان ماهیت و وابستگی مأمورانش به رژیم، آنها را تحت عنوان انجمنهای پوششی و یا به‌کارگیری انواع فریبکاریها و دروغپردازیها سراغ افراد و ارگانهای خارجی از جمله صلیب سرخ می‌فرستد، به‌ضمیمی ازسوابق و عملکردهای این دومزدور می‌پردازیم.

مزدور علی قشقاوی

علی قشقاوی در سال ۱۳۵۰ به خدمت ارگان سرکوبگر «سیج» (وابسته به سپاه پاسداران) در شهر بابل درآمد و در سال ۱۳۷۲ توسط اداره اطلاعات شهر جهرد استخدام شد. سپس برای نفوذ و ترور به صفوف مقاومت اعزام گردید. وی از مأموراتی است که دوره آموزشهای تروریستی، تهیه بمبهای دستی و عملیات انفجاری را در مراکز سرویس مخفی رژیم گذرانده است. وی مدتی پس از نفوذ به صفوف مقاومت، لو رفت و طرحهایش کشف گردید. و درهمین رابطه بازداشت شد و متعاقباً به ایران برگردانده شد.

علی قشقاوی پس از برملا شدن وابستگیش به وزارت اطلاعات در نزد مقاومت ایران، به مأموریتش برای گشتاپوی ملایان اعتراف کرد. در سند زیر که به خط و امضای خود وی می‌باشد، نحوه توجیه و ابلاغ مأموریتهایش در ارتش آزادیبخش توسط کارگزاران وزارت اطلاعات را توضیح داده است:

«در جلسه‌یی که در اواخر فروردین ۷۲ در اطلاعات بابل حاجی آقا رضاپور و معاونش قربانعلی صادقی و سیدمصطفی سیدعلی‌پور با من داشتند در این زمینه توجیه شدم. به من گفتند سعی کن در جاها و مکانهایی که رهبری سازمان بیشترین رفت و آمد دارد و ظاهر می‌شود را برای ترور انتخاب کن. مثلاً گفتند [در] سالن اجتماعات، رهبری آنان بیشتر ظاهر می‌شود که لازمه آن برای ترور این است شناسایی دقیق کنید که راه ورود سلاح و مهمات را برای خودت پیدا کنید و گفتند که این کار هم با چند بار شناسایی انجام می‌شود که بعد از این که مطمئن شدی که می‌توانی سلاح را به داخل سالن اجتماعات وارد کنی اقدام کن. و گفتند که سلاح را از جای [جایی] تهیه کن که آمار و ارقام و حساب و کتاب دستشان نباشد و گفتند اگر سلاح به دست آوردی در جای [جایی] قایم کن که مسیر تردد انسانها نباشد. و گفتند یکی از جاهای [جاهایی] که احتمال زیاد است که رهبری آنان بیاید در مراسمهای خاصی که از قبل مشغول تدارک دیدن می‌باشند است که در چنین شرایطی آماده‌گی [آمادگی] برای عملیات انتحاری را داشته باشی چون که در چنین شرایطی اکثراً بیرون از مسقفی می‌باشد که در چنین شرایطی معمولاً کنترل جمعیت مشکل است. «در ضمن منظورم از جمله بالای این خط این است که در گفتند اگر سلاح نهایتاً گیر نیاوردی با کاتر هم شده قرصت را از دست نده برای ترورکردن، و به من گفتند بعد از انجام مأموریت سعی کن فرار کن.

علی قشقاوی»

علی قشقاوی، پس از لو رفتن ماهیتش به عنوان یک مأمور نفوذی وزارت اطلاعات در ارتش آزادیبخش و اخراج و بازگشت به ایران، برای انجام مأموریتهای خارج کشوری وزارت اطلاعات علیه مقاومت انتخاب شد و به این منظور در ژانویه ۲۰۰۲ مانند دیگر مأموران اعزامی نظیر محمدحسین سبحانی، بهزاد علیشاهی، ادهم طیبی و... پس از طی دوره‌های آموزشی جدید در هتل مرمر تهران (محل ثابت آموزشها و توجیهات ماموران خارج کشوری وزارت اطلاعات) به اروپا فرستاده شد. علی قشقاوی نیز مثل اغلب مأموران اعزامی از ایران به خارجه، مدعی فرار از زندان اطلاعات رژیم شد. در گزارش و درخواست یکی از مأموران رژیم به نام «رامین دارمی» که نفر تیم محمدحسین سبحانی در هتل بوده و خطاب به یکی از کارگزاران وزارت اطلاعات به نام حاج سعید نوشته، به علی قشقاوی هم اشاره کرده است: «طی مدتی که در هتل مرمر بودیم. سرتیم من برادر محمدحسین سبحانی بود که به همراه علی قشقاوی، طالب جلیلیان و علی اشرفی در یک تیم‌بندی قرارگرفته بودیم. برادران اطلاعات روزانه نزد ما می‌آمدند و هر مشکلی که داشتیم حل می‌کردند ...»

علی قشقاوی پس از اعزام شدن به خارج کشور و مستقر شدن در آلمان در کنار سایر مأموران خارج کشوری وزارت اطلاعات مانند علی اکبر راستگو، کریم حقی، مسعود خدابنده و محمدحسین سبحانی... به انجام مأموریتهای محوله علیه مقاومت مشغول شد. از جمله همزمان با برگزاری اجلاس شورای حقوق‌بشر در ژنو (سپتامبر۲۰۰۶) قشقاوی در اکیپ این مأموران، آکسیونی برضد مقاومت در خیابانهای اطراف تشکیل دادند تا در آن مدعی نقض حقوق بشر در سازمان مجاهدین شوند و از کمیسیون حقوق بشر بخواهند که به‌جای رژیم جنایتکار آخوندی مجاهدین را محکوم کند.

علی قشقاوی یکی از ۱۲مأموری است که در پروژه مشترک وزارت اطلاعات و لابی رژیم در دیدبان حقوق‌بشر (اگری سیک و...) با هدف ممانعت از خروج مجاهدین از لیست تروریستی، به‌کار گرفته شدند تا با فرافکنی و نسبت دادن جنایات رژیم، به زعم خود برگ حقوق بشر را علیه مجاهدین برگردانند. قشقاوی مزدور که همچون ۱۱ مأمور دیگر اطلاعات آخوندی، طی تماس تلفنی فرمایشی خود با دیدبان حقوق بشر، دقیقاً همان شکنجه‌هایی را که خودش درسپاه پاسداران و وزارت اطلاعات بر روی زندانیان سیاسی و به‌خصوص مجاهدین اعمال می‌کرده، به‌عنوان شکنجه‌های مجاهدین علیه خودش توصیف کرده است.

همچنان‌که می‌دانید پروژه مشترک وزارت اطلاعات و لابی رژیم در دیدبان حقوق بشر علیه مجاهدین، با واکنشهای شدید و موج گسترده محکومیت از سوی مدافعان صدیق حقوق بشر و بسیاری از پارلمانترها و حقوقدانان شریف در کشورهای مختلف جهان مواجه گردید. و شکست و رسوایی ننگینی را برای گردانندگان آن بوجود آورد.

یک نمونه آن، گزارش مستند و تحقیقی هیأت پارلمان اروپاست که محصول سفر این هیأت به عراق و تحقیقات حضوری چند روزه آن در اشرف می‌باشد. تحقیقاتی که بطلان تمامیت گزارش مغرضانه دیدبان علیه مجاهدین را همراه با افشای ۱۲مزدور به‌کار گرفته شده در آن، به‌طور مستند و عینی به اثبات رسانده است.

وزارت اطلاعات برای علی قشقاوی سایتی به نام «ایران سبز» و انجمنی به همین نام در آلمان تأسیس کرد تا به‌وسیله این ارگانهای پوششی، کارزار اهریمن‌سازی خود علیه مقاومت ایران را تحت عنوان «فعالیتهای حقوق بشری» که توسط «اعضای سابق مجاهدین»، به‌اصطلاح مستقل از رژیم، انجام می‌شود، گسترش دهد.

مزدور ادوارد ترمادویان

ادوارد ترمادویان یکی دیگر از مأموران اعزامی وزارت اطلاعات به خارج کشور است. وی پس از رفتن به سربازی در دوران جنگ ایران و عراق، در مهر ماه ۵۹ در جبهه سربل‌ذهاب به‌دست نیروهای عراقی اسیر شد. او در دوران اسارت هوادار سازمان مجاهدین می‌شود و در خرداد۶۸ به‌درخواست خودش از اردوگاه اسرا به ارتش آزادیبخش ملی ایران می‌پیوندد. شماره ثبت او در نزد صلیب سرخ ۶۸۶۵ است.

وی طی مدتی که در ارتش آزادیبخش ملی ایران بود تخلفات زیادی مرتکب شده که چندین بار حکم اخراج داشته است و هربار با التماس و درخواست و متعهد شدن، تقاضای ماندن در صفوف ارتش آزادیبخش می‌نمود. اما نهایتاً به‌خاطر جرایم اخلاقی که شرح آن به خط و امضای خودش موجود است از ارتش آزادیبخش اخراج گردید.

از آن جا که او یک اسیر سابق جنگی بود، خودش ترجیح داد که به صورت قانونی و از طریق دولت عراق به ایران برود.(بهمن ۱۳۸۰) او در هنگام خروج تصریح نمود که در ارتش آزادیبخش ملی «کلیه امکانات رفاهی» به او اختصاص داده شده بود» و از این بابت تشکر و قدردانی کرده بود:

«اینجانب ادوارد ترمادویان فرزند مادانو، امروز شنبه تاریخ ۸۰،۱۰،۱ که به‌دنبال تقاضای خودم مبنی بر بازگشت قانونی به ایران عازم هستم لازم می‌دانم از همه زحماتی که طی دوران اقامتم در خروجی ارتش آزادیبخش برای رفاع (رفاه) و آسایش من کشیده شد، تشکر و قدردانی کنم . به‌خصوص این‌که طی این مدت کلیه امکانات رفاعی (رفاهی) به‌عنوان یک میهمان به من اختصاص داده شد و اکنون نیز سازمان ما کزیمم انرژی و هزینه و امکانات را جهت بازگشت من به ایران فراهم نموده است.

بدین طریق اقدامات و تبلیغات آنها برضد مقاومت را بی‌رابطه با رژیم جلزاند.

–شرکت در آکسیونها و کنفرانسهای فرمایشی وزارت اطلاعات در کشورهای مختلف علیه مجاهدین و مقاومت ایران از جمله در فرانسه در سالگرد ۱۷ ژوئن

شرکت در نامه‌نگاریهای سفارشی وزارت اطلاعات همراه با سایر مزدوران، از جمله برای دولت عراق با مضمون درخواست اخراج و استرداد مجاهدین مستقر در این کشور»

ادوارد ترمادویان ۸۰/۱۰/۱».

ادوارد ترمادویان پس از بازگشت به ایران، در سال ۱۳۸۱ توسط وزارت اطلاعات به خدمت گرفته شد و همکاریش را با گشتاپوی ملایان شروع کرد. در همین سال وزارت اطلاعات با توجه به مسیحی بودن وی سناریویی ساخت تا وی را جهت به‌کارگیری علیه مجاهدین خلق ایران راهی اروپا کند. پایه این طرحها بر مسیحی بودن او استوار بود تا وانمود کند که در ارتش آزادیبخش آزادی مذهب او نقض شده است.

وزارت اطلاعات برای این طرح انرژی خاص اختصاص داد. ترمادویان همراه با محمدحسین سبحانی توسط یکی از بازجویان این وزارتخانه به نام حاج غلامی در هتل مرمر تهران، در یک مرحله به‌مدت ۱۰ روز متمرکز توجیه شدند و آموزش دیدند، تا بتوانند طرحهای وزارت اطلاعات علیه مقاومت و مجاهدین را در اروپا به‌پیش ببرند. سپس ترمادویان را به سوئیس اعزام کردند و برایش پناهندگی گرفتند.

در سوئیس عده‌یی از پناهندگان سیاسی ایرانی که از ماموریت او و سایر افراد تیم وزارت اطلاعات مطلع شده بودند به حضور آنها در جمع ایرانیان و پناهندگان سیاسی اعتراض نموده و شکایت خود را به‌کمیساریای عالی پناهندگی ملل متحده، در برن اعلام کردند. وی متعاقباً در آلمان اقامت گزید.

ترمادویان درحال حاضر همراه با سایر مأموران خارج کشوری وزارت اطلاعات در کارزار اهریمن‌سازی ملایان علیه مقاومت در کشورهای مختلف اروپا به‌ویژه در آلمان و فرانسه و سوئیس شرکت فعال دارد. برخی اقدامات وی طی این مدت عبارتند از:

– عضویت در یک انجمن پوششی وزارت اطلاعات به نام «کانون آزادیخواهان و پناهندگان ایران» که جهت سفیدسازی مأموریتش (با باندرول ضد رژیم) تأسیس شده تا

اعترافات علی قشقاوی به مأموریت نفوذ در ارتش آزادیبخش برای خرابکاری و ترور

بحران اتمی، بحران فوتبال

به‌دنبال اولتیماتوم فیفا، احمدی‌نژاد از علی‌آبادی خواست از کاندیداتوری فدراسیون فوتبال کنار بکشد

● ملاها یک سال است فیفا را علاف کرده‌اند، یکسال و نیم است رئیس فدراسیون فوتبال ندارند، ماههاست تیم ملی بدون مربی است و هنوز لیست بازیکنان ایران برای شرکت در مسابقات مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۰ به‌فیفا داده نشده است

●احمدی‌نژاد: متأسفانه افرادی از مسائل ایجاد شده سوءاستفاده کردند و منافع ملی فوتبال و ورزش را در نظر نگرفتند تا یک بنگاه که ربطی به سازمان ملل و سایر نهادهای بین‌المللی ندارد و البته ما برای آن احترام قائل هستیم در امور ما دخالت کند. هرچند که ما به قوانین و مقررات جهانی احترام می‌گذاریم و از نظر اساسنامه‌یی هیچ معنی برای حضور علی‌آبادی در عرصه انتخابات فوتبال وجود نداشت، اما در مقطع حاضر از رئیس سازمان خواستم تا از عرصه انتخابات کنار بکشد

حسن نایب آقا

هیولایی در مرداب یا بختکی بدسگال، رژیم آخوندی همانند جرثومه‌یی از ننگ و کثافت برچهرهٔ جامعه جهانی خودنمایی می‌کند. چندسال است که دوویلین، شیراک، استرلو، سولانا و یک دوجین مقام و مسئول حریص اروپایی و غربی، علاف و آواره پایتختهای مختلف دنیا هستند تا آخوند روحانی با علی لاریجانی، آنها را حسرت بدل توفف غنی‌سازی اورانیوم باقی بگذارند. سولانا ابایی نداشت که در روز ۳۰نوامبر ۲۰۰۷، پس از چند ساعت سروکله‌زدن با سعید جلیلی، ناله سر دهد که «بعد از ضاعت گفتگو باید تأیید کنم که کاملا سرخورده و مأیوس هستم»!

بیست و چندسال است که ملاها اکثر شهرهای جهان، از تهران، بغداد، بیروت و ریاض تا پاریس، برلین، لندن، بونتوس‌آیرس و... هرجای دیگری که دستشان رسیده است را با انفجار و کشتار، به‌خاک و خون کشیده‌اند، با این حال هنوز دولتهای معاشاتگر غربی، می‌گویند اسناد کافی برای بردن پرونده جنایات این رژیم «یاغی و وحشی» به‌شورای امنیت ملل متحد در دست ندارند. زیرا هنوز در لابه‌لای ریش و پشمهای متعفن آخوندها، به‌دنبال میلیاردها دلار پول چپاول‌شده و خون مردم بی‌دفاع و بی‌گناه ایران می‌گردند.

جهوم خاورمیانه و جهان، از زمان روی‌کارآمدن خمینی در ایران، به‌کلی دگرگون شده و میزان قتل‌وغارت، کشتار و بمباران و انفجار، سراسر منطقه و شهرهای جهان را فراگرفته است. اما هنوز که هنوز است حکومتهای غربی از بر بزان آوردن کلمه «تغییر رژیم» در ایران بهشدت ابا دارند. اگرچه مقاومت ایران بارها اعلام کرده است که این امر ـ با بعزبان ما ایرانیها «مرنگونی رژیم»ـ تنها در صلاحیت و ظرفیت مردم ایران است و بس و هیچ انتظاری از آقایان جز رفع زحمت از سر مردم و مقاومت ایران، نمی‌رود.

معجزه ملاها، اما، در همهٔ زمینه‌ها، در این است که قادرند طرف حسابهای داخلی و خارجی خود را به‌امعاق لجنزار کشیده و آنها را وادار سازند تا براین ترازدی تعفن و تنفر، لباس و پروتکل امروزی بپوشانند. بیش از یکسال است که فیفا، فدراسیون بین‌المللی فوتبال، در پهنه‌های مختلف با آخوندها و مأموران ریز و درشت آن سروکله می‌زند تا معضل فوتبال ایران را حل نماید.

درست از زمان برکناری تحقیرآمیز محمد دادکان توسط علی‌آبادی، از سمت ریاست فدراسیون فوتبال، در جریان بازیهای جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان، صابون این رژیم به‌تن فیفا و مقامهای آن هم خورد. اقدامی فوق‌العاده عجیب و غیرمنتظره که تنها از یک دیکتاتوری، پایسگرای قرون وسطایی برمی‌آمد. آخر چه‌طور می‌شد رئیسِ فدراسیونی را که بزعم فیفا قرار بود مستقل باشد، توسط یک نفر، که از قضا معلون اخلاقی‌زدن آن است، از طریق مطبوعات برکنار کرد؟!

اما زمانی که با حکم فیفا مبنی بر تعلیق عضویت علی‌آبادی، از سمت ریاست فدراسیون فوتبال، در جریان بازیهای جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان، صابون این رژیم به‌تن فیفا و مقامهای آن هم خورد. اقدامی فوق‌العاده عجیب و غیرمنتظره که تنها از یک دیکتاتوری، پایسگرای قرون وسطایی برمی‌آمد. آخر چه‌طور می‌شد رئیسِ فدراسیونی را که بزعم فیفا قرار بود مستقل باشد، توسط یک نفر، که از قضا معلون اخلاقی‌زدن آن سروکله می‌زند تا برکنار کرد؟!

اما زمانی که با حکم فیفا مبنی بر تعلیق عضویت علی‌آبادی، از سمت ریاست فدراسیون فوتبال، در جریان بازیهای جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان، صابون این رژیم به‌تن فیفا و مقامهای آن هم خورد. اقدامی فوق‌العاده عجیب و غیرمنتظره که تنها از یک دیکتاتوری، پایسگرای قرون وسطایی برمی‌آمد. آخر چه‌طور می‌شد رئیسِ فدراسیونی را که بزعم فیفا قرار بود مستقل باشد، توسط یک نفر، که از قضا معلون اخلاقی‌زدن آن سروکله می‌زند تا برکنار کرد؟!

درست از زمان برکناری تحقیرآمیز محمد دادکان توسط علی‌آبادی، از سمت ریاست فدراسیون فوتبال، در جریان بازیهای جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان، صابون این رژیم به‌تن فیفا و مقامهای آن هم خورد. اقدامی فوق‌العاده عجیب و غیرمنتظره که تنها از یک دیکتاتوری، پایسگرای قرون وسطایی برمی‌آمد. آخر چه‌طور می‌شد رئیسِ فدراسیونی را که بزعم فیفا قرار بود مستقل باشد، توسط یک نفر، که از قضا معلون اخلاقی‌زدن آن سروکله می‌زند تا برکنار کرد؟!

فدراسیون فوتبال به‌وجود آمده بود، با ورود علی‌آبادی، به‌عنوان مهره احمدی‌نژاد، قمر در عقرب شد. برخی مانند داریوش مصطفوی، اوضاع را پس دیده و از کاندیداتوری ریاست فدراسیون کنار کشیدند. تکلیف بقیه بازماندگان را هم در جریان تعیین صلاحیت در مجمع فدراسیون فوتبال و کمیته انتقالی روشن کردند. تا در آخر تنها علی‌آبادی و کفاشیان، برای کاندیداتوری ریاست باقی بمانند. برای آن که بدانیم رد صلاحیتها تا چه سطوحی بوده است، فقط کافی است بدانیم «سردار آجرلو»، رئیس پاسدار و جانی باشگاه تیم پاس، نیز رد صلاحیت شده بود.

منوچهر صالحی، یکی دیگر از رد صلاحیت‌شده‌ها، به‌خبرنگاران گفت: «در خصوص انتخابات فدراسیون فوتبال حرف زیاد است. زمانی که تنها آقایان علی آبادی و کفاشیان برای رقابت در مجمع عمومی فدراسیون فوتبال انتخاب می‌شوند حتما در فوتبال ما آدمی نبوده است که بتواند ریاست فدراسیون را قبول کند.»

روزنامه ایران ورزشی از قول وی نوشت انتخاب محمد علی‌آبادی و علی کفاشیان برای حضور در مجمع عمومی فدراسیون فوتبال با سناریویی از پیش تعیین شده شکل گرفت: «این خروجی متفکران ورزش ماست. در شرایطی که هیأتهای فوتبال و تیمهای لیگ برتری دولتی هستند مشخص است که مسئولان سازمان با یک تلفن می‌توانستند رأی آنها را برگردانند. من و دیگر افراد متقاضی حضور در انتخابات فدراسیون فوتبال افراد نامحرمی در انقلاب نیستیم. ما در عرصه های مختلف توانایی خود را به اثبات رسانده‌ایم».

حسن بیادی، عضو هیأت مدیره باشگاه پرسپولیس، که از ابادی آخوندها به‌شمار می‌رود، پس از رد صلاحیت به‌روزنامه ایران ورزشی گفت «اساسنامه جدید فدراسیون فوتبال درشرایطی کارایی دارد که رؤسای هیأتها و باشگاهها توسط بخش خصوصی اداره شوند در حالی که امروز نزدیک به ۹۵ درصد باشگاههای ما دولتی هستند و با وابستگیهایی به دولت دارند».

وقتی پته آخوندها در جنگ و دعوا برای تقسیم غنائم بستهای فدراسیون فوتبال در روزنامه‌ها علنی گشت، فیفا خطاریه‌های خود را برای همان کسانی که مسبب این گرداب متعفن بودند، صادر کرد و از جمله اعلام نمود که شرکت علی‌آبادی و معاونش، در انتخابات ریاست فدراسیون فوتبال را نمی‌پذیرد. علی‌آبادی هم که دید در صورت برگزاری انتخابات، فیفا آن را باطل خواهد کرد، آن را به‌تعویق انداخت تا با دوز و کلک جدیدی وارد میدان شود.

یک روز قبل از برگزاری انتخاباتی که بارها قول آن را داده بودند، ۱۲تن از کاندیداهای پستهای مختلف فدراسیون فوتبال، با هم استعفا کردند. صفایی فراهانی، رئیس کمیته انتقالی فدراسیون فوتبال، در روز ۱۸ مهر ۱۳۸۶، به‌خبرگزاری ایسنا گفت: به‌دلیل انصراف ۱۲ نفر از کاندیداها که سبب می‌شد در عمل ۷ پست بدون کاندیدا باقی بماند مجبور شدیم انتخابات را به تعویق بیندازیم. من امروز آمده بودم تا شرایط را برای برگزاری انتخابات آماده کنم اما، به طور ناگهانی با استعفاهای این افراد روبه‌رو شدم و به همین دلیل راهی نداریم جز آن‌که انتخابات را به تعویق بیندازیم».

بقیه در صفحه ۱۰

رازها و جذابیتهای پنهان زندگی

در حاشیه نمایشگاه نقاشی استاد بهرام عالیوندی در پاریس

بر پرده ها و بوم، آن گونه ترسیم می‌کند که احساس می‌کند، و آنچنان مرز واقعیت را درهم می‌ریزد که در نگاه اول تماشاگر تابلوهایش فکر می‌کند هیچ ترتیب و آدابی ندارد... اما در هرتابلو رازی نهفته است. جذابیتی پنهان که با نگاه دقیقتر به آن، بیننده را با خود می‌کشاند، می‌برد و یک دفعه بیننده تنها متوجه می‌شود که در جلو تعدادی دیگر تماشاگر ایستاده و مبهوت تابلویی چند در چند متر، و گاهی کوچکتر، سفید و سیاه با لایه هایی از نور و یا رنگین با فلسهایی تابان و خزنده. بهراستی در این بوم‌ها و پرده‌های سیاه و سفید و یا رنگین چه صبری نهفته است؟! چه پشتکاری و چه دقتی!؟ وسواسهای استاد آدم را متحیر می‌کند. وسواسهایی که حاکی از جدی گرفتن کار توسط نقاش است. کارلوس فونتنس (نویسنده برجسته مکزیکی) نوشته است: «این خودنمایی صرف است که ادعا کنیم چیزی ما را حیرت‌زده نمی‌کند. شاید بالاتر از خودنمایی، کودنی محض است» و بیننده تابلوهای استاد عالیوندی این خوشبختی را دارد که هیچگاه دچار کودنی نمی‌شود. یعنی، چه در یک تابلو، و چه در سیر تابلوهای مختلف، همواره دچار حیرت می‌شود. سؤال، پشت سؤال.

چرا، پشت چرا، در لایه های مختلف و مطلق فلسفهایی ریز و درشت. عبور نور از لایه‌های سیاهی.

در پشت هر تابلو نقاشی‌یی را می‌یابی ساکت و تلخ. جدی و عبوس. و چنان دریادلانه به تو نگاه می‌کند که انگار سالهای سال است با تو همسفر است و هست. حیرت‌آور است ولی به راستی این هنرمند پرکار که پیرانه سر، از هیچ ثانیه عمرش در نمی‌گذرد و دست از خلق برنمی‌دارد به واقع میزبان تو در سفر به تابلوهایش است. گاهی که خسته می‌شوی کنارت قرار می‌گیرد و با جمله‌یی به را نشانت می‌دهد. یعنی از حیرت به حیرتی دیگر تو را می‌کشاند. به سؤال جدید و کشف جدید. خاصیت تابلوهای عالیوندی همین است. تو را بیننده متفعل و بی‌احساس باقی نمی‌گذارد. به کشش و واکنش وادارت می‌کند. به سؤال جدیدمی‌رسی. همیشه علاوه بر دیدن یک نظم دقیق، از خودت می‌پرسی چرا این پا از چارچوب تابلو بیرون زده؟، چرا آن دست و آن گونه قرار نگرفته که در دنیای واقع، واقعاً هست. آن پرنده کیست؟ در چشمان کوچکش هراسی پیداست، و اکنون در آغوش زنی آرمیده است، راستی آن زن، با آن همه مهر، که در صورت و لهایش موج می زند، کیست؟ مادری؟ محبوبی؟ و یا تمثیلی؟ تمثیلی از یک زن ازلی و ابدی. باروری و پویایی اسطوره‌یی انسان که در تابلوهای دیگر تکرار شده است. یکبار با بوسه‌ای بر لب پرنده تابلو و بار دیگر، با گلی سرخ و یر پر در میان انبوه خطوط سیاه پرسیه‌اش.

آن کودک که به‌صورتی غیرمتعارف در آغوش زنی هست، آیا همان پرنده آشنا، که در تابلوهای دیگر هم دیده‌یی نیست؟ پاسخ را وقتی می‌یابی که تابلوها به انتها رسیده باشند. آن جاست که با حیرت بسیار کشف می کنی به راستی این خود زندگی است که دارد از بطن زوایای تاریک و روشن می‌رویند.

نمایشگاه اخیر استاد بهرام عالیوندی، در پاریس مثل همیشه با استقبال بسیار بازدیدکنندگان و دوستداران هنر مواجه شد.

این نمایشگاه از روز ۱ تا ۲۱دسامبر به مدت سه هفته در گالری (La Art Present) در یکی از معروفترین گالریهای پاریس برگزار شد و مورد توجه صاحبنظران و شهروندان فرانسوی قرار گرفت.

در این نمایشگاه که همراه با آثار دو نقاش دیگر فرانسوی بود ۱۵ اثر از تابلوهای استاد که در سال ۲۰۰۷ نقاشی شده به نمایش درآمد.

استاد در توضیح این آثار آنها را در رابطه با مقوله آزادی و برابری زن و مرد توصیف می‌کند.

تابلوی سیاه و سفید ، نقش بر پرده در ابعاد ۲۳۰ در ۷۰ سانتیمتر

یکی از بازدیدکنندگان گفت: «سبکی که استاد عالیوندی،از ۴۵ سال پیش دنبال می کند، استفاده از خط و نقطه سیاه و یا رنگهای مختلف برای ترسیم آثارش می‌باشد. متنفذین سبک ویژه نقاشی عالیوندی را «بهشت خط و نقطه» می‌نامند که یلی روحی و فرهنگی بین شرق و غرب است. هر تابلو تسلط عالیوندی را به تکنیک و فرهنگ و هنر سرزمین خویش به نمایش می‌گذارد.

این نمایشگاه در روز ۵ دسامبر با حضور اعضا و تعدادی از مسئولین کمیسیونهای شورای ملی مقاومت، و ایرانیان آزاده مقیم فرانسه و همچنین شهروندان فرانسوی، با تقدیم شاخه گلهایی به استاد بهرام عالیوندی و تقدیر از فعالیتهای هنری وی افتتاح گردید.

حرف اول را امروز عمامه می‌زند!

جمشید پیمان

آقای کریمی دستی به سیبلش کشید و گفت امروز می‌خواهم یک چیزی درباره سیلم برایتان تعریف کنم. راستی می‌دانید چرا این سیل چخماقی را پشت لبم نگه داشتم؟

بچه ها تقریباً یکصدا گفتند: آقا دروبیشا!

آقای کریمی خندید و گفت به جان خودتان من درویش نیستم این سیل هم علامت درویشی نیست. آخر توی این دور و زمانه که یک عده‌ای گذاشتن یک سیل کت و کلفت و گفتن هفت هشت تا یا هو و یا حق و ذکر یاعلی، یاعلی، خودشان را درویش جا می‌زنند و در عمل مایه بدنامی درویشان واقعی می‌شوند، برای من یک لافتا صرف نمی‌کند خودم را قاطی اینها کنم. البته داخل این طایفه هم مثل هر جماعت دیگری اصلی و بدلی، مخلوط هستند. برای همین هم من روزه شک دارنمی‌گیرم.

اما این سیل برای خودش سابقه‌یی تاریخی دارد. قضیه از این‌قراراست که چندین سال پیش ما همین‌جوری که خودمان را توی آینه تماشا می‌کردیم و مثل مرحوم شاه شهید، ناصرالدین شاه، قربان صدقه قیافه خودمان می‌رفتیم، با خودمان گفتیم چطوراست یک سیلی بگذاریم ببینیم به هیکلمان می‌آید یا نه. باین ترتیب سیل بنده پا به عرصه وجود گذاشت. سیل را عین علف خودرو به حال خودش گذاشتیم که بلند شود. هرچه که سیل بیشتر رشد می‌کرد من نسبت به آن بیشتر احساس صمیمیت می‌کردم. یک وقت چشم باز کردم و دیدم ازش خوشم می‌آید. اغلب باهاش بازی می‌کردم. همین باعث شد که تسبیح چرخاندن را کنار بگذارم. باین ترتیب از عادت ناجور تسبیح چرخاندن نجات پیدا کردم. البته بعضی وقتها به سرم می‌زد که بترانشش. آخر سیل آدم را یک کمی پیرتر نشان می‌دهد. من هم که دلم نمی‌خواست خودم را از تک و تای جوانی بیندازم، ولی به‌احترام همان خاصیت ترک عادتش پذیرایش شدم و باین ترتیب پشت لبم ماندگار شد.

این را هم بگویم که همان وقتها بین جوانهای پرجوش و خروش پس از جنگ جهانی، سیل گذاشتن مد شده بود. سیل هیتلری حسابی از دور خارج شده بود و جایش را داده بود به سیل استالینی. بیشتر توده اینها سیلی می‌گذاشتند که ارادتشان را به استالین نشان بدهند. البته در بین رهبران شوروی آدمهای سیل‌کلفت سرشناس کم نبودند. ولی از میان همه آنها سیل استالین حسابی گل کرده بود. از حق نگذریم، سیل استالین، هم خیلی قشنگ بود و هم با قد و بالا و چهره او تناسب داشت. حالا هم که استالین عمرش را به شما داده است، خوفدارانش این سنت مرضیه را حفظ کرده‌اند. خلاصه کنم، هر کس سیلی به اندازه یک بند انگشت وسط لبش را می‌گرفت، به طرفداری از هیتلر سرشناس می‌شد. هرکس سیل کت و کلفت داشت، اگر تا روی لب پائینش را می‌پوشاند می‌گفتند درویش است. اگر علاوه بر طول و عرض و ارتفاع، کلفتی آن از حدود سه سانت بیشتر می‌شد، می‌گفتند طرف آهل حق است. اگر فقط لب بالا را تسخیر می‌کرد و از دو طرف هم آویزان نبود، می‌گفتند باروتدهی هست. سیل من این وسط حالت بینابینی داشت. هم می‌شد آن را به قول شما علامت درویشی و اهل حق بودن دانست وهم می‌توانست بنده را منتسب به استالین بکند. روی همین حساب هم، عده‌یی خیال می‌کردند من هم تودیی هستم. من هم می‌گفتم غیبی ندارد. بگذار هر که هرچه دوست دارد فکر و خیال کند. من که سیل را برای خاطر کسی و چیزی نگذاشته‌ام که بخواهم از ترس لگد خوردن، آن را بتراشم.

دردسرتان ندهم، در جریان بگیر بگیرهای بعد از ماجرای بانزده بهمن که در دانشگاه به شاه تیرباران می‌شد و خداوکیلی معلوم نشد دست چه کسی پشت آن قضیه بود، سر توده‌یی‌ها قیمت پیدا کرد. آخر چو افتاده بود که کار کار توده‌ایها بوده است. ولی راست و دروغش را خدا می‌دانست و آنهائی که ترتیب ترور اعلیحضرت را داده بودند. خلاصه کنم، در آن بگیر و ببند پس از تیرانداری به اعلیحضرت، به سیل ما هم مشکوک شدند و ما را برای بازجویی بردند. کلانتری. می‌خواستند از من هیچ کاره، منی که سررشته کار خودم هم از دستم در رفته بود، دربیاورند که سر نخ سوءقصد به جان اعلیحضرت، دست کی بوده است.

توی کلانتری دو سه تا افسر دورماه کرده بودند و یک درمیان تهدیدم می‌کردند و اسامی رهبران حزب توده را می‌خواستند. من هم که واقعا چیزی نمی‌دانستم یک مشت جواب سربالا تحویلشان می‌دادم یکی از آنها که از طرز جواب دادنم لجش گرفته بود گفت: اگر اعلیحضرت دستور بفرمایند همه تان را همین امروز می‌کشیم بالای دار. نمی‌دانم چی شد که اختیار از دستم در رفت و گفتم سر کارا! کسی که می‌توانست چنین دستوراهایی بدهد، اعلیحضرت فقید بود. نه که مجبورشان کردند تشریف ببرند موریس. پسرشان با این دلرحمی، مگس را هم نمی‌توانند از روی دماغشان بپرانند چه رسد باین که بخواهند برای چند میلیون آسمان جل، فرمان اعدام صادر کنند.

حالا که یادم می‌آید و فکرش را می‌کنم می‌بینم در آن شرایط حرف خیلی ناجوری زده بودم. هنوز کلمه آخرم میان لهایم بود که طرف، حسابی جوش آورد و مثل یک گلوله آتش پرید طرف من. دستش را برد بالا که بخواباند بیخ گوشم. مچ دستش را در هوا گرفتم و گفتم لوطی آدم دانا به نیشتر نزند مشت! مچش را از دستم بیرون کشید و داد زد بزند این پدر سوخته مادر به خطای خائن را! به جفه اعلیحضرت قسم، می‌کشمت. آژدهاها ریختند سرم و تا می‌خوردم زیر باتون، له و لورده‌ام کردند. چنان خونین و مالینم کردند که هنوز پس از چندین سال، جای ضربه‌هایشان درد می‌کند. بعدش هم دو هفته تمام تداختند توی انفرادی که آب خنک بخورم. آن هم در سرمای زمستان. بعد از دو هفته هم که دیدند از من چیزی بهشان نمی‌ماسد ولم کردند. البته من هم در حقیقت چیزی هم نداشتم که به آنها بگویم.

موقعی که می‌خواستند آزادم کنند یک جناب سرهنگی که سعی می‌کرد خیلی مؤدب باشد گفت آقا شما که اهل این حرفها نیستید و این وصلهها به شما نمی‌چسبد، بهتراست سیبتان را بتراشید تا شما را با این نامردهای تودهیی خائن عوضی نگیرند. گفتم جناب سرهنگ از فهم و کمال و ادب شما بعید است که از این حرفها بزنید. آخر قرار باشد هرچه توی بدنمان هست چون شیه مال یک پاردانقلبی هست، حذفش کنیم که دیگر نه برای جنابعالی چیزی باقی می‌ماند و نه برای چاکرتان. جناب سرهنگ که بدل را محکم خورده بود، گفت درست می‌گویید، اما این سیل شما به سیل استالینی معروفست و در پرونده شما هم به‌خصوص ذکر شده است که با گذاشتن سیل استالینی تظاهر به تودهیی بودن می‌کنید و این‌طوری برای کمونیستهای بی‌دین تبلیغ می‌کنید. گفتم جناب سرهنگ اگر این سیل را به اندازه یک بند انگشت زیر دماغمان بگذاریم می‌گویند عاشق هیتلرست. اگر بند قطبالنبی کنیم می‌گویند مردک قرتی ادای کلارک گیبل را در می‌آورد. کلفتش کنیم می‌گویند طرفدار استالین است و تودهیی. کلفت‌ترش کنیم می‌گویند درویش است و علی‌اللهی. آخر اگر این سیل باعث اینهمه دردسر هست و اساس مملکت را بهم می‌ریزد، چرا اعلیحضرت امریه صادر نمی‌فرمایند که در این مملکت سیل گذاشتن قدغن بشود. همان‌طوری که مرحوم شاه فقید امریه صادر کردند که خانمها چادر سر نکنند یا مردها کلاه پهلوی سرشان بگذارند.

صحبت آقای کریمی به این‌جا که رسید رو کرد به ما و گفت بچه‌ها موضوع اتاق هفته دیگر را یادداشت کنید! روی تخته سیاه نوشت: چرا پدرتان سیبل دارد؟ چرا سیبل ندارد؟ بعد گفت از آن مخمصه که در رفتم با وجود این‌که از مرحوم استالین هیچ دلخوشی نداشتم و از توده‌ایها هم بدم می‌آمد، تصمیم گرفتم سیلم را حفظ کنم و حسابی بهش برسم.

ما می‌دانستیم پیمانه آقای کریمی خیلی آب می‌برد، اما آن روز دستمان آمد که خیلی هم گردن کلفت تشریف دارد. ضمن این که فهمیدیم سیبل آقای کریمی نه نشانه درویشی است و نه چپ بودن. یادش به خیر آن وقتها درویش بودن و چپ بودن و ملی‌گرا بودن حتی هیتلری بودن هم خیلی ساده بود و از روی همین نشانه‌ها به آسانی می‌شد تشخیص داد که طرف اهل کدام طایفه و قبیله‌یی هست. اتفاقی آن وقتها مثل حالا نبود که هر کی یک زنده باد مارکسی بگوید و یک جزوه از مائو بزند زیر بغلش و بگوید من چپی هستم. همین‌طور که الان کسی نمی‌تواند در مملکت ما آخوند خوب و بد را از هم تشخیص بدهد و تقریباً غیرممکن هست که بشود جنس اصلی را از بدلی جدا کرد، جنبش چپ هم چه‌جور همین گرفتاری شده است. یعنی آن‌قدر چپ بدلی فراوان شده است که چپی‌های پدر و مادردار و با ریشه داخلشان گم می‌شوند. اگر بیراه می‌گویم به راه راست هدایتم کنید. خدا وکیلی در همین ایران خودمان کم داریم کسانی را که از روی نوشته‌های مارکس و انگلس و لنین ثابت می‌کنند که با توجه به تحلیل مشخص از شرایط مشخص، برای مبارزه با امپریالیست‌های جهانخوار باید بدون هر اما و اگری از همین آخوندهای حاکم دفاع کرد؟ کم چپی داریم که به بهانه مخالفت با جنگ، رسماً زیر علم صلح‌خواهی آخوندها سینه می‌زند؟ کم چپ تحصیل‌کرده و استاد و مدرس داریم که حزب الله لبنان و حماس فلسطین و امثال اینها را صف مقدم جنبش مبارزه با امپریالیسم آمریکا جا می‌زنند و برایشان هورا می‌کشند و هرجا یابدهد برای آنها کف محکم می‌زنند؟

آن قدیمها پادش به خیر، دوره گرمی بازار حزب توده و سیبل در دسر ساز امثال آقای کریمی را می‌گویم، هزار جور چپ نداشتیم. در دنیا یک چپ سیبل‌دار بود، یعنی جناب استالین. یک چپ بی سیبل هم داشتیم که مائو بود. یک تیتو هم تازه سر از تخم در آورده بود که چپیها او را چپ نمی‌دانستند. راستیها هم او را راست به حساب نمی‌آوردند. درنتیجه سیبل‌داری و بی سیبلی‌اش هم روی کسی تاثیر نداشت. از هم اینها گذشته امروز در زیر سایه آخوند جماعت، دیگر این سیبل نیست که موقعیت سیاسی و اجتماعی تو را مشخص می‌کند. حرف اول را امروز عمامه می‌زند!

یادداشت

منوچهر هزارخانی

"امام"زاده دروغگو

از وقتی ماجراجویی هستیی رژیم آخوندها، همراه با ادا و اطوار تحریک‌آمیز احمدی‌نژاد و باند غالب، کار را در صحنه بین‌المللی به جاهای باریکی کشانده و نظام "مقدس" مربوطه را در انزوای بی‌سابقه‌یی قرارداده، "امام"زاده بنی‌صدر هم به اضطرار، خرقه رسالت اصلاح اوضاع جهان را از تن درآورده و برای انتقال نگرانی خود به زمامداران نظام، موقتاً نقش راسپوتین "در هجرت" برای دربار ولایت را، به‌عهده گرفته است. مدام به باندهای مختلف رژیم در مورد خطر جنگ و تحریم اقتصادی هشدار می‌دهد و آنها را از عواقب افراط و زیاده‌روی در تحریک دشمنان بر حذر می‌دارد ـ البته، طبق معمول خودش، از موضع یک معلم اخلاق پرمدعا و طلبکار در برابر شاگردان عنگ و ابله، منتهی، باز طبق معمول خودش، با نیت خدمتگذاری و حفظ نظام.

مثلا: «طرف ایران دست برنمی‌دارد از این تحریکات... یکی ماجرای موشک با برد ۲۰۰۰کیلومتر... خوب، ساختن موشک، بسیارخوب؛ لازم است که بگویی ما می‌خواهیم اسرائیل و آمریکا را بزنیم و از این سخنان تحریک‌آمیز؟!(مصاحبه با رادیو آزادگان، ۵دسامبر). البته، باز طبق معمول، یادش می‌رود که دارد نقش معلم اخلاق را بازی می‌کند و در پاسخ به سؤال رادیو فرانسه که: آیا شما صراحت را درسیاست تجویز می‌کنید؟ می‌گوید: «همین‌طور است. یک کشوری مثل ایران باید سیاست خارجی شفاف داشته باشد. این پنهانکاری جز به‌قصد سوءاستفاده توجیه دیگری ندارد ...» (مصاحبه با رادیو فرانسه، ۱۱دسامبر). با در تفسیر حرفهای حسن روحانی می‌گوید: «این قول ایشان پذیرفتن ادعای گزارش ۱۶سازمان اطلاعاتی آمریکا است که می‌گوید برنامه فعالیتهای اتمی را زیر فشار بین‌المللی متوقف کرده: ایشان نمی‌گوید ما درآن تاریخ برنامه تولید بمب اتمی داشتیم، اما می‌گوید زیر فشار این کار را کردیم؛ در واقع هم ادعای آمریکا را می‌پذیرد و هم دستاویز می‌دهد به حکومت بوش که بگوید از این پس هم این فشار باید وارد بشود». (همان مصاحبه با رادیو فرانسه).

شیفتگی اضافه‌وار"امام"زاده برای ترهات متناقض خودش وکینه‌توزی شتراته (یا امام‌گونه)اش برای غیر خودش، علی‌الخصوص برای مقاومت، البته برکسی پوشیده نیست. اما وقتی بساط مارگیریش را برای عقده‌گشایی پهن می‌کند و از موضع واقعی خودش، یعنی رأس مثلث "بیق"، صفحه حظ افتاده "مطلت زووپرست" را برای یارصدهزارم می‌گذارد، واقعاً مضحکت می‌شود: «دو دسته پهلوی‌طلب و گروه رجوی، به‌خصوص این گروه با دروغ‌سازی ایران را در معرض خطری بزرگ قرارداده‌اند. به‌خصوص گروه رجوی آلت فعل اسرائیل شد و گزارشهای دست‌ساخت دستگاه جاسوسی اسرائیل را مرتب بازگو کرد تا مگر افکارعمومی آمریکا با جنگ با ایران موافق شود. (انقلاب اسلامی، ۱۱دسامبر)

دروغگویی "امام"زاده تقریباً همان عظمتی را دارد که او برای شأن و منزلت خودش تصورمی‌کند. امروز، چهارسال پس ازشروع افشاگریهای مقاومت ایران در مورد پنهانکاری هستیی رژیم، حتی دیرباورترین دشمنان مقاومت، هم به اصالت، هم به درستی و دقت آن اعتراف کرده‌اند. به‌علاوه سخنگویان مقاومت طی این مدت، هربار در این مورد دهان گشوده‌اند، اول مخالفتشان با جنگ را یادآور شده‌اند و بعد حرفهای دیگرشان رازداده‌اند. کسی که منکر این حقیقت علنی وآشکار و هر لحظه قابل تحقیق است، چیزی جز کینه‌ورزی کور و بیمارگونه‌اش با مجاهدین را به‌نمایش نمی‌گذارد. و آنجا که جنگ با رژیم را «جنگ با ایران» تلقی می‌کند، نشان می‌دهد که این کینه‌ورزی کور ریشه عمیق آخوندی هم دارد.

با این همه، دروغگویی امام‌زاده، با همه عظمت وقاحتش، فقط خنده تمسخر برمی‌انگیزد و... شاید اندکی ترحم برای ایران عقده‌یی که مدام و بهر مناسبت می‌ترکد، ولی هیچ‌وقت خالی نمی‌شود.

اگر "امام"زاده بی‌صدر حاضر می‌شد از خر شیطان پایین بیاید و وجود بی‌دیلش را مرکز عالم هستی و نیازمند این همه اسم مستعاری که من چند تایشان را می‌شمارم (دوران مرجع، بیان پاریس، بیانه آزادی، منتخب شما، اندیشه قون ...) نداند، و خلاصه اگر می‌توانست به شرایط محدود و مفید بشری تن دردهد، آن وقت می‌شد برایش به‌عنوان "ملی ـ مذهبی" عقب‌افتادیی که در عصر جهانی‌شدن تازه به صرافت تمیز ایران از ایران افتاده است، جایی قائل شد. اما افسوس! هربار که قلم به‌دست می‌گیرد یا لب به سخن می‌گشاید، اصرار دارد ثابت کند که از گنداب آخوندی به بیرون پرتاب شده و آرزویی جز بازگشت به همان گنداب (منتهی در مقام مرجع!) را ندارد.

خوش‌خیالانی بوده‌اند که تصور می‌کردند با پایان گرفتن قرن بیستم، از مزاحمت "اندیشه قرن" مربوطه هم خلاص خواهند شد. حالا باید تاوان آن خوش خیالی بی‌جا را بدهند!

دوان بر قیر گداخته روزها...

عطر یاغی یاس
در کوچه‌های بی سایهٔ تابستان.
خون تو بویی دارد
سُریده بر صبوری دیوارهای یاد.
با این صدای پای گریزان
پر می‌شوم از فراموشیهای داغ آن روز
پر می شوم از بغض.

بغضهایی نهان در هزار توی برگها
میان شبانه تقویم
و سحرگاه انتظار.
عبور پیاپی کالسکه‌یی که جنازه‌یی را
به گورستان خلوت می برد.
سرما از کدام سوست که من
تغییر فصول انجماد را
در بوران خاطرات با نمایی از ابد
می‌بینم؟

سوز سیلی سرد وسوسه
در رگبار تکرّح بی‌زمان
بر گونه‌های گداخته
تا بخوانم تسلیم‌نامهٔ گل را
تا بخوانی ترانهٔ تردید را
در ساعات کسالت
در تانیه‌های مدور نبوت.

چه تابستانهای بی رمقی
خوابیده در تابوت زمستان!
و چه سرماهای موذی مهاجمی
که منجمد می‌کرد حقیقت را
در بن استخوان بازوهای بی عضله.
چه سالهای دیر، چه سالهای دوری!
پلاسیده در لابه‌لای تکرارهای
بیهودگی.

عطرهای عریان
در گرمای شرجی شبهای تابستان
سوختند
وقتی که روح یاغیها ترانهٔ نخلی
خشک بود
آتش گرفته در کوچه‌های بی حس
عابران.
دلتنگ بودم و عبوس
و پژواک صدایم در سبدهای خالی
پژمرد
تلختر از ترانه‌یی داغ
در قلب مجاور پرنده‌یی نشستم
که با عطرهایی از جنوب تابستان
در سرزمین پائیز مرد.

من اما عمری
با یاد و با بوی تو، در به در و عاصی
در مرداد‌های بی شهریور خواهم زیست
دوان بر قیر گداخته روزها
با آوازی بر قامت شاخه و ریشه
و بوسه بر شانه‌های برگ.

نخل جوان
در عطری عریان مست است
و شعله‌های خیابان
تکثیر خون تو
در شکفتن یک لالهٔ لال.
به یاد آن خواهر بی‌نشانم
که هیچ‌گاه با او حرف نزده بودم
اما آن روز که شعله‌ور دیدمش
همه چیز را به من گفت

کاظم مصطفوی

پاسدار رضایی تهدید کرد که ناگفته‌های جنگ را افشا خواهد کرد

پاسدار محسن رضایی سرکرده پیشین سپاه پاسداران در یک جدال باندی در آستانه نمایش انتخابات آخوندها، رقبا را تهدید کرد که ناگفته‌های جنگ ضدمیهنی را افشا خواهد کرد.

به گزارش خبرگزاری حکومتی فارس، اول دی ۸۶، وی در جمع خبرنگاران حکومتی گفت: ناگفته‌هایم از جنگ، عده‌یی را شگفت‌زده خواهد کرد. افزون بر یادداشتهایی که دارم، نامه‌های متعددی به امام نوشته بودم که بیش از ۴۰۰ صفحه است و در آن به طور شفاف مسائل آن زمان را تشریح کرده‌ام. علاوه بر آن ملاقاتهای زیادی با امام داشته‌ام و بیش از ۶۰ هزار نوار ضبط شده از اتاقهای جنگ دارم و این نوارها آن چنان حادثه جنگ را شفاف می‌کند که هیچ ابهامی باقی نماند.

وی با ابراز نگرانی از گزارش جامعه اطلاعاتی آمریکا گفت: در این‌که این گزارش نوعی عقب‌نشینی است و برای ایران امتیازی است جای شک نیست اما این‌که با چه قصدی و چرا اتفاق افتاده مهم است زیرا معلوم نیست که هر عقب‌نشینی به نفع ما باشد.

دبیر مجمع تشخیص مصلحت آخوندها، در ادامه این حملات باندی، به سیاست فریب طرفهای خارجی خواهان مذاکره با رژیم اذعان کر دو آن را شاهکار دانست و گفت: سولانا هر بار که با آقای لاریجانی مذاکره می‌کرد، با دست خالی اما امیدوار از جلسه خارج می‌شد.

منتجب‌نیا: دولت در هیچ زمینه‌یی چه داخلی و چه خارجی موفق نبوده است

منتجب‌نیا عضو مجلس ششم ارتجاع، در یک تسویه حساب باندی گفت: "دولت در هیچ زمینه‌یی چه داخلی و چه خارجی موفق نبوده است و به تشنج و فشار بین‌المللی علیه ایران نیز دامن زده است. مجلس‌هفتم نیز درباره گرانی و تورم نه تنها هیچ توفیقی نداشت، بلکه به دولت در افزایش تورم و افزایش نرخها و قیمتها کمک کرد و در حقیقت مجلس و دولت عامل فشار بر مردم هستند."

وی در مصاحبه با سایت حکومتی جهان در روز ۲ دی ۸۶، گفت: "در دولت نهم بیشتر تکیه بر زور و فشار است و کارها به صورت دستوری پیش می‌رود، هم کسی از وزرا یا استانداران و سایر مقامات، کمترین انتقاد را داشته باشند، سریعاً عزل می‌شوند. همه باید از سیاستهای دولت بی‌چون و چرا تبعیت کنند و کسی هم حق اعتراض نداشته باشد. این بدترین شرایطی است که می‌توان برای کشور از نظر انسداد سیاسی و بستن زبانها به‌وجود آورد".

جاده صافکنهای جنـــگ (۱۳)

درباره سیاست اپیزمنت غرب درمقابل فاشیسم در دهه سی قرن بیستم

«نطق هوآر [وزیر خارجه انگلستان]، با خصلت بنیادی و جامعیتی که داشت، به‌خصوص با بیان مواضع محکم، طبعاً تأثیری شورانگیز بر اجلاس عمومی جامعه ملل باقی گذاشت. به‌غیراز دو هیأت نمایندگی ـ ایتالیا و فرانسه ـ همه اعضای جامعه ملل حسابی روحیه گرفته و برانگیخته شده بودند. نماینده بلژیک پس از شنیدن سخنان هوآر گفته بود: "انگلیسیها تصمیم گرفته‌اند جلو موسولینی را بگیرند، درصورت لزوم حتی با قدرت اسلحه"»!

آنتونی ایدن، صفحه ۳۱۲ کتاب خاطرات

«دولت اعلیحضرت پادشاه در امر دفاع از یک پرنسیپ بزرگ [مقابله با تجاوز به یک عضو جامعه ملل] ناپرهیزی کرده و با سخنرانیهای شجاعانه و شورانگیز پنجاه ملت دیگر را هم به ایستادگی واداشته، دورخود جمع کرده بود. اما، وقتی روزموعود و پای عمل فرارسید، بالدوین [نخست وزیروقت بریتانیا] از گرفتن تصمیم لازم عاجز ماند و جازد... این‌طوری جامعه ملل را به یک مصیبت کامل دچارکردند، اگرنگوییم که تیرخلاص به آن زدند».

چرچیل، ص ۱۰۴ کتاب جنگ جهانی دوم

دکتر کریم قصیم

در ماه مارس ۱۹۳۵، نماینده حبشه، بالاخره پس از چندین بار توجه دادن و هشدار، سرانجام برپایه ماده ۱۵ اساسنامه جامعه ملل رسماً از ایتالیا شکایت و تقاضا کرد مسأله ادامه تهدیدات و خطر حمله ایتالیا به حبشه در اولین اجلاس جامعه مطرح و طبق آئین‌نامه به آن رسیدگی شود. با وجود کارشکنیهای فرانسه و تقاضای مداوم دیالوگ با موسولینی، سرانجام روال قانونی رسیدگی به این بحران فزاینده رسماً در دستور کار جامعه ملل قرارگرفت. ایدن، رئیس هیأت نمایندگی انگلستان، در پیشبرد کار این پرونده فعال بود. ایتالیا به انحاء مختلف اتلاف وقت می‌کرد. حتی وقتی نماینده حبشه در حضور شورای جامعه ملل (میز گرد معروف) شروع به اقامه دعوا کرد، نماینده ایتالیا بلند شد و جلسه را ترک نمود. این واکنش وی تأثیر خیلی بدی روی حاضران باقی گذاشت و حتی لاوال که قبلا با موسولینی سازشهایی کرده بود، از این کار ایتالیا سخت برآشفت.

بلوف روی بلوف!

درانگلستان اوائل ژوئن ۱۹۳۵، رمزی مک‌دونالد، نخست وزیر و جان سایمون وزیر خارجه به علت بیماری ازپست خود کناره‌گیری کردند. همان‌طور که انتظار می‌رفت، استانلی بالدوین نخست وزیر شد و سرساموئل هوآر پست وزارت خارجه را به عهده گرفت. وی نظامی قدیمی و سیاستمداری کارکشته بود که از زمان جنگ جهانی اول (آن زمان درماموریت ایتالیا) با سعی کرد با نامه‌نویسی و ارسال پیغام خصوصی او را به راه آورد. هوآر، با اعزام دیپلوماتهای وزارت خارجه و نیز نمایندگان رسمی توسط ایدن، مسیر گفتگو را باز نگهداشت و درخفا با ارائه پیشنهاد امتیازهای جغرافیایی و تغییر مرزها با حبشه تلاش کرد موافقت موسولینی را یا راه حل «مذاکره» کسب کند. ولی دیکتاتور ایتالیا با دفع‌الوقت می‌کرد و یا مطالبات غیرعملی پیش می‌کشید. در واقع، به طرف می‌فهماند که درحبشه دست باز می‌خواهد. از دولت انگلستان همان توقع را داشت که از لاوال و دولت فرانسه گرفته بود! فکرش این بود که بابت مواضعی که او تا آن‌وقت علیه آلمان هیتلری گرفته و درقضیه اتریش (۱۹۳۴)، حتی نیروی نظامی به گردنه برنر فرستاده، حالا قدرتهای غرب می‌باید هوایش را داشته باشند و دستش را در آفریقا و توسعه مستعمرات باز گذارند. موسولینی علناً می‌گفت حقوق جامعه ملل و امنیت جمعی شامل غیراروپا نمی‌شود.

در ماههای تابستان ۳۵ از یک سو کشمکش بین دولتهای انگلستان، فرانسه و ایتالیا بر سر هدفها و دامنه خواستهای موسولینی در حبشه ادامه یافت و از سوی دیگر افکار عمومی و جامعه ملل ـ در یک رابطه سیاسی و روانشناسی متقابل ـ از حرکتهای همدیگرتأثیر گرفته‌و جدیتر به‌بحران حبشه پرداختند. نیمه تابستان این‌طور می‌نمود که کل کابینه بالدوین، زیر فشار افکار عمومی برانگیخته کشور، صریحاً خواهان حل وفصل مسأله حبشه توسط مکانیسمهای جامعه ملل و حتی (در صورت حمله ایتالیا به حبشه) موافق ابزار تحریم هست. از آن جا که جامعه ملل رفته‌رفته نقش محوری پیدا کرده بود، وزیر امور خارجه جدید انگلستان به این فکر افتاد که با نطقی جامع و صریح شاید بتواند موسولینی را وادار به عقب نشینی کند.

اجلاس عمومی بعدی جامعه ملل قرار بود در ۱۲ سپتامبر در ژنو برگزار شود. هوآر از مدتها پیش متن نطق خود را با کمک چمبرلین تهیه و به رؤیت و موافقت اعضای کابینه و شخص نخست وزیر رسانده بود. ظاهراً، ضمن یکی دو تماس، به لاوال هم صریحاً گفته بود که:

«مورد حبشه در انگلستان به‌عنوان سنگ محک کارآئی اساسنامه جامعه ملل مد نظر است. اگر در این مورد اساسنامه مورد توجه قرار نگیرد و جدی گرفته نشود، آن‌گاه در یک زمان دیگر یقیناً نمی‌توان آن را جلو آلمان گذاشت و مراعات آن را طلب کرد.[1]

به ایدن هم یادآوری کرده بود امیدوار است کمیسیون پنجگانه جامعه ملل در تعیین تکلیف مسائل مورد اختلاف به یک نتیجه روشن برسد، و «این نتیجه‌گیری هرچه باشد استقلال حبشه باید حفظ شود و در این رابطه هر کاری که از جانب حبشه و جامعه ملل برمی‌آید نشود، آن‌گاه در یک زمان دیگر یقیناً نمی‌توان آن را جلو آلمان گذاشت و مراعات آن را طلب کرد.[1]

به ایدن هم یادآوری کرده بود امیدوار است کمیسیون پنجگانه جامعه ملل در تعیین تکلیف مسائل مورد اختلاف به یک نتیجه روشن برسد، و «این نتیجه‌گیری هرچه باشد استقلال حبشه باید حفظ شود و در این رابطه هر کاری که از جانب حبشه و جامعه ملل برمی‌آید

(از چپ) پیر لاوال ، موسولینی ، رمزی مک دونالد نخست وزیر انگلستان و پیر اتیه فلاندین - اول ژوئن ۱۹۳۵

گفته بود: "انگلیسها تصمیم گرفته‌اند جلو موسولینی را بگیرند، در صورت لزوم حتی با قدرت اسلحه"»[4]

اما، در ایتالیا موسولینی از این مواضع اصلا جانخورد که هیچ، با آشنایی که به فاکتها و اسرار پشت‌پرده داشت[5]، زُمت خشن به‌خود گرفت و یک کارزار بزرگ تبلیغاتی و تهدیدآمیز علیه بریتانیا به‌راه انداخت، طوری که چندی بعد سفیر انگلستان به لندن خبرمی‌دهد:

«... در رم همه جا شایع است که عنقریب ایتالیا به بریتانیای کبیر اعلام جنگ می‌کند...»[6]

ولی بعدها معلوم می‌شود که دو طرف فقط رجز می‌خوانده‌اند و به‌همدیگر بلوف می‌زده‌اند!

ایدن در خاطراتش راجع به این مسأله به دولت متبوع خود برخورد انتقادی می‌کند که در هیچ زمان به او و همکارانش در ژنو آگاهی نداده بودند که نطق وزیر خارجه‌شان درجامعه ملل صرفاً درحد «یک بلوف» بوده است و نه بیشتر:

«در هیچ زمانی به ما نگفته، یا به طریقی حتی اشاره نشده بود که این نطق هوآر یک نوع بلوف بوده که موسولینی را به تسلیم وادارد.... ما اگر این را می‌دانستیم مطمئناً جلو این کار احمقانه را می‌گرفتیم. موسولینی کسی نبود که از این جور کارها رودست بخورد و خودش را پای یک بلوف سیاسی، آن هم از جانب یک حریف لرزان، قربانی کند.»[7]

در مورد اعلام جنگ ایتالیا علیه انگلستان هم گرچه موسولینی خیلی دود و دم تبلیغاتی راه می‌اندازد و نشریات و رسانه‌های این کشور پر از مطالب تهدیدآمیز و جنگ‌طلبانه علیه بریتانیا می‌شود، و حتی در دیدارهای سیاسی ـ مثلا از زبان لاوال نیز از خطر بمباران «ما تا [مستعمره آن زمان بریتانیا] وحمله به کشتیهای انگلیس در مدیترانه ابراز نگرانی می‌شود. ولی در واقع تمام این حرفها چیزی جز جوسازی جهت خنثی کردن مواضع حریف بیشتر نبوده است. چرچیل بعدها در خاطراتش دقیق به این واقعیتها می‌پردازد و توجه به‌منظور تأکید روی مواضع روشن و قاطع وزیر خارجه انگلستان علیه جنگ‌طلبی موسولینی.

واکنش اعضای جامعه ملل نسبت به نطق هوآر فوق‌العاده است. هم ایدن و هم خود هوآر، درخاطراتشان به جو مساعدی که این سخنرانی و مواضع آن در جامعه جهانی ایجاد کرده بود، می‌پردازند. ایدن نمونه‌هایی مختلف از واکنشهای مثبت اعضا را نقل و به انتظاراتی اشاره می‌کند که سخنرانی هوآر برانگیخته بود. یک نمونه:

«نطق هوآر، با خصلت بنیادی و جامعیتی که داشت، و به‌خصوص با بیان مواضع محکم، طبعاً تأثیری شورانگیز برآجلاس عمومی جامعه ملل باقی گذاشت. به‌غیر از دو هیأت نمایندگی ـ ایتالیا و فرانسه ـ همه اعضای جامعه ملل حسابی روحیه گرفته و برانگیخته شده بودند. نماینده بلژیک پس از شنیدن سخنان هوآر

باید مورد قبول واقع شود»!

«جامعه ملل همان است که اعضایش از آن می‌سازند...»

اگر می‌باید (برای پیشرفت و بهبودی امور آن) باری بر دوش گرفته شود، می‌باید همه شانه زیر این بار بدهند و دستجمعی ریسکها و مخاطره‌های آن را بپذیرند.

اینست کشورهای عضو نمی‌تواند صرفاً توسط زحمات و تلاشهای شماری اندک ازکشورها تأمین شود، گیریم که این چند کشور خیلی هم قوی و توانا باشند.

آن چه به دولت انگلستان و وظائف آن برمی‌گردد، اجازه دارم عرض کنم که این دولت با وجود همه دشواریها به وظایف محوله از جانب اساسنامه جامعه ملل متعهد است و درحد توانایش در این جهت حرکت خواهد کرد. ولی اگر این وظایف ازهیچ کس عقب نخواهد ماند... این جا مسأله تظاهر به این امر مطرح نیست، بلکه مسأله این است که ملت انگلیس به سخنان و مبانی جامعه ملل تعلق خاطر دارد. جامعه ملل، و همین‌طور کشور من، به این اصول و تعهدات مربوطه اعلام وفاداری می‌کند و به‌طور مشترک برای حفظ و استواری اساسنامه جامعه ملل در تمامیت آن ـ تأکید می‌کنم به‌طور مشترک ـ اقدام می‌کند، به‌خصوص در امر مقاومت و ایستادگی مشترک و قاطع علیه تهاجمها و تجاوزهای خودسرانه...»[8]

یک روز بعد ازسخنرانی فوق، چند کشتی جنگی معروف بریتانیا نیز از دهانه جبل‌الطارق وارد دریای مدیترانه می‌شوند. یک پشتوانه آشکار و گویا به‌منظور تأکید روی مواضع روشن و قاطع وزیر خارجه انگلستان علیه جنگ‌طلبی موسولینی.

حبشه و نابودی استقلال آن و بخشیدن امتیازات حیرت‌انگیز به موسولینی، جامعه انگلستان از این همه بی‌پرنسیپی و وقاحت خط مماشات و استمالت دیکتاتورها شوکه می‌شود و توفانی از خشم و احساس شرمشکستگی سراسر انگلستان را به اعتراض وامی‌دارد و به تبع آن کل پارلمان نو انتخاب شده نیز علیه دولت صف می‌بندد...

چکیده ماجرا از قلم خود ساموئل هوآر، وزیرخارجه وقت انگلستان و امضاء کننده قرارداد ننگین «هوآر-لاوال» چنین است:

«... انتخابات پاییز ۱۹۳۵ در انگلستان پایان یافته و وزرای جدید کابینه دریایی بریتانیا و روابط دیرینه و متوتی که مرتب می‌نوشت،[12] دقیقاً از توازن قوای کشورها در دریای مدیترانه و جزئیات قوای نظامی انگلستان اطلاع داشت. چرچیل در تفسیری که ذیلا خلاصه آن را نقل می‌کنیم، درباره مسأله «قرارداد» افشا شده مذکور حرف نمی‌زند، بلکه راجع به اصل موضوع مورد بحث شرح و تفسیری متفاوت ارائه می‌دهد. خواننده می‌تواند در باب حق و باطل مواضع دو طرف خود قضاوت کند:

«پنجاه ملت تحت رهبری یک ملت!» این، آن حالتی بود که در هفته‌های پائیزی انتخابات ۱۹۳۵ در مورد وضع جامعه ملل به افکار عمومی جهان و انگلستان در جامعه ملل (به ریاست آنتونی ایدن) هم مشخص و عملاً رهبری فعالیتها در دست بریتانیا قرارگرفت. یک ماه بعد که موسولینی جنگ را شروع و در قساوت و قتل عام بومیان حبشه روی همه متجاوزان تاریخ را سفید کرد، جامعه ملل بر حسب موازین مربوطه واکنش فعال نشان داد و چرخهای تحریم را یکی بعد از دیگری علیه ایتالیا به حرکت انداخت. ظاهراً دراندن نیز هنوز روی خط تحریم توافق بود. پیش از انجام انتخابات (اواخر اکتبر تا نوامبر[35]) مگر کسی جرأت داشت از سازش با دیکتاتور و زانو زدن جامعه ملل حرفی بزند؟[4]. وزیر خارجه درملأ عام مدام از اسناد جامعه ملل و توافق روی تحریمها ... سخن می‌گفت:

«در این فاصله جامعه ملل ایتالیا را به عنوان مهاجم [به کشور حبشه، عضو جامعه ملل] معرفی کرده و چرخ تحریمهای اقتصادی آهسته به راه افتاده بود، نخست با محدود کردن اعتبارات مالی جهت واردات و صادرات اسلحه و... در ژنو و نیز در لندن، این توافق نظر عمومی حاکم بود که تضیقات پیشرونده در اسناد جامعه ملل می‌بایست به مرحله اجرا درآیند.[9]

درافکار عمومی نیز عنوان جبهه جهانی «پنجاه ملت به رهبری یک ملت» همه جا پیچیده بود. حتی در جو جامعه و نیز در کمیسیونهای جامعه ملل علناً افکار عمومی بارها صحبت از این بود که دولت انگلستان با ناوگان جنگی حاضر در دریای مدیترانه، دهانه کانال سوئز را سد کند و نگذارد ساز و برگ جنگی موسولینی به حبشه رسد!

در چنین آتمسفری انتخابات سراسری پائیز انگلستان برگزار می‌شود. بالدوین و اعضای کابینه، از جمله وزیر خارجه، با یک مانیفست راجع به سیاستهای داخلی وخارجی دولت وارد نطقهای انتخاباتی می‌شوند (نیمه اکتبر تا نوامبر). خط مربوط به مسائل بین‌المللی در این مانیفست خطاب به توده‌های میلیونی رأی دهنده، که سخت خواهان قدرتنمایی جامعه ملل و پیشبرد تحریمها بودند، مجدداً چنین وعده می‌دهد:

«... ما به هر اقدامی که در قدرتمان باشد دست می‌زنیم که اساسنامه جامعه ملل مورد دفاع قرارگیرد و اثربخشی جامعه ملل با پرجا ماند و تقویت شود. راجع به وضعیت ناخوشایند کنونی و نزاع مابین ایتالیا و حبشه، در خط‌مشی و سیاستی که تاکنون پیش گرفته‌ایم [یعنی خط تحریم] هیچ لرزشی پیش نخواهد آمد.[10]

به کمک این نوع تبلیغات حاکی از «قاطعیت»، دولت بالدوین انتخابات پائیز پیروزی بزرگ نگذشته که دفعتاً یک افتضاح بی‌سابقه برای وزارت خارجه و کل دولت بالدوین پیش می‌آید. با افشای یک تبانی سیاسی و متن یک «قرارداد» رسوا میان وزرای خارجه انگلستان و فرانسه درباره تقسیم حبشه و نابودی استقلال آن و بخشیدن امتیازات حیرت‌انگیز به موسولینی، جامعه انگلستان از این همه بی‌پرنسیپی و وقاحت خط مماشات و استمالت دیکتاتورها شوکه می‌شود و توفانی از خشم و احساس شرمشکستگی سراسر انگلستان را به اعتراض وامی‌دارد و به تبع آن کل پارلمان نو انتخاب شده نیز علیه دولت صف می‌بندد...

چکیده ماجرا از قلم خود ساموئل هوآر، وزیرخارجه وقت انگلستان و امضاء کننده قرارداد ننگین «هوآر-لاوال» چنین است:

«... انتخابات پاییز ۱۹۳۵ در انگلستان پایان یافته و وزرای جدید کابینه دریایی بریتانیا و روابط دیرینه و متوتی که مرتب می‌نوشت،[12] دقیقاً از توازن قوای کشورها در دریای مدیترانه و جزئیات قوای نظامی انگلستان اطلاع داشت. چرچیل در تفسیری که ذیلا خلاصه آن را نقل می‌کنیم، درباره مسأله «قرارداد» افشا شده مذکور حرف نمی‌زند، بلکه راجع به اصل موضوع مورد بحث شرح و تفسیری متفاوت ارائه می‌دهد. خواننده می‌تواند در باب حق و باطل مواضع دو طرف خود قضاوت کند:

«پنجاه ملت تحت رهبری یک ملت»! این، آن حالتی بود که در هفته‌های پائیزی انتخابات ۱۹۳۵ در مورد وضع جامعه ملل به افکار عمومی جهان و تقاضا داشت که طرح، پیش از آن که به ژنو و آدیس‌آبابا [پایتخت حبشه] ارسال شود، اول به رؤیت موسولینی رسد! حرفش این بود که این‌طوری جلب موافقت وی تسهیل خواهد شد و اگر این طرح اول مورد قبول او قرار گیرد و بعد به‌عنوان طرح پیشنهادی انگلیس ـ فرانسه به ژنو فرستاده شود دیگر کسی در جامعه ملل با آن مخالفت نخواهد کرد. من با خواست لاوال موافقت کردم. ولی دولت ما اصرار داشت که طرح همزمان به رم و آدیس‌آبابا فرستاده شود...

روزبعد [یکشنبه] آخر وقت بالاخره روی مبانی پنجگانه زیر به توافق رسیدیم:

یکم ـ باربکه‌یی منتهی به دریا به حبشه تفویض می‌شود که توسط آن، برخوردار از تمام حقوق مستقل مربوط به دریا دسترسی داشته باشد. [انگلستان حاضراست، درصورت لزوم این باربکه را از بخش سومالی مستعمره بریتانیا در اختیار حبشه قراردهد]

دوم ـ در عوض حبشه بخش مهمی از سرزمینهای اشغال شده استان تیگره را به ایتالیا واگذار می‌کند و تغییر مرز در مشرق و جنوب شرقی کشور را می‌پذیرد.

سوم ـ در قسمت جنوب و جنوب شرقی حبشه یک منطقه وسیع در نظر گرفته می‌شود که در آن امور کشف و استخراج و استفاده اقتصادی، زیرنظرجامعه ملل، منحصراً در اختیار ایتالیا قرار گیرد.

چهارم ـ استقلال حبشه در کلیه سرزمینهایی که به ایتالیا تفویض نمی‌شود به قوت خود باقی می‌ماند.

پنجم ـ این طرح به عنوان یک راه حل قابل اجرا برای حصول سازش در جامعه ملل جهت قبول یا رد مطرح می‌شود...

اگر ما با این طرح! نمی‌توانستیم جنگ را خاتمه دهیم، اهالی ساکن حبشه به وضع فاجعه‌باری دچار می‌شدند و سرتاسر کشور تصرف می‌شد و پادشاه حبشه نیز خلع و آخر سر نیز موسولینی به کنار هیتلر رانده می‌شد. جامعه ملل هم درحالت انشعاب و آلمان هم از هرنظر به تجاوزگری ترغیب می‌شد. این تأملات بود که مرا واداشتند در آن یکشنبه شب به کابینه خودمان توصیه کنم طرح مشترک را بپذیرند و برای رأی‌گیری درجامعه ملل مطرح کنند.

صبح روز بعد، پیش از این که کابینه‌های انگلستان و فرانسه فرصت مطالعه متن کامل قرارداد را داشته باشند، بخشهای زیادی از آن در ترتیبات و به صورتی زشت در رسانه‌ها [پاریس] چاپ و افشا شده... و بدین ترتیب وضع خیلی بدی پیش آمده بود.[11]

بلی، این بار دیگر دستاویز پاسیفیسم و طلح‌طلبی جامعه انگلستان دراختیار حضرات نبود. واقعاً وضع خیلی بدی برای خط استمالت پیش آمده بود.

شرح و تفسیرمتفاوت

دراین جا شاید مناسبتر باشد که موضعی متفاوت دراین باره را از قلم کسی [چرچیل] نقل کنیم که دست بر قضا در این قضیه از همان گامهای نخست طرفدار احتیاط و اقدام مشترک همراه فرانسه بود. وی به‌علت تخصص در مورد وضعیت نیروهای نظامی کشور، به‌خصوص نیروی دریایی بریتانیا و روابط دیرینه و متوتی که مرتب می‌نوشت،[12] دقیقاً از توازن قوای کشورها در دریای مدیترانه و جزئیات قوای نظامی انگلستان اطلاع داشت. چرچیل در تفسیری که ذیلا خلاصه آن را نقل می‌کنیم، درباره مسأله «قرارداد» افشا شده مذکور حرف نمی‌زند، بلکه راجع به اصل موضوع مورد بحث شرح و تفسیری متفاوت ارائه می‌دهد. خواننده می‌تواند در باب حق و باطل مواضع دو طرف خود قضاوت کند:

«پنجاه ملت تحت رهبری یک ملت»! این، آن حالتی بود که در هفته‌های پائیزی انتخابات ۱۹۳۵ در مورد وضع جامعه ملل به افکار عمومی جهان و

پادشاه حبشه هیلا سیلاسی اول ژوئن ۱۹۳۶ از لندن عازم ژنو می شود تا از جامعه ملل علیه تجاوز موسولینی درخواست کمک کند.

به‌خصوص به جو جامعه انگلستان منتقل می‌شد.

سخنرانیهای انتخاباتی عمدتاً حول ضرورت مقابله عمومی علیه هجوم ایستادگی جامعه ملل و حفظ امنیت جمعی و... ایراد می‌شد. خونریزی در حبشه، ازجاز نسبت به فاشیسم و فراخوان به تحریم توسط جامعه ملل، ... یک خواست فوق‌العاده قوی برای مبارزه علیه دیکتاتور ایتالیا در جامعه موج می‌زد که باید تحریمهای مؤثر به اجرا درآیند و در صورت لزوم ناوگانهای بریتانیا را وارد عمل کرد...

دراین بین موسولینی با تمام قوا به یک جنگ روانی علیه انگلستان دست زده بود و خطر حمله به انگلیس از کلیه بوقهای فاشیستی تبلیغ می‌شد. ناوگانهای انگلیسی در دریای مدیترانه تقویت شده بودند ولی دست از یا خطا نمی‌کردند در حالی که به سادگی می‌توانستند جلوی نقل‌وانتقالات ایتالیا از طریق کانال سوئز را بگیرند... ولی محافل دولتی شایعه‌پراکنی می‌کردند که کشتیها کهنه و فاقد سلاح ضد هوایی هستند و...

اما، بر اساس بررسیهای بعدی، جای هیچ تردیدی نیست که یک تصمیم شجاعانه می‌توانست خطوط ارتباطی به حبشه را ببندد و ما از هرگونه درگیری و نبرد نظامی احتمالی پیروز بیرون می‌آمدیم... من (در بحران حبشه) هرگزطرفدار اقدام تنهایی بودیم، دیگرعقب‌نشینی خسران زیادی به بارمی‌آورد... در صورت بستن راههای آبی، ایتالیا بالکل راهش قطع می‌شد و ارتش آن در حبشه در تنگنای کمبود آذوقه و مهمات قرارمی‌گرفت...

در واقع امر، اگر صحبت از یک فرصت استثنایی در بین باشد که به‌خاطر یک مسأله بزرگ، با حداقل ریسک‌می‌توانستیم به یک ضربه قاطع و تعیین کننده دست بزنیم، این فرصت همانا شرایط پائیز ۱۹۳۵ در دریای مدیترانه بود و بس!

ولی این نیز یک واقعیت بود که دولت وقت انگلیس اعصاب لازم را برای چنین کاری نداشت... و در این اثنا البته، چشم هیتلر و میلیتاریستهای ژاپن به این صحنه رفت‌انگیز دوخته شده بود... حالا دیگر همان‌طور که هیتلره ما نگاه می‌کرد، موسولینی نیز به بریتانیا به چشم یک طرف‌حساب جبون و فاقد نیروی رزمندگی نگاه می‌کرد. از نظر او، ما حریف بزدلی بودیم که حرفهای گنده به دهان می‌آورد ولی اهل عمل و مرد جنگ نیستیم.

پای گفته‌ها و قولهای خود نیست.»[13]

رسوایی و سر شکستگی

ـ ۸ دسامبرهوآر و لاوال زیر قرارداد نقض استقلال و تمامیت حبشه امضا گذاشتند،

ـ ۹ دسامبر، این قرارداد، به توصیه هوآر، مورد تصویب کابینه انگلستان واقع شد،

ـ درهمین ایام در جامعه انگلستان محتوای قرارداد افشا و توفانی از خشم بالا گرفت،

ـ هم موسولینی و هم (در۱۳ دسامبر) اجلاس جامعه ملل متن را رد می‌کنند. ناگزیر

ـ روز ۱۸ دسامبر کابینه انگلستان قرارداد را منتفی اعلام می‌کند و کنارمی‌گذارد، در همین روز هوآر ـ به مثابه بزبلاگرداند. زیرفشار نخست وزیر از پست وزارت خارجه استعفا می‌دهد،

ـ ۱۹ دسامبر، وی در مجلس هنوز از این قرارداد دفاع می‌کند، ولی همان جا نخست وزیر اعتراف می‌کند که «این قرارداد به‌طور کامل و مطلقاً مرده است و در هیچ صورت دولت درفکر احیای مجدد آن نیست!»

ـ در نشست جامعه ملل، لاوال تلاش می‌کند [ازاین « قرارداد» دفاع کند، ولی نماینده حبشه صریحاً می‌گوید که کشورش صلحی می‌خواهد برپایه عدالت و مقاصد خیر، نه صلحی که بر تسلیم و دستبرد و غارت بنا شود.

باری، در هفت ماهی که جنگ تجاوزکارانه فاشیستی طول می‌کشد، کشورمظلوم حبشه خیلی جان می‌کند تا در برابر هجومهای نظامی فاشیسم ایتالیا و به‌خصوص بمبارانهای وحشتناک هوایی پایداری کند. تمام این مدت به هر دری می‌زند که سلاحهای مورد نیازش را از خارج کسب کند، ولی دولت انگلستان از فروش سلاح و حتی تحویل سلاحهای خریداری شده قبلی به آن کشور اجتناب می‌کند. این خلأ را البته تا اندازه‌یی هیتلرهی می‌کند پرکند. بعد ازمدتی بیطرفی و مشاهده دقیق روند وقایع، به دو طرف طوری کمک می‌رساند که آتش خانمانسوز جنگ درشمال آفریقا و بحران در اروپا حتی‌المقدوراداده یابد.

درطول هفت ماه جنگ، موسولینی توسط نیروی هوایی خود ۳۴۰ تن گاز سمی علیه قوای حبشه به کارمی‌گیرد. نیروهای کم سلاح و یا برهنه کشور آفریقایی به سختی مقاومت می‌کنند ولی، سرانجام روز۲۵مه۱۹۳۶ دولت مربوطه کاپیتولاسیون رامی‌پذیرد. دیکتاتور ایتالیا پس از تصرف کامل حبشه مدعی می‌شود «بر پنجاه ملت پیروزشده»! و، در نقش قیصر جدید رم، بلافاصله اعلام امپراتوری می‌کند.

ادامه دارد

پانویس:

۱ـ به‌نقل از کتاب خاطرات آنتونی ایدن، رو دروو با دیکتاتورها، صفحه ۳۱۰، متن آلمانی

۲ـ جالب است که ایدن، به‌عنوان وزیر امور جامعه ملل کابینه، پیش از آن که هوآر برای ایراد سخنرانی به ژنو آید، درجریان تهیه و تنظیم نطق وزیر خارجه قرار نگرفته بود. ولی در ژنو، روز قبل از سخنرانی، متن نطق دراختیار ایدن و همکارش قرارمی‌گیرد. اینها از صراحت و قاطعیت مواضع آن متعجب می‌شوند. برخی تردید دارند، ابتدا موضعی ضعیفتر را با وزارت خارجه و دیگر اعضای کابینه مطرح کرده و موافقت آنها را خواسته بود، ولی آنها به احتیاط توصیه کرده و موافقت نکرده بودند. حالا وزیر خارجه خودش با مواضع تندتری به ژنو آمده بود. این بود که ایدن توصیه به تعدیل متن کرد و پیشنهادتی برای تغییر متن داد. ولی هوآر سوای چند نکته کوچک، حاضر نشد در اصل صراحت و قاطعیت متن نطق تغییری دهد!

۳ـ به نقل ازصفحه ۱۵۶/۱۵۵ کتاب خاطرات سر ساموئل هوآر، وزیر امور خارجه انگلستان درفاصله ۱۷ژوئن الی ۸ دسامبر ۱۹۳۵ در کابینه بالدوین: «۹۰ سال پر حادثه»!

۴ـ به‌نقل از صفحه ۳۱۲ خاطرات ایدن...

۵ـ بعد از جنگ جهانی دوم، طبق اسناد کشف شده معلوم شد که: موسولینی درماه فوریه ۳۵ از دولت انگلستان خواسته بود نظر خود را در مورد حبشه و تمایلات ایتالیا نسبت به آن ابراز نماید. دولت وقت بریتانیا برای تدوین جواب، ابتدا یک نظریه کارشناسی سفارش داده بود. نتیجه این پژوهش این بود که به لحاظ منافع استعماری امپراتوری بریتانیا، تسلط و یا دست‌کم تقویت ایتالیا در حبشه مثبت است. این نتیجه‌گیری صرفاً برای خود دولت بود، ولی موسولینی توسط مأموران مخفی خود از نسخه‌یی از این نظریه کارشناسی که در سفارت انگلیس در رم وجود داشت عکسبرداری و از محتوای آن آگاه شده بود. بنابراین خوب می‌دانست تهدیدات هوآر ـ آن هم با ضعف سیاسی آنها.

۶ـ همان کتاب ایدن، صفحه ۳۱۲

۷ـ همان کتاب، صفحه ۳۱۱

۸ـ صفحه ۹۷ کتاب جنگ جهانی دوم، نوشته چرچیل

۹ـ صفحه ۱۶۱ کتاب «۹۰سال پرحادثه»

۱۰ـ به نقل ازصفحه ۹۹ کتاب جنگ جهانی دوم

۱۱ـ صفحات ۱۶۵ الی ۱۶۸ از کتاب خاطرات ساموئل هوآر

۱۲ـ چرچیل درزمان جنگ جهانی اول وزیر نیروی دریایی بود، بعدها نیز مداوماً مسائل نظامی و سطح تسلیحات و تجهیزات کشور را پیگیری می‌کرد و درباره موضوعات مربوطه مرتباً در کتابها و مقاله‌هایی که می‌نوشت به داده‌های مزبور اشاره می‌کرد. مقاله‌هایش در بسیاری از نشریات معروف آن زمان مرتب چاپ می‌شد و در واقع، آن‌طور که خودش می‌نویسد، طی سالهای دراز منبع درآمد چرچیل همان نوشته‌ها و تفسیر نویسیها بوده است.

۱۳ـ صفحه ۹۴ کتاب جنگ جهانی دوم

توخالی است.

شکنجه و آمال «خلیفه خمینی»(۴)

ما خلیفه می‌خواهیم که دست ببرد و حد بزند و رجم کند - خمینی

کاظم مصطفوی

عاقبت پس از سالها بحث و رسوایی، و درز اخبار شکنجه مجاهدین و مبارزان توسط زندانیان بندرسنت، کار به جایی رسید که صدای خودپها هم درآمد. جنگ گرگها تشدید شد و خودپها به ناچار گوشه‌هایی را از یک جنایت بزرگ مستمر و غیرانسانی بیان کردند و یا نوشتند. دلیل مسأله روشن بود. دیگر، شکنجه کردن و بردن به خانه‌های امن منحصر به مجاهدان و مبارزان نبود. گسترش این وضعیت، دامان بسیاری از نیروهای خودی رژیم را هم گرفته بود. گزارشهایی که از وضعیت زندانیان جناحهای رقیب منتشر شد به مسأله ابعاد جدیدتری داد. نهایتاً این که رژیم ناچار شد علاوه بر تکذیب و توجیه، بعد دیگری هم به برخوردهای خود بدهد. بعدی که نه در راستای نفی شکنجه، که اتفاقاً با سمت و سوی سیستماتیک کردن و توجیه آن می‌باشد. این تلاش فریبکارانه را خودشان بعد «قانون»ی نام نهادند. قانون در این‌جا معنایی کاملاً متفاوت دارد با چیزی که ما در ذهن داریم. قانون یعنی توجیه برای مواردی که در صورت علنی شدن، رسوایی اجتماعی به وجود می‌آورند. به این که آخوندها از رسوایی بیمی به دل داشته باشند. بعضی موارد اگر به بیرون درز پیدا کند با تولید دردسر برای شکنجه‌گران خواهی نخواهی دست بستگی ایجاد می‌کند. براین اساس یک چند بحث تصویب لایحه ضدشکنجه نقل محافل رژیم شد و این صدای زیادی کرد. اما از آن‌جا که بحث در اساس یک فریبکاری پر تزویر بود رژیم حتی به صورت کلامی نیز نتوانست شکنجه را مذمت و غیر قانونی اعلام کند. برعکس لایحه‌یی به مجلس برد که بیشتر و بیشتر دست شکنجه‌گر را باز می‌کرد تا در صورت لو رفتن هم کسی نتواند، قانوناً، شکنجه‌گر را باز خواست کند. مذاکرات، و در واقع جنگی که بین جناحهای مختلف رژیم بر سر این موضوع در گرفت بسیار خواندنی است.

مثلاً در یک برنامه تلویزیونی (۲۵خرداد۸۱) مناظره‌یی انجام شد بین ربوشه(عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس رژیم) و دکتر عزیزی(حقوقدان و سخنگوی محترم شورای نگهبان!) موضوع مناظره شکنجه و لایحه ضد شکنجه بود.

مجری ابتدا از ربوشه می‌خواهد تا شکنجه را تعریف کند و او می‌گوید: « شکنجه همان‌جور که درعرف مشخص، در قانون هم تعریف معین و مشخصی دارد. اعمالی که به زور به هطریق و به هر روش و به هر فرمی باعث شود که متهم بر خلاف میل و بر خلاف اراده خودش دست به یک سری اقرارات و اعمال می‌زند شکنجه محسوب می‌شه»

در مقابل دکتر(!) عزیزی در جریان بحث عنان از کف می‌دهد، و به صورتی کاملاً روشن می‌گوید: «یه قاضی حکم به قصاص مبده، میشه (گفت) این شکنجه است؟ یا در حکم شکنجه است؟ این اصلاً در جهت اجرای عدالته، در جهت احقاق حقوق مردمه. حالا به سری موارد، حالا یک نفر بازداشت شد. قاضی می‌بینه که امحاء آثارجرمشه، تباتی می‌شه. جرم امنیتیه، جان بسیار افراد زیادی در خطره، یه بمبگذاری صورت گرفته در یک دانشگاهی، در یک جای مقدسی، جمع زیادی، یه سری از منافقین به مرز وارد شدن، یکی از مرتبطینش دستگیر شده، به سری اطلاعات راجع به بمبگذاری سطح شهر می‌خوان بگیرن. خوب بگن که نه، این باید خدمت مبارک شما عرض شود در زندان انفرادی نباش، پس قرار بازداشت برای چیه؟ برای این است که امحاء و آثار جرمش کشف بشه، جان مردم نجات (یابد). اصلاً فلسفه وجودی یکی از مواردی که فلسفه وجودی قضایی اسلام هست برای این که واقعاً حق مردم احقاق بشه. جان مردم، مال مردم، ناموس مردم در امان باشه. خوب به موردی بسیار جدی جرم امنیتی میاد جان تعدادی را در خطر می‌اندازه بعد بگیم که نه این به صورت انفرادی اگر گفتیم قرار بازداشت باشه ولو این که آثار جرم از بین‌بره ولو این که مطالب از بین بره، عینی نداره یا مثلاً خدمت شما عرض شود این بازجویی الان چون شب هست و این آقا خدمت شما این از بمبگذاری خبرداره که جان هزاران نفر را امکان داره به خطر بندازه بگیم نه این بازجویی باید الان انجام نگیره. خوب قاضی تشخیص میده با توجه به ادله ومدارک. الان باید ازش سؤال کنه این بمب (را) کجا گذاشتی این هواپیماربایی‌یه بمبی تو هواپیما گذاشتی، الان باید اطلاعات بگیره، خوب شما در نظر بگیرید بگیم که نه این موارد باید انجام نگیره، دلت، پس بنابر این موضوع اول. مأمورین دولتی به طور کلی در هیچ موردی اجازه ندارن چه برای اقرار چه غیر اقرار، ولی قاضی اگر حکم صادر کرد که حکم قاضی اگر حکمش خلاف شرع وقانون بود باید مجازات بشه»

هم چنان که ملاحظه می‌شود «نماینده محترم» شورای نگهبان، بحث شکنجه زندانیان، که به چند مورددش مختصراً اشاره کردیم، را در حد سلول انفرادی تنزل می‌دهد و لوث می‌کند. اما در ادامه باز هم بیشتر خود را لو می‌دهد و می‌گوید: «مورد بعدی خدمت شما عرض شود در خود همین طرح و اونجا می‌رساله اون بحث دفع افسد وفاسد اهم مهم این جاست. جان عده کثیری در خطره به اطلاعاتی رو از یه کسی که وابسته به یه گروهکی هست. بمبگذاری کردند در کشور می‌خواد اطلاعات ازش بگیره، نه اقرار اقرار بگیره، بگه چه خبره، کجا گذاشتی حالا بازجویی مثلاً الان ساعت هشت، مثلاً شب شد، ساعت هشت و نیم دیگه ازش نپرسیم. ولی جان عده کثیری بعد حکم قاضی هم باشه حکم قاضی که اصلاً عرض کردیم تخصصاً خارجه ولایه منظور مجلس محترم هم نیست، بحث اهم و مهم دفع افسد و فاسدی که مطرح شده دراین مورده. موضوع دیگه در خود همین طرح درتبصره یک پنج مورد را استثناء کردند. اگر واقعاً شکنجه و در حکم شکنجه به هر صورت ممنوعه، چرا مجلس محترم گفته در پنج مورد اجازه دارد اعمال شکنجه کنند؟»

یعنی که حتی در طرحی که مجلس درباره منع شکنجه داده و مورد مخالفت شورای نگهبان قرار گرفته تصویر استثنا شده است. و روشن است که با همین صورت چگونه شکنجه قانونی می‌شود و دست شکنجه گر کاملاً باز می‌گردد تا هر کاری که خواست را با متهم خود بکند. این مسأله از اظهارات یکی دیگر از «دکترهای محترم عضو شورای نگهبان روشن می‌شود. به نوشته روزنامه رسالت (۲۱خرداد۸۱) دکتر کندخدایی، عضو حقوقدان شورای نگهبان، معتقد است: «مصوبه مجلس درباره منع شکنجه طرحی عجولانه، ناقص ومغایر با حقوق عمومی افراد و قوانین کشور است». این آقای دکتر هم اول بحث شکنجه را لوث می‌کند و خود را به کوچه علی چپ می‌زند و انگار وقتی که ما از شکنجه در زندانهای رژیم صحبت می‌کنیم «نادان روزنامه» و سلول«انفرادی» منظور نظر است. و مضحک‌تر آن که «برخی از موارد ذکر شده در طرح منع شکنجه مجلس را مغایر با «عرف جامعه حقوقی جهانی» می‌داند و می‌گوید: «این که نادان روزنامه به متهم و یا نگهداری فردی در سلول انفرادی را شکنجه تلقی کنیم با عرف حقوقی متداول در دنیا همخوانی ندارد. زیرا ممکن است فرد زندانی با هدف آرامش خود تقاضا کند در اتاقی به صورت تنها نگهداری شود و یا در مواردی ممکن است قاضی تشخیص دهد جهت جلوگیری از لو رفتن اطلاعات مربوط به یک جرمی باید متهم آن موضوع به صورت انفرادی نگهداری شود. چرا باید قانونی تصویب شود که این حق را از متهم و یا قاضی سلب کند؟». و بعد در همین حد هم خودش تحمل نمی‌کند و می‌گوید:

جسد دو تن از مجاهدینی که در زیر شکنجه به شهادت رسیدند و آثار شکنجه برروی بدن یکی از مجاهدین در بندرسنت

«در یکی از بندهای مصوبه مجلس در باره منع شکنجه آمده اگر در مواردی مانند اقدامات مسلحانه، جاسوسی، مواد مخدر، گروگانگیری و عضویت افراد در گروههای محاربه، وزارت اطلاعات درخواست کرد دادگاه و قاضی می‌تواند مصادیقی که به عنوان شکنجه در این مصوبه ذکر شده را در باره اعمال کند و شکنجه محسوب نخواهد شد و این نوعی تناقض در قانونگذاری محسوب می‌شود. زیرا چنان‌چه این موارد شکنجه می‌باشد در اعمال آن فرقی میان وزارت اطلاعات وقاضی وجود ندارد».

چند روز بعد ناصر قوامی، رئیس وقت کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس آخوندی، وقتی مورد سؤال قرار می‌گیرد که «طرح مجلس در مواردی مجوز شکنجه داده است» آب پاکی را می‌ریزد روی دست همه و با صراحت اعلام می‌کند: «مسلماً حقوق جامعه مقدم بر حقوق فرد است. اگر امنیت جامعه در مخاطره باشد ضرورت ایجاب می‌کند بعضی موارد که مصداق شکنجه دانسته شده استثنا شود تا جان و مال و ناموس مردم در امان باشد. قوامی اظهارداشت: همانطور که شورای نگهبان گفته است این کار دفع افسد به فاسد است»(خبرگزاری ایرنا ۲۶خرداد۸۱)

به این ترتیب رژیم با ورود به حیطه «قانون»، گامی برداشت برای تشویق بیشتر شکنجه‌گران و مأموران وزارت اطلاعات تا با اطمینان خاطر بیشتر و دست بسا بازتر از قبل هرجنایتی که می‌خواهند مرتکب شوند.

دعوای گرگهایی که هرکدامشان در دوره‌یی خودشان شکنجه‌گر بوده و تجربه کافی در این مورد داشتند در مجلس رژیم به ارائه «طرح تعیین مصادیق شکنجه» منجر شد. ۱۷۵نفر از اعضای مجلس این طرح را ارائه کردند. در مقدمه این طرح آمده است: «عدم وجود قانون شفاف و مشخص بعضاً باعث درهم‌ریختن مرزهای بین مجازات و شکنجه می‌شود. پیشنهاد دهندگان در همان اولین گام زیرآب شلاق زدن را، که همه می‌دانند رایج‌ترین و دردآورترین شکنجه زندان است، به عنوان شکنجه می‌زنند و تصریح می‌کنند: «احکام شلاق که پس از محاکمه و صدور رأی دادگاه و قطعیت آن اجرا می‌شود، شکنجه محسوب نمی‌شود!

در این طرح با ساده کردن قضایا برروی وحشیانه‌ترین شکنجه‌هایی از قبیل سوزاندن و قپانی و تجاوز (که ۱۷۴نوعش براساس اسناد غیر قابل انکار و شهود باقی مانده از جنایتها شمارش شده است) پرده گذاشته می‌شود و طوری وانمود می‌شود که گویا زندانیان مجاهد هم در «اصفهان» و «گاوداني» و «واحد مسکونی» حاج داوود رحمانی نشریات و روزنامه‌های رسمی کشور را کم داشتند. پیشنهاددهندگان ۲۲مورد از مصادیق شکنجه را به ترتیب زیر برشمرده اند:

۱ـ اذیت و آزار بدنی برای گرفتن اقرار یا غیر آن
۲ـ نگهداری زندانی به صورت انفرادی یا نگهداشتن بیش از یک نفر در سلول انفرادی
۳ـ چشم‌بند زدن به زندانی
۴ـ بازجویی با چشم بند
۵ـ بازجویی در شب
۶ـ رویه دیوار قرار دادن زندانی در حین بازجویی
۷ـ بی‌خوابی دادن به زندانی
۸ـ اعمال فشار روانی به زندانی
۹ـ فحاشی، به‌کار بردن کلمات رکیک، توهین یا تحقیر زندانی در حین بازجویی و غیر آن
۱۰ـ استفاده از داروهای روان‌گردان و کم و زیاد کردن داروهای زندانیان مریض
۱۱ ـ محروم کردن بیماران زندانی از دسترسی به خدمات درمانی مناسب
۱۲ ـ استفاده از بلندگو، پخش نوارهایی که باعث فشار روانی بر زندانی می‌گردد.
۱۳ ـ نگهداری زندانی در محلهایی با سر و صدای آزار دهنده
۱۴ـ گرسنگی یا تشنگی دادن به زندانی
۱۵ـ عدم طبقه‌بندی زندانیان و نگهداری جوانان یا زندانیان عادی در کنار زندانیان خطرناک
۱۶ ـ جلوگیری از هواخوری روزانه زندانی
۱۷ـ ممانعت از دسترسی به نشریات و کتب مجاز کشور
۱۸ـ ممانعت از ملاقات هفتگی یا تماس تلفنی زندانی با خانواده‌اش
۱۹ـ فشار روانی از طریق اعمال فشار به خانواده زندانی
۲۰ـ ممانعت از ارتباط ملاقات متهم با وکیل خود
۲۱ ـ ممانعت از انجام فرایض دینی
۲۲ ـ بازجویی کردن در غیر از مواردِ تفهیم اتهام شده.

در چنین معرکه‌یی، برای لوث کردن اصل قضیه شکنجه، هرمور و ملخ و لاشخوار«یی هم به میدان می‌آید و اظهار نجابه می‌کند. آخوند محسن غرویان با عنوان برطصطراق «از اساتید حوزه علمیه قم» و «عضو هیأت علمی‌مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی» در گفت و گو با خبرنگار خبرگزاری کار ایران، ایلنا، می‌گوید: « کسی که مرتکب جرم و یا خلافی شده است و استحقاق زندان را دارد، باید بداند که زندان با زندگی در خانه عادی تفاوت می‌کند، بالاخره ارتباط با اقوام و خویشان و نزدیکان محدود می‌شود. این را نمی‌توان گفت شکنجه است و یا ممنوع است»(خبرگزاری کار-۶ مهر ۱۳۸۲)

هم‌چنان که ملاحظه می‌شود این طرح، گذشته از ماهیت دعوای جناحی‌اش که از اساس مانع طرح مسأله شکنجه به عنوان یک جنایت مستمر ضدبشری در زندانهای رژیم می‌شد، تصویر بسیار مبتیمزه شده و حتی «لوکسی»ی از شکنجه ارائه می‌داد. اما در همین حد نیز ارائه‌کنندگان، از آن جا خود «دستان توی کار» بوده است در ماده ۴طرح مزبور گنجانده‌اند. «در موارد ضروری برای کشف فوری جرایمی نظیر قاچاق مواد مخدر، جاسوسی، سرقت مسلحانه و اقدام مسلحانه علیه نظام، بازجویی متهم در شب برای حداکثر یک هفته و نگهداری به‌صورت انفرادی برای مدت ۱۵روز مستند به دلایل توجیهی مجاز است».

بحث در مورد لایحه منع شکنجه مصادف با ایامی بود که فیلمهای تکاندهنده‌یی از «متهمان قتلهای زنجیره‌یی» پخش شده و سب اجتماعی آن بسیار بالا گرفته بود. خانه‌های امن علاوه برشکنجه‌گاههای رسمی و شناخته‌شده لو رفته و برسر زبانها افتاده بود. بسیاری از مقامات رسمی رژیم هم به عنوان شکنجه‌گر لو رفته و آن چنان فضایی علیه رژیم به وجود آمده بود که نزدیکترین یاران خامنه‌ای هم جرأت نمی‌کردند. حتی در توجیه قضیه پا به میدان بگذارند. به طوری که آخوندی مثل کروبی هم می‌پرسید: «شکنجه‌هایی که آن اطلاعاتها و گروهی از اینها داده‌اند وحشتناک است... من یک سؤالی دارم از این قوه قضاییه محترمی که خط قرمز ندارد و مو را از ماست بیرون می‌کشد و مخلص آن هستیم!... جواب بدهید! آیا این فیلم ساختگی است و حقیقت ندارد؟... اگر بوده آنها که اینها را شکنجه داده‌اند چکار می‌کنند؟ (روزنامه حیات نو ۲۴خرداد۸۱) اما این سؤالی نبود که کسی پاسخگو باشد. ذات و طبیعت این رژیم با شکنجه و شلاق و دار و زندان آمیخته شده است و هیچ کس، هرگز، نه‌تنها سؤالات پاسخ نداد. اما ما ناگزیر از تکرار یک نکته هستیم.

هرچند این سخن ممکن است تکراری به نظر رسد. اما نمی‌توان کنار کرد که هرگاه حرف شکنجه به میان می‌آید باید روی علت‌العلل و عامل اصلی این جنایت ضد بشری متمرکز شد. ارتجاع مذهبی در بطن و ذات خود شکنجه‌گر است. و این نقطه مرکزی تمام بحث است. درک درست این حرف یعنی این که این نظام ضدبشری خود مولد شکنجه‌گر است. اگر بخواهیم یک گام عمیقتر به مسأله نگاه کنیم ناگزیر به این واقعیت می‌رسیم که این نظام شکنجه‌گر، هیچ فرد و جناحی نیست که آلوده به این جنایت نباشد. یعنی به «دعواهای جناحی دل‌بستن فریبی است که تجربه‌اش بسیار منفی بوده است. از یک سو با هزار و یک قسم و آیه قانون به اصطلاح منع شکنجه را تصویب می‌کنند و از سوی دیگر خودشان اعتراف می‌کنند که: «اقرار از طریق شکنجه ممنوع و طبق قانون اساسی حق شکنجه برای کسب اقرار سلب شده ولی استفاده از شکنجه یک امر شایع در زندانها و بازداشتگاه بوده است...»(ابراهیم امینی نایب رئیس وقت کمیسیون حقوقی و قضایی ـ روزنامه ایران ـ ۱۲آذر۹۷)

و نیز قوه قضاییه رژیم، آخوند شاهرودی، در صحبت با قضات تحت فرماندهی خودش، با صراحت تمام از «درگیری قضات با متهمان، بازداشتهای غیرموجه، نگهداری در سلولهای انفرادی، منع زندانی از ملاقات با وکیل یا اشخاص مجاز، احضار تلفنی و بازداشت افراد بدون اطلاع خانواده آنان، القای توقعات و طرح نیازهای شخصی قضات نزد ارباب رجوع و ارتباط با خارج از محیط کار» سخن به میان می‌آورد (۱۰آذر۱۳۷۹) و در «همایش جایگزین حبس»ی پی‌برده و بی‌پرده‌ایستی آب پاکی را می‌ریزد روی دست همه و می‌گوید: «این یک بحث لفظی است که می‌گویند مجازات بدنی و شلاق و....قرون‌وسطایی است»(۱۸اردیبهشت۱۳۸۱)

و در دیدار با «اعضای ستاد حقوق بشر» با صراحت از شلاق و شکنجه دفاع می‌کند و به ریش هرچه قانون و قانونگزار و معتقد به قانون در نظام ولایت فقیه است می‌خندد و می‌گوید: «ترجیح مجازاتهای بدنی از نظر حقوق بشری قابل اثبات است، خیلی بهتر از مجازات زندان است که امروز در دنیا معمول است، چون زندان ضربه به روح زندانی و خانواده اوست و این خود خلاف حقوق بشر است»(آخوند شاهرودی ـ ۲۶شهریور ۱۳۷۹).

بنابراین برای درک درست و واقعی از مقوله شکنجه در رژیم آخوندی باید ایمان داشت که حرف اصلی را نه زمنهای آخوندهای شیادی مانند خاتمی، که عمدتاً هم مصرف خارجی دارد، می‌زنند، که اتفاقاً حرف اصلی را نیزندانی مثل آیت‌الله محمدی گیلانی می‌زند که: «محاربه بعد از دستگیری توبه‌اش پذیرفته نمی‌شود. کیفر همان کیفری است که قرآن تعیین می‌کند. کشتن به شدیدترین وجه، حلق‌آویز کردن به فضاحت‌بارترین حالت ممکن و دست راست و پای چپ آنها بریده شود... اسلام اجازه نمی‌دهد که بدن مجروح این گونه افراد باغی به بیمارستان برده شود، بلکه باید تمام کشته شود. اسلام اجازه می‌دهد حتی اگر زیر تغزیر آنها جان هم بدهند کسی ضامن نیست که عین فتوای امام است (محمدی گیلانی ـ روزنامه کیهان ـ ۲۹شهریور ۱۳۶۰)

قانون واقعی، در این نظام شکنجه‌گر و شکنجه‌گرپرور حرفی است که لاجوردی خطاب به زندانیان گفته بود: «حاکم شرع حکم شرعی داده که آن‌قدر شما را به اصطلاح حد بزنیم تا این که توبه بکنید یا این که کشته شوید».

شکنجه و «اسلام»:

هرکدام از شکنجه‌هایی که در زندانها نسبت به مجاهدان و مبارزان سیاسی اعمال شده بسنده است تا آمران و عاملانشان در دادگاهی بین‌المللی محاکمه و به‌جرم جنایت علیه بشریت مجازات شوند. اما همان‌طور که اشاره شد خمینی و بعد از او کلیه سران و کارگزاران رژیم سعی داشته‌اند که جنایتهای خود را به نام اسلام و خدا و مذهب انجام دهند. در این زمینه خمینی از هیتلر تجربه گرفته که «حقیقت همان دروغی است که بارها و بارها تکرار شده است».

این نوع تمسک برای دیکتاتوران خونریز، شیادی شناخته‌شده‌یی است. هرکدام از آنها برای توجیه خود و ایادی و جلادان خود بر طبلی می‌کوبند و چیزی را مستمسک قرار می‌دهند.

اگر خمینی با خدا و قرآن به جنایت می‌پردازد، نوشته‌اند که پیتوشه، دیکتاتور منفور شیلی، با شعار «مهن‌پرستی» این کار را انجام می‌داد. او در آخرین نامه‌یی که در روزهای آخر حیاتش منتشر کرد گفت: «آنکه را دوست نداشتم، شیلی بر از بحران و تورم بود. از آنکه خواستم استعفا دهد، نداد، کودتا کردم. با ۷۱درصد آرا در سال۱۹۷۴ رئیس‌جمهور شده، تا سال ۱۹۹۰ در همین مقام بودم. پیش از ۳هزار نفر توسط دستگاه من تاپدید یا کشته شدند. من آگوستو پینوشه همیشه دمکتش سفید به دست داشتم. دست سفیدم را برای همه تکان می‌دادم. باور کنید دروغ نمی‌گویم. در مصاحبه‌یی هم گفتم که همه این جنایتها که شما می‌گویید، برای دفاع از سرزمین مادری‌ام بوده؛ مگر نبود؟ اما نشد»(روزنامه همشهری ۱۷ آذر ۱۳۸۶ مقاله مرگ مردی با دستکش سفید)

حال خمینی و «خلفای» بعد از او شنیع‌ترین و رذیلانه‌ترین اعمال را تحت نام والاترین ارزشهای مکتبی انجام می‌دهند که مثله کردن حتی جانور درنده نیز در آن ممنوع است. فریب شیادیهای آخوندها را نخوریم که «:...هر کس در خیابانی و در هرجای دیگر علیه حکومت اسلامی قیام کرد، در همان‌جا باید حکم اعدامش صادر شود...» (آخوند مشکینی و رئیس مجلس خبرگان رژیم و امام جمعه قم ـ روزنامه کیهان ـ ۷بهمن ۶۰) حکومتی که آخوند مشکینی سنگش را به سینه می‌زند، حکومت مار و کژدمهای تاریخ بشری است. حکومت مشنی وحشی است که عقده چند صد ساله‌یی در دوری از قدرت دارد و در عین حال در دزد مزمن عدم مشروعیت هم رنج می‌برد. همان اسلامی است که صد سال پیش شیخ فضل‌الله نوری مخالف و دشمن آزادی نامیدش و گفت: «آزادی نامه و حریت مطلقه از اصل غلط و این سخن در اسلام کلیتاً کفر است... لفظ آزادی را بردارید که عاقبت این حرف ما را مفتضح خواهد کرد. آزادی در اسلام کفر است به خصوص این آزادی که این مردم تصور کرده‌اند کفر در کفر است».

این قبیل توجیهات شکنجه متعلق به اسلامی است که خمینی در سالهای بعد از آن همین نظریه ارتجاعی شیخ فضل‌اللهی را تکامل بخشید و نوشت: «این توهم که اختیارات حکومتی رسول اکرم (ص)، بیش از حضرت امیر(ع) بود، یا اختیارات حکومتی حضرت امیر(ع) بیش از فقیه است، باطل و غلط است .... ولایتی که برای پیغمبر اکرم (ص) و ائمه (ع) می‌باشد، برای فقیه هم ثابت است و در این مطلب هیچ شکی نیست. این اسلام هیچ ربطی به اسلام «محمد» و «علی» ندارد. با اسلام ابوذر و سلمان و یاسر و عمار هم سر تا پا بیگانه است. فقط کافی است که نگاهی به تاریخ، گفته‌ها و روح پیام آنها بیندازیم تا متوجه شویم که این دو اسلام سر تا پا متضاد تا چه میزان در برابر هم صف آرایی داشته‌اند. در واقع اسلام از نوع خمینی و معاویه و شاهان و دیکتاتورهای مرتجعی همچون امیر مبارزالدین برای سرپوش گذاشتن بر عدم مشروعیت خود، نام اسلامی‌بر خود می‌نهد. تا مردم را بفریبد و ایز گم کند. در گزارش یک زندانی از بندرسنت از قول یک بازجوی وزارت اطلاعاتی آمده است: «ما دیگر مشروعیت انقلابی نداریم. ما می‌خواهیم حکومت کنیم و هر کس را که در مقابلمان بایستد نابود می‌کنیم. اصلاً کاری با انقلاب و این حرفها نداریم، این چیزها دیگر کهنه شده» (مجاهد۲۷ـ۲۰بهمن۷۷) و تمام قضیه در همین نکته است و بس. این جنایتکاران شیفته قدرت و حاکمیت هستند و برای به دست آوردن و یا استمرار آن از هیچ جنایتی رویگردان نیستند.

اما تا آن جا که به‌اسلام مربوط می‌شود، ما از پیامبر رحمت للعالمینش خوانده‌ایم که درست در آستانه پیروزی نهایی بردشمنان سوگند خورده‌اش دستور می‌داد: «لایجهزن علی جریح و لایطعن مدبر و لایقتلن اسیر و من اغلق بابه فهو آمن» یعنی «هر جنگجوی دشمن (دشمن محارب و بت‌پرست) که جریح (مجروح و نیم‌کش) شده او را اجهاز (تمام‌کش) نکنید و به قتل نرسانید و شکست‌خورده و فراری را مورد تعقیب و ضرب و جرح قرار ندهید و هیچ اسیری را هم نکشید، هر یک از بت‌پرستان که در خانه‌اش را به‌روی خویش بسته در امان است». و از همین پیامبر خوانده‌ایم که وقتی یکی از دشمنان کینه‌توزش اسیر شد و یاری اجازه خواست تا دندان او را بشکند، اجازه نداد و فرمود: «من کسی را مثله و شکنجه نمی‌کنم زیرا آن وقت خدا همین کار با من خواهد کرد اگرچه پیغمبر باشم»(سیره‌بن‌هشام ج۳ ص۳۱۳ و مغازی واقدی ج۱ـص۷۹ به نقل از کتاب «بغی چیست و باغی کیست» نوشته‌مجاهد شهید ابوذر ورداسبی)

همین‌طور روایات و احادیث متعددی وجود دارد که ضرب و جرح اسیران به شدت منع شده است. مثلاً از علی(ع) نقل شده است: «هر کس در حال ترس، یا در زندان یا در اثر تهدید به چیزی اقرار نماید نباید بر او حد جاری شود (وسائل الشیعه ج ۱۸ ص ۴۹۷) و یا «هر کس در اثر ترساندن یا کتک خوردن و یا در زندان به چیزی اقرار نماید بر او حدی جاری نمی‌شود» (دعائم الاسلام، ج ۲ ص ٤٦٦) نقل از مقاله عمادالدین باقی ـ تجویز شکنجه ـ۱۲دی۸۲)

ادامه دارد

بحران اتمی، بحران فوتبال

بقیه از صفحه۷

بعد باز هم الاکلنگ مذاکره با فیفا راه افتاد. سردمداران رژیم که مردم ایران را در زندان بزرگ کرده و چشم و گوششان را با ساسور و فیلتر و... بسته‌اند، هر دروغ و دونگی را از جانب فیفا علم کردند تا برروی اصل افتضاح که دخالت دولت در امور فدراسیون فوتبال است، سرپوش بگذارند. اما وقتی به‌قول بیادی، بیش از ۹۵درصد دستگاه ورزشی مملکت در اختیار دولت احمدی‌نژاد است، چگونه می‌شود فیفا را خر کرد؟ تکلیف قانون اساسی ولی‌فقیه و رژیم جمهوری اسلامی چه می‌شود؟ چگونه می‌توان در یک حکومت سوپر توتالیتر و دیکتاتوری، فدراسیون فوتبالش را مستقل کرد؟

کیومرث هاشمی، سخنگوی کمیتهٔ انتقالی فدراسیون فوتبال، بعد از شرکت در اجلاس کنفدراسیون فوتبال آسیا در کوالالامپور، در روز ۱۷آذر در تهران در مقابل خبرنگاران قرار گرفت تا با هردروغ و کلکی اصل ماجرا را از آنها پنهان نماید.

ـ ماجرای اولتیماتوم ۴۸ ساعته AFC به ایران از کجا آغاز شد. منابع آگاه می‌گویند که در آن جلسه، بحث اعلام تعلیق تا ۴۸ ساعت آینده را مطرح کردید؟

بله! این پیشنهادی بود که من در جلسه اعلام کردم که ظرف ۴۸ ساعت در همان جلسات مشکلات را حل کنیم که آنها قبول نکردند.

ـ دلیل نپذیرفتن این زمان از سوی سران AFC و فیفا چه بود؟

آنها گفتند ما وقت نداریم در این زمانه به مشکلات رسیدگی کنیم؛ جلسات بعدی باشد برای بعد از ژانویه.

ـ پس انتخابات فدراسیون فوتبال، به زودی برگزار نمی‌شود؟

قرار فیفا و AFC بر این مسأله است اما ما می‌خواهیم این انتخابات زودتر برگزار شود تا فدراسیون به ثبات برسد.

ـ مشکل اصلی برگزار نشدن انتخابات چیست؟

ما معتقدیم اگر اساسنامه را تأیید کردند باید آن را بپذیرند و بر طبق آن عمل کنند، اما آنها نمی‌خواهند این مسأله را قبول کنند. ما از صفحه اول تا آخر این اساسنامه را امضا کردیم آنها هم تأیید کردند و به تصویب هیات وزیران هم رسیده، دیگر نمی‌دانیم مشکل چیست!

ـ مخالفت فیفا با کدام بند از اساسنامه است؟

در این میان هر کس به‌خواسته خود ماده ۲۴ اساسنامه را تعریف می‌کند که درست نیست.

ـ پس به نظر شما این دو نهاد به دنبال چه مسائلی هستند؟

آنها بازی می‌کنند و قطعاً آنها را راهنمایی می‌کنند

حقیقت ماجرا

سایت رسمی کنفدراسیون فوتبال آسیا ۵ دسامبر ۲۰۰۷

کوالالامپور - روز گذشته جلسه‌یی در کوالالامپور به‌ریاست محمد بن‌همام، رئیس کنفدراسیون فوتبال آسیا و عضو کمیته اجرایی فیفا، و نمایندگان فیفا، کنفدراسیون فوتبال آسیا، سازمان تربیت‌بدنی و کمیته انتقالی فدراسیون فوتبال ایران، برگزار شد. در این جلسه فیفا و کنفدراسیون فوتبال آسیا بر موضع قوی خود در مورد ضرورت جدایی فدراسیون فوتبال از هر مداخله دولتی، تاکید کردند.

علاوه بر این سازمان تربیت‌بدنی و کمیته انتقالی جهانی احترام به مقررات و از نظر اساسنامه‌یی هیچ منعی برای حضور علی آبادی در عرصه انتخابات فوتبال وجود نداشت، اما در مقطع حاضر از رئیس سازمان خواستم تا از عرصه انتخابات کنار بکشد.

آیا احمدی‌نژاد از تسلط و کنترل بر یکی از جنجالی‌ترین و حساسترین اراگتهای ورزشی ایران، در شرایط بسیار خطیر کنونی دست خواهد کشید؟ پاسخ بی‌تردید منفی است. در صورت آخوندها باید راهی برای کلاه‌گذاشتن برسر فیفا پیدا کنند و الا فوتبال ایران از حضور در صحنه بین‌المللی محروم خواهد شد.

به‌این ترتیب سرنوشت فوتبال ایران همانند سرنوشت بحران اتمی، هنگامی که این رژیم گورش را از ایران گم کند، روشن خواهد شد●

ایران ورزشی ۲۸آذر۱۳۸۶

دکتر احمدی نژاد رییس جمهوری تصریح کرد:

«متأسفانه فوتبال ما اسیر یکسری باندها است که اجازه نمی‌دهند این رشته پرطرفدار جایگاه خود را در دنیا باز یابد. اعتقاد دارم فوتبال ما جهانی است، اما خروجی آن پایین است و این نیز برمی‌گردد به ساختارهای درونی آن که اجازه نمی‌دهد فوتبال ما بنا بر استعداد و پتانسیلهای موجود، حضوری پر قدرت و پر رنگ در عرصه رویدادهای مختلف داشته باشد.

متأسفانه افرادی از مسائل ایجاد شده سوء استفاده کردند و منافع ملی فوتبال و ورزش را در نظر نگرفتند تا یک بنگاه که ربطی به سازمان ملل و سایر نهادهای بین‌المللی ندارد و البته ما برای آن احترام قائل هستیم در امور ما دخالت کند هرچند که ما به قوانین و مقررات جهانی احترام می‌گذاریم و از نظر اساسنامه‌یی هیچ منعی برای حضور علی آبادی در عرصه انتخابات فوتبال وجود نداشت، اما در مقطع حاضر از رئیس سازمان خواستم تا از عرصه انتخابات کنار بکشد.

آیا احمدی‌نژاد از تسلط و کنترل بر یکی از جنجالی‌ترین و حساسترین اراگتهای ورزشی ایران، در شرایط بسیار خطیر کنونی دست خواهد کشید؟ پاسخ بی‌تردید منفی است. در صورت آخوندها باید راهی برای کلاه‌گذاشتن برسر فیفا پیدا کنند و الا فوتبال ایران از حضور در صحنه بین‌المللی محروم خواهد شد.

به‌این ترتیب سرنوشت فوتبال ایران همانند سرنوشت بحران اتمی، هنگامی که این رژیم گورش را از ایران گم کند، روشن خواهد شد●

میـــلاد مسیح مبـــارک باد

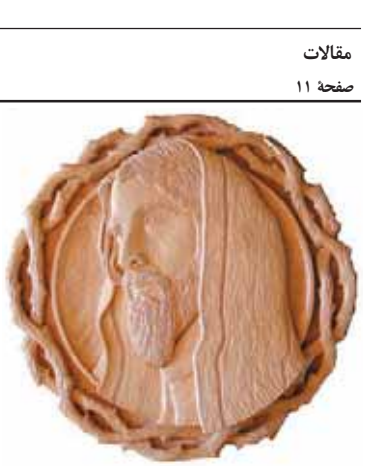

پیامبر کوچک من... (قصه)

کاظم مصطفوی

پیچ بلند و سربالایی راه، دخترک را از نفس انداخت. اما او، عرق کرده و نفس‌زنان، خود را به آن سوی تخته‌سنگ رساند و برادر کوچکش را صدا زد. برادر بدون آن که به او نگاه کند، همچنان اخم کرده، به دورها خیره بود.

دخترک دوباره صدایش کرد. اما او باز هم هیچ نگفت. حتی نگاهش هم نکرد. **و** دخترک یک باره ایستاد. آهی کوتاه کشید و ساکت شد.

با این که در سالی بزرگتر از برادر بود ولی همیشه با احتیاط به او نزدیک می‌شد. خودش نمی‌دانست چرا؟ زیاد هم به این مسأله فکر نکرده بود. بیشتر دوست داشت با برادرش درباره گله کوچکی حرف بزند که به چرا می‌بردند. گذاشتن اسم روی برهه‌ای تازه تولدیافته روزهای خواهر و برادر را پر از رویا می‌کرد. روزهای پر از گفتگو شروع می‌شد و شبها هریک با کشفی جدید، خود را مشغول می‌کردند.

برادر اما چندی بود که حال و هوای گذشته را از دست داده بود. دیگر پرندگان آسمان را مال خودش نمی‌دانست و وقتی از بالای سرشان می‌پریدند، اسمی بر ایشان نمی‌گذاشت. خیلی زود خسته می‌شد؛ گله را به امان خدا رها می‌کرد؛ با بی خیالی، به کنج تخته سنگ پناه می‌برد و از آن بالا به دشت آن سوی کوه خیره می‌شد.

دشتی وسیع که چشم‌اندازی طلایی داشت و در میان همه درختانش درختی سبز، بالابلند؛ از همه، خودنمایی می‌کرد. طوری بود که وقتی آفتاب هم غروب می‌کرد، و زردی مزارع رنگی می‌باخت، هنوز چند لشعه مات نور از لابه لای شاخه‌های انبوه آن دیده می‌شد. آن وقت نگاه کردن به درخت دل و جرأت بیشتری می‌طلبید.

دخترک هرگاه که به درخت، در آستانه تاریکی، نگاه می‌کرد دلش فرو می‌ریخت. و بی اختیار بهانه‌یی می‌جست تا نگاهش را به جای دیگری بدوزد. و حتی به آن فکر نکند.

دخترک گفت: کجایی؟ و بی‌درنگ اضافه کرد: می‌دانستم همین‌جا باید پیدایت کنم. و بعد از این که باز هم سکوت برادر را دید، با اندکی سرزنش اضافه کرد: همین طوری گله را ول می‌کنی و می‌روی.

اما برادر باز هم نمی‌خواست چیزی بگوید. طوری سرش پایین بود که گویی به نافش خیره شده. اما از زیر چشم به درخت چشم دوخته بود.

درخت مثل همیشه طوری قد کشیده بود که آدم را به خود می‌خواند. وقتی دخترک به آن نگاه می‌کرد احساس می‌کرد، مثل حسی در باد، به هوا می‌رود. بعد، بی آن که اختیاری داشته باشد، به سوی مرکزی رازآلود کشیده می‌شود. با باید از آن فرار می‌کرد و یا بدون حتی دست و پا زدنی غرق می‌شد. دختر هیچ‌گاه غرق نشده بود. نمی‌دانست آگر غرق بشود چه می‌شود؟ فقط می‌ترسید و چون می‌ترسید فرار می‌کرد. این بار هم طوری ایستاد که بین برادر و درخت قرار بگیرد. پشت خودش به درخت بود.

برادر بعد از چند لحظه زمزمه کرد: نمی‌شوی؟

دخترک گفت چی را؟

برادر گفت: صدای قمری‌ام را.

خواهر به درخت چشم دوخت. می‌دانست که منظور برادر صدایی است که از میان شاخه‌های درخت به گوش می‌رسد. اما او چیزی نمی‌شنید. با اندکی شرم، آهسته گفت: نه، من چیزی نمی‌شنوم.

پسرک گفت: من می‌شنوم.

دخترک گفت: ولی من، همچنان مثل دیروز، نمی‌شنوم.

پسرک گفت: لابه لای برگها نشسته... و ادامه نداد. طوری سکوت کرد که گویا دارد به یک آواز از نزدیک گوش می‌دهد.

دخترک با شرمندگی گفت: چی می‌شنوی؟

پسرک گفت: می‌گوید اگر می‌خواهی برهات را پیدا کنی بیا این جا!

دخترک می‌ترسید. با همان ناباوری روزهای گذشته گفت: یعنی بروی به درخت برسی؟ و معطل پاسخ نماند. دستش را به علامت نفی تکان داد و تأکید کرد «هرگز!». بعد، وقتی به درخت نگاه کرد ترسش بیشتر شد. چند بار تکرار کرد: نمی‌شود، نمی‌شود، نمی‌شود... و در دل ادامه داد: خودت هم مثل برهات غیب می‌شوی. مثل...

پسرک بدون این که گستاخی کند، گفت: ولی من می‌روم!... نمی‌توانم نروم... طوری که به خواهر نگاه کرد که صدایش هزار بار طنین داشت.

دخترک دیگر طاقت نیاورد. می‌دانست اصرارش فایده ندارد و برادر به «شدن» یا «نشدن»اش کاری ندارد. اگر حتی مادر هم می‌گفت برادر می‌رفت. راست می‌گفت. نمی‌تواند نرود. طوری شده بود مثل این که بگویند نفس نکش. دلش می‌تپید و از وقوع حادثه‌یی نه چندان مبهم خبر می‌داد. بغض کرده، بی‌محابا، فرار کرد.

پسرک به درخت نگاهی کرد و فوج پرندگان را، تا بالا گرفت. رخ در میان موج سبز رنگ شاخه‌ها گم شدند، تعقیب کرد. نسیم سردی می‌وزید و پسرک قهیمد تاریکی دارد پاورچین و بی‌صدا در غروب منتشر می‌شود و او باید به خانه برگردد. برخاست. سرش را بالا گرفت. رخ در فوج چشم‌انداز و گفت: تا فردا حتما حافظ! راه افتاد. چند قدم نرفته، رو برگرداند و این بار، با دست، درخت را نشانه رفت و بلندتر از قبل فریاد زد: آماده باش! فردا می‌آیم تا برهام را پس بگیرم!

پژواک صدایش در دو سوی کوه پیچید و خواهر به صورتی مبهم آن را شنید.

در پایین این سوی راه به خواهر رسید. خواهر داشت نفس نفس می‌زد و وقتی او را دید بدون این که به روی خودش بیاورد خوشحال شد.

می‌دانست به زودی گوسفندها را، که در اطراف پراکنده شده‌اند، جمع خواهند کرد و به آغل خواهند برد. شب، هریک، در بستر، مدتی با خودشان حرف خواهند زد و صبح باز هم راه خواهند افتاد تا کارهای همیشگی را انجام دهند.

دخترک دوست نداشت درباره خیلی چیزها فکر کند. حتی از به‌یادآوردن آنها هم تنش می‌لرزید. دوست داشت به بره شیرمستی فکر کند که پوستش سفید یک دست بود و برادرش او را ساعتها در آغوش می‌فشرد و با او حرف می‌زد. به یاد آورد یک شب، وقتی که دچار بی‌خوابی شده بود، به کلماش زد برود و توی آغل ببیند بره کوچک چکار می‌کند؟ بلند شد و با احتیاط، طوری که مادر بیدار نشود، از اتاق بیرون آمد. از مهتابی کوچک گذشت و خواست به آغل برود که سر پله‌ها متوجه چیزی شد. برادرش بره را در آغوش گرفته و روی پله‌ها خوابش برده بود. بدون این که چیزی بگوید بازگشت و تا صبح نتوانست بخوابد.

همه‌اش در این آرزو بود که روزی برسد و باز هم برادر برای پرندگان تنق آسمان و بره‌های شیطانی که جست و خیزکنان گم می‌شدند، نی بزند.

حال و هوای برادر از آن روز عوض شد که بره کوچک در دامنه کوه ازمیان گله به کناری رفت و دیگر پیدایش نشد. کسی نداشت به کجا رفته است. شاید هم طعمه گرگی شده باشد که همیشه در کمین گوسفندان گله است. برادر گفت خودش دیده که بره از آن سوی کوه پایین رفته. ولی همین که به درخت رسید ناگهان غیبش زد. از همان‌جا برای همیشه غیب شد.

از آن روز برادر دیگر حال و هوش قبلی را از دست داد. بی‌حوصله و کم حرف شد.

گله را ول می‌کند و به کنج تخته سنگ می‌خزد. بدون این که کلامی به زبان بیاورد ساعتها به درخت خیره می‌شود. و آخر سر بلند می‌شود و به خانه بازمی‌گردد. گاهی که حرفی می‌زند فقط می‌گوید عاقبت یک روز به سراغ درخت خواهد رفت.

دختر بلافاصله هراسان گفت نباید به آن سوی کوه بروند. بعد با تلخی خواست چیزی را بگوید که نگفت اما تقریباً فریاد زد «گم می‌شوی». چند بار تکرار کرده بود: غیب می‌شوی، گم می‌شوی، مثل... اما پسرک نمی‌فهمید. مثل این که همه اتفاقات گذشته و سفارش‌ها را از یاد برده بود. یک چیز از دهانش نمی‌افتاد: نه! هر طور شده باید بروم. خواهر به یادش آورد درخت خیلی بزرگ است. ترسناک است. و از دهانش ناگهان کلمه‌یی که نمی‌خواست برزبان بیاورد بیرون افتاد: پدر... دستپاچه و پشیمان حرفش را خورد. به گریه افتاد و بعد احساس تلخ شکست و ناامیدی او را فروبرد.

برسی، هیچ وقت نمی‌توانی از آن بالا بروی، به آن ته کلفتش نگاه کن! هیچ وقت نمی‌توانی، مثل پله‌های مهتابی خانه، از آن بالا بروی و یا ماه حرف بزنی...

پسر، در تأیید او گفت: آره. من هم مثل تو از هیبت درخت خیلی می‌ترسم. از غیب شدن می‌ترسم. ولی برهام به آن جا رفته و قمریم در میان شاخه‌های آن نشسته است.

تصور از دست دادن برادر دختر را بدجوری عذاب می‌داد. گفت: قمری زیاد است ولش کن! ولی برادر گفت: آن قمری من را ول نمی‌کند. توی خواب هم می‌آید و هی صدایم می‌کند.

بعد، غافل از این که خواهر همه چیز را می‌داند، جریان رفتن شبها نزد بره را اعتراف کرد. خواهر هم از قول مادر داستان درخت را تکرار کرد. از روح شیطانی درخت گفت که از راه نفس کشیدن وارد بدن می‌شود. می‌رود توی خون آدم. هرکس بدون چشم‌زخم برود زیرش خفه می‌شود. نباید گول درخت را خورد. از دور سز است و نزدیک شوی بیشتر می‌فهمی که نباید به او نزدیک شد. درخت چیزهای بیشتری هم گفت. چیزهایی که خودش هم می‌دانست خیالات خودش، اضافه برحرفهای مادر، است. شاید هم به همین خاطر بود که برادر آنها را جدی نگرفت. اصلا به این که گویی آن را شنیده است. حرف خودش را تکرار کرد که باید برود و یک روزی می‌رود.

هرچند روزها گذشت و برادر نرفت، اما هیچ وقت هم خیال خواهر راحت نشد. تا آن روز که برادر باز هم گله را رها کرد و به کنج تخته سنگ خزید. دخترفت و پوانکی نگاهش کرد. برادر نشسته و به درخت خیره شده بود. دختر هم به درخت خیره شد. درخت در زیر نور خورشید می‌درخشید. از میان شاخه‌های انبوهش یک فوج پرنده بلند شد و در سینه آسمان پر کشید. دختر حس کرد یکی از آن پرنده‌هاست. حس کرد در آسمان است. حس کرد به طرف ابرها می‌رود. در ابرها غرق می‌شود. تکدیی از آسمان می‌شود و بعد وقتی که به خود آمد هوا تاریک شده بود. برادر همان طور نشسته بود و چشم از درخت برنمی‌داشت. دختر به شدت احساس گناه کرد وقتی که به یادآورد گله را فراموش کرده است. برادر را صدا زد و بدون این که منتظر او بماند خود را به پایین کوه رساند و دید که تمام گوسفندان گله یک جا جمع شده‌اند. بدون این که گرگی به سراغشان آمده باشد. با یکی از آنها، که بازیگوش‌تر از بقیه است، در کوره راه پرتی گم شده باشد.

همین شب برادر کفشهای زمستانی خودش را پوشید. طوری بندهای آن را بست که انگار می‌خواهد به جنگی سخت و طولانی برود. کمربندش را هم محکمتر از هرروز بست، ازحلق کوچکش را بردوش انداخت و چوب دستی و نی‌نی‌اش را هم برداشت. طوری از در خارج شد که هرکس او را می‌دید می‌فهمید. دیگر نمی‌خواهد بازگردد. حتی، برخلاف همیشه، از مادر هم خداحافظی نکرد.

در چراگاه دخترک از دور نگاهش می‌کرد. طوری که متوجه نشود او را زیر نظر داشت. اما دلش می‌تپید و دلهایش می‌لرزید. می‌دانست آن فرارها تقصیر برادرش نبوده است. به خاطر اتفاقی است که روزها انتظارش را می‌کشد و باید امروز بیفتد. چند بار رفت پشت سنگی و از پشت آن به برادر خیره شد.

پسرک احموز از روزهای قبل بود. بالاخره بعد از ظهر بود که به طرف بالای کوه راه افتاد. دختر دنبالش کرد. پسرک چوبه‌سنی‌اش را محکم به زمین می‌کوفت. رفت روی تخته سنگ بزرگ ایستاد. رویش به طرف درخت بود. چرهایی گفت که طنینی مبهم در دو سوی کوه داشت. چند فوج پرنده از لابه لای درخت پر کشیدند.

چقدر گذشت دختر نمی‌دانست! او هم گله را ول کرده بود.

پسرک از تخته سنگ پایین آمد و به طرف درخت رفت. دختر نمی‌توانست نفس بکشد. ولی خود را جایی پنهان کرد تا همه چیز را ببیند. از توی شاخه‌های درخت، یک فوج پرنده، که همه یک رنگ بودند، پرکشید و در ابرها گم شد. دختر به درخت نگاه کرد. بزرگتر از قبل شده بود. درست که نگاه کرد داشت بزرگتر می‌شد. آن قدر بزرگ که تمام آسمان را گرفت.

پسرک بدون ترس داشت از دخترک دور می‌شد. برای چند لحظه در یک نشیب کوچکش پنهان شد. دخترک بیشتر ترسید. ولی سر پسرک از پشت دیده شد. داشت به درخت نزدیک می‌شد. ته درخت آن قدر کلفت شده بود که از دور ترکهای پوستش را به راحتی می‌شد دید. سایه خشن و ترسناکی داشت. در یک دست برادر رشته طنابی بود که از صبح با خود آورده بود.

کوچکی برادر و هیکل حجیم درخت، دل دختر را بیشتر خالی کرد. برای یک لحظه از دست لجبازی برادر حرصش گرفت. خواست فریادی بزند. نتوانست.

پسرک داشت طی می‌رفت. گلهایش چنان در طفرار فرو می‌رفت که گویی کسی در دریایی غرق می‌شود. لحظه به لحظه آب بالاتر می‌آمد. پسرک تا کمر در آب بود. نزدیک درخت که رسید مثل این که کسی را مخاطب قرار داده است، ایستاد. چیزی گفت که دختر نشنید. بعد کمندش را این دست و آن دست کرد. آن را دور سرش چرخ داد و با قوت هرچه تمامتر به طرف شاخه درخت پرتاب کرد. طناب نرسیده به شاخه برزمین افتاد. پسر جمعش کرد. دوباره چرخ داد و همان حرکت را تکرار کرد. کمند باز هم برزمین افتاد.

از نفس نفس زدن برادر، باید خودش افتاد و دید دارد به سختی نفس می‌کشد. مثل او عرق کرده بود. طناب دوباره به هوا پرتاب شد. تمام افسانه‌های مادر، یک به یک، جلو چشمش زنده شدند. مردی، در قلعه جادو را بار کرد، با نیزه آتشین به چشم هیولا زد و او را رکور کرد. بی‌اختیار از خود پرسید آیا درخت اسیر کمند نمی‌گذارد... حکست خدا نیز فرموده است که به سوی ایشان ایلیا و رسولان می‌فرستم و بعضی از ایشان را خواهند کشت و بر بعضی جفا خواهند کرد. تا انتقام خون جمیع انبیا که از بنای عالم ریخته شد، از این طبقه گرفته شود. از خون هابیل تا خون ذکریا که در میان مذبح و هیکل کشته شد. بلی به شما می‌گویم که از این فرقه بازخواست خواهد شد».

انجیل لوقا ـ ۱۲ «

«بیرهیزید از کاتبانی که خرامیدن در لباسهای دراز را می‌پسندند و سلام در بازارها و صدر کنائس و بالا نشستن در ضیافتها را دوست می‌دارند و خانه‌های بیوه زنان را می‌بلعند و نماز را به ریاکاری طول می‌دهند. اینها عذاب شدیدتر خواهند یافت».

انجیل لوقا. ۲۰ و ۴۷

«این قوم به لبهای خود مرا حرمت می‌دارند، لیکن دلشان از من دور است... پس بدیشان گفت که حکم خدا را نیکو باطل ساخته‌اید تا تقلید خود را محکم بدارید».

انجیل مرقس ـ ۷

«چون روزه دارید مانند ریاکاران ترش‌رو مباشید. زیرا که صورت خود را تغییر می‌دهند تا در نظر مردم روزه‌دار نمایند... لیکن تو چون روزه‌داری، سرت را روغن بزن و صورت را بشوی تا درنظر مردم روزه‌دار ننمایی ...».

انجیل متی ـ ۶

«هرکه از شما بزرگتر باشد، خادم شماست و هرکه خود را بلند کند، پست گردد و هرکه فروتن شود، سرفراز گردد... وای برشما ای کاتبان و فریسیان ریاکار که دهرای ملکوت آسمان را به‌روی مردم می‌بندید، خودتان وارد نمی‌شوید و طالبان ورود را مانع می‌شوید. وای برشما راهنمایان کور که پشه را صافی می‌کنید و شتر را فرو می‌بلعید. وای برشما ای کاتبان! و آنرو که بیرون پیاله و بشقاب را پاک می‌کنید و درون آنرا سرشار از جبر و ظلم می‌دارید، ای کاتبان ریاکار که چون قبرهای سفیده شده می‌باشید که از بیرون نیکو می‌نماید لکن درون آنها از استخوان مردگان و پلیدیها پر است».

انجیل متی ـ ۲۳

«آنچه در تاریکی به شما می‌گویم، در روشنایی بگویید و آنچه در گوش می‌شنوید بر بامها موعظه کنید... و هر که پدر یا مادر یا بیش از من دوست دارد، لایق من نباشد و هر که پسر یا دختر را از من زیاده دوست دارد، لایق من نباشد و هر که صلیب خود را برنداشته از عقب من نباید لایق من نباشد. هر که جان خود را دریابد آن را هلاک سازد و هر که جان خود را به‌خاطر من هلاک کرد، آنرا درخواهد یافت».

انجیل متی باب ـ۱۱

«وای برشما ای کاتبان و فریسیان ریاکار که درملکوت آسمان را به‌روی مردم می‌بندید زیرا خود داخل آن نمی‌شوید و داخل شوندگان را از دخول مانع می‌شوید... وای برشما ای کاتبان و فریسیان ریاکار که قبرهای انبیا را بنا می‌کنید و مدفنهای صادقان را زینت می‌دهید و می‌گویید: اگر در ایام پدران خود می‌بودیم در ریختن خون انبیا با ایشان شریک نمی‌شدیم. پس برخود شهادت می‌دهید که فرزندان قاتلان انبیا هستید. پس شما پیمانه پدران خود را لبریز کنید ای ماران و افعی‌زادگان چگونه از عذاب جهنم فرار خواهید کرد؟»

انجیل متی باب ـ۲۳

«اینان که خانه‌های بیوه‌زنان را می‌بلعند و نماز را به ریا طول می‌دهند عقوبت شدید خواهند یافت».(

انجیل مرقس باب ـ۱۲

«اما به عیسی به کوه زیتون رفت. و بامدادان باز به هیکل آمد چون جمیع قوم نزد او آمدند نشسته، ایشان را تعلیم می‌داد. که ناگاه کاتبان و فریسیان زنی را که در زنا گرفته شده بود، پیش او آوردند و او را در میان برپا داشتند، بدو گفتند : ای استاد، این زن در عین عمل زنا گرفته شده، و موسی در تورات به ما حکم کرده است که چنین زنان سنگسار شوند، اما تو چه می‌گویی؟ و این را روی امتحان بدو گفتند تا ادعایی بر او پیدا کنند. اما عیسی سر به زیر افکنده، به انگشت خود بر روی زمین می‌نوشت. و چون در سؤال الحاح می‌نمودند، راست شده بدیشان گفت: هرکه از شما گناه ندارد، اول سنگ براو اندازد و باز سر به زیر افکنده، بر زمین می‌نوشت. پس چون شنیدند، از ضمیر خود ملزم شده از مشایخ شروع کرده تا به آخر، یک به یک بیرون رفتند و عیسی تنها یافی ماند با آن زن که در میان ایستاده بود. پس عیسی چون راست شد و غیر از آن زن کسی را ندید بدو گفت: ای زن آن مدعیان تو کجا شدند؟ آیا هیچ کس بر تو فتوا نداد؟ گفت: هیچ کس ای آقا. عیسی گفت: من هم بر تو فتوا نمی‌دهم. برو دیگر گناه مکن».

انجیل یوحنا باب ـ۸

گزیده‌هایی از عیسای مسیح(ع)

«من نان حیات هستم کسی که نزد من آید هرگز گرسنه نشود و هرکه به من ایمان آرد هرگز تشنه نگردد».

انجیل یوحنا باب ـ۶

«اینک بنده من که برگزیدم و حبیب من که خاطرم از وی خرسند است. روح خود را بر وی خواهم نهاد. تا انصاف را بر امتها اشتهار نماید... تا آن که انصاف را به نصرت در آورد و به نام او امتها امید خواهند داشت».

انجیل متی ـ۱۲

«سؤال کنید که به شما داده خواهد شد، بطلبید که خواهید یافت. بکوبید که برای شما باز کرده خواهد شد. زیرا که هرکه سؤال کند، بیابد و کسی که بطلبد دریافت کند و هر که بکوبد برای او گشاده خواهد شد».

انجیل متی باب ـ۱

«روح خدا در من است، زیرا که مرا مسح کرد تا فقیران را بشارت دهم و مرا فرستاد تا شکسته‌دلان را شفا بخشم و اسیران را به رستگاری و کوران را به بینایی موعظه کنم و تا کوبیدگان را آزاد سازم».

انجیل لوقا ـ۴

«خوشا به حال زحمتکشان برای عدالت، زیرا که ملکوت آسمان از آن ایشان است».

انجیل متی ـ۵

«وای برشما ای کاتبان و فریسیان ریاکار، وای بر شما نیز ای فقیهان، زیرا که بارهای گران بر مردم می نهید و خود بر آنها یک انگشت هم نمی‌گذارید... حکست خدا نیز فرموده است که به سوی ایشان انبیا و رسولان می‌فرستم و بعضی از ایشان را خواهند کشت و بر بعضی جفا خواهند کرد. تا انتقام خون جمیع انبیا که از بنای عالم ریخته شد، از این طبقه گرفته شود. از خون هابیل تا خون ذکریا که در میان مذبح و هیکل کشته شد. بلی به شما می‌گویم که از این فرقه بازخواست خواهد شد».

انجیل مرقس باب ـ۱۲

«پس بدیشان گفت: هرکه از شما گناه ندارد، اول سنگ براو اندازد و باز سر به زیر افکنده، بر زمین می‌نوشت. پس چون شنیدند، از ضمیر خود ملزم شده از مشایخ شروع کرده تا به آخر، یک به یک بیرون رفتند و عیسی تنها یافی ماند با آن زن که در میان ایستاده بود. پس عیسی چون راست شد و غیر از آن زن کسی را ندید بدو گفت: ای زن آن مدعیان تو کجا شدند؟ آیا هیچ کس بر تو فتوا نداد؟ گفت: هیچ کس ای آقا. عیسی گفت: من هم بر تو فتوا نمی‌دهم. برو دیگر گناه مکن».

انجیل یوحنا باب ـ۸

در سالروز میلاد پیامبر بزرگ عشق و رهایی یاد شهیدان گرانقدر مسیحی را گرامی می‌داریم

در سالروز میلاد مسیح یاد شهیدان و قهرمانان مسیحی را گرامی می‌داریم که در صفوف مجاهدین در رویارویی با ارتجاع مذهبی حاکم برمیهنمان جان خود را فدیه آزادی مردمشان کردند. از مجاهد شهید یروم ستاقیان دلاور که به یاری مجاهدین شتافت و در نبرد با پاسداران جهل و ارتجاع به شهادت رسید تا فیلیپ یوسفیه قهرمان که با شوری مسیح‌وار سر در راه جانان نهاد و با دلاوری در نبرد با آخوندها در راه آزادی جان فدا کرد.

مجاهد شهید فیلیپ یوسفیه

زرمنده پرشور آزادی، مجاهد شهید فیلیپ یوسفیه در سال۱۳٤۲ در ارومیه به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در همان شهر ادامه داد و در رشته علوم تجربی فارغ التحصیل شد. در سال۱۳٦٤ که ناگزیر به رفتن به جبهه‌های جنگ ضد میهنی آخوندی را شد هیچ‌گونه گرایش سیاسی نداشت. پس از مدتی او به اسارت در آمد و در اردوگاه اسیران بود که با مجاهدین آشنا شد. همان‌جا بود که تصمیم گرفت به مجاهدین بپیوندد و به قول خودش: «لزوم مقاومت و ایستادگی درمقابل رژیم پلید آخوندی را لمس کردم و فهمیدم که دیگر نباید بی‌تفاوت باقی بمانم» براساس این شناخت بود که بلافاصله در تقاضانامه «اینجانب فیلیپ یوسفیه، فرزند سامسون، خواستار پیوستن آزادانه و مختارانه به مجاهدین هستم. این حق مسلم من است که در پاسخ به ندای وجدان برای آزادسازی مردم و میهنم از دست رژیم خمینی به مجاهدین بپیوندم».

فیلیپ از این پس با مجاهدین از نزدیک آشنا شد و روز به روز به آنها نزدیکتر و نزدیکتر شد. او شیفته انقلاب ایدئولوژیک مجاهدین بود و در نامه‌یی به فرمانده خودش در این باره نوشته است: «باردیگر خواهر مریم واقعیتها را بازگشت. آن‌چه را در درونم وجود داشت، به من نشان داد. با هشیاری کامل نوار صحبتهای خواهر مریم را گوش می‌دادم. احساس می‌کردم تشنام. این عطش مرا هوشیارتر می‌کرد. حرفهای خواهر مریم، خردخرد در ذهنم جای می‌گرفت. انگار چشمهایم به‌چیز جدیدی افتاده و خیره شده است. خواهر مریم همه‌اش از فدا و صداقت می‌گفت. خصوصاً بر صداقت بسیار تکیه داشت و از ما می‌خواست که صادق باشیم».

فیلیپ می‌گفت که خیلی کارها دارم که باید انجام بدهم؛ باید حق مجاهدین را ادا کنم»

سرانجام فیلیپ شجاع و صادق به عهد خود با خدا وفا کرد و در روز ۱۱آبان۷٦ پس از یک رزم جانانه در خاک میهن با دشمن ضدبشری به شهادت رسید.

کشیش آزاده مهدی دیباج

کشیش آزاده مهدی دیباج در سال۱۳٦٤ به اتهامات واهی به دادگاه آخوندی کشانده شد ولی در همان بیدادگاه نیز حکم برائتش صادر شد. چندی بعد مجدداً به دادگاه احضار شد و در این دادگاه بود که در برابر آخوندها از عقایدش دفاع کرد. آخوندها او را به اتهام ارتداد محکوم به مرگ کردند. این حکم ظالمانه، موجی از اعتراض همگانی را برانگیخت. اسقف آزاده دیگر مهمنان، هایک هوسپیان مهر، که در آن زمان رهبری کلیساهای ربانی ایران را به عهده داشت، یک اعتراض بین‌المللی گسترده را در دیباج به حکم محکومیت کشیش آزاده دفاعیه ارزشمندی به جا مانده است که در سالروز میلاد مسیح بخشهایی از آن را نقل می کنیم:

«با نهایت فروتنی از داور آسمانها و زمین برای این فرصت گرانبها سپاسگزارم. و با خضوع و خشوع برای او انتظار می‌کشم تا مطابق وعده‌های خود مرا از این محاکمه رستگار فرماید... من ناچیز مسیحی هستم...مسیح جرم گناهان ما را مجدداً در سال۷۳ در کرج روبده و با قساوت تمام توسط ضربات متعدد چاقو به قتل رساندند. هرچند آخوندها گناه قتل او را به گردن مجاهدین انداختند اما شهادت بعدی مسیحان آزاده، از جمله اسقف هایک هوسپیان مهر و ... چنان رسوایی بزرگی برای آخوندها به وجود آورد که به عنوان یکی از میلهترین لکه‌های ننگ حاکمیت آخوندی به ثبت رسید. از کشیش آزاده دفاعیه ارزشمندی به جا مانده است که در سالروز میلاد مسیح بخشهایی از آن را نقل می کنیم:

«با تمام تمام توسط ضربات متعدد چاقو به قتل رساندند. هرچند آخوندها گناه قتل او را به گردن مجاهدین انداختند اما شهادت بعدی مسیحان آزاده، از جمله اسقف هایک هوسپیان مهر و ... چنان رسوایی بزرگی برای آخوندها به وجود آورد که به عنوان یکی از میلهترین لکه‌های ننگ حاکمیت آخوندی به ثبت رسید. از کشیش آزاده دفاعیه ارزشمندی به جا مانده است که در سالروز میلاد مسیح بخشهایی از آن را نقل می کنیم:

«با حیات تازه بخشید تا به یاری روح‌القدس برای جلال خدا زندگی کنیم و سدی باشیم در برابر فساد(متی ۱۳:۵) و کاتالی باشیم برای برکت و نشا (متی ۱٤:۵) و خود را در محبت خدا محفوظ بداریم(یهودا۲۱)... به پاس این همه لطف، از این بنده ناچیز خود خواسته نفس خود را انکار کنم و جان بر کف پیرو او باشم(لوقا۲۳:۹) ... به من تهمت ارتداد زده‌اند! خدای نادیده که عارف قلوب است به ما مسیحیان اطمینان بخشیده که از مرتدان نیستیم تا هلاکت شویم، بلکه از ایماندارانیم تا جان خود را نجات دهیم.(عبرانیان ۱۰:۳۹).

در قله اسلامی هم مرتد به کسی گفته می‌شود که به‌خدا، انبیا و معاد ایمان ندارد. ما مسیحیان به هر سه ایمان داریم... من می‌دانم به کی ایمان دارم. او قادر است امانت مرا تا به آخر حفظ کند تا به ملکوت برسم، جایی که عادلان مثل خورشید می‌درخشند(متی ۴۳:۱۳). اما بدکاران در آتش جهنم به سزای خود می‌رسند.(لوقا۲۸:۱۳)...

۲۸آبان۸۹

مجاهد
نشریه مجاهدین خلق ایران
شمارهٔ ۸۸۵
Mojahed 885
دوشنبه ۳دی ۱۳۸۶
۱۳ذیحجه ۱۴۲۸
December 24 2007
2US$ 1.5Pounds 3SFR 3C$ 2€

۱۵ذیحجه (۵دی) ولادت دهمین پیشوای تشیع انقلابی امام علی‌النقی(ع) مبارک باد

شورای امنیت ملل متحد گزارش تحریم رژیم توسط ۸۷کشور را منتشر کرد

تاکنون ۸۷ کشور عضو ملل متحد قطعنامه۱۷۳۷ و ۷۱کشور قطعنامه ۱۷۴۷ را علیه رژیم ایران به اجرا درآوردند و گزارش آن را به کمیته نظارت ارائه داده‌اند.

در صفحه۶

مجمع عمومی ملل متحد با تصویب قطعنامه‌یی «نقض سیستماتیک حقوق بشر» در ایـــران را محکوم کرد

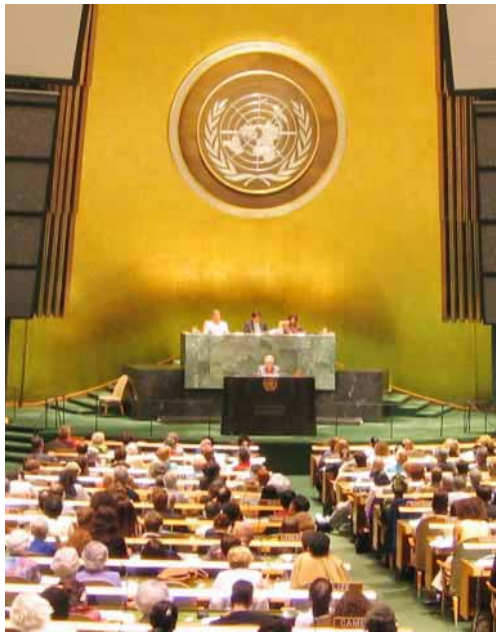

رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت تصویب این قطعنامه را تبریک گفت و خواستار ارجاع پرونده وخیم نقض حقوق بشر در ایران به شورای امنیت ملل متحد جهت اتخاذ تصمیمات لازم الاجرا گردید

شامگاه سه‌شنبه ۲۷آذر۸۶ مجمع عمومی ملل متحد، به‌رغم توطئه‌ها و زد وبندهای فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران، قطعنامه محکومیت نقض وحشیانه حقوق بشر در ایران را به تصویب رساند. این قطعنامه که پنجاه و چهارمین قطعنامه ارگانهای مختلف ملل متحد علیه نقض حقوق بشر توسط رژیم آخوندی است نگرانی عمیق خود را «از نقض سیستماتیک حقوق بشر و آزادیهای پایه‌یی در جمهوری اسلامی ایران» ابراز کرد و از دبیر کل ملل متحد خواست تا یک گزارش همه جانبه از وضعیت نقض حقوق بشر در ایران به اجلاس بعدی مجمع عمومی ارائه کند.

در صفحه۳

رئیس‌جمهور آمریکا: اگر رژیم ایران غنی‌سازی اورانیوم را متوقف نسازد، هم‌چنان یک تهدید برای صلح خواهد بود

رژیم ایران دو جزء از سه جزء ضروری برای کسب بمب اتمی و تبدیل‌شدن به یک قدرت هسته‌یی را هم‌چنان فعال نگه داشته است

ـ اگر گزارش جامعه اطلاعاتی را به‌دقت بخوانید، این گزارش می‌گوید، رژیم ایران یک تهدید است؛ تهدیدی برای صلح، و اگر ما فعالیت تأسیسات غنی‌سازی را متوقف نکنیم، تهدیدی برای صلح خواهد بود.

ـ یک برنامه تسلیحات هسته‌یی، سه جزء دارد: یکی از آنها غنی‌سازی اورانیوم است. «به‌رغم این که اغلب جهان به رژیم ایران گفته‌اند، غنی‌سازی خود را متوقف کنید، این برنامه هم‌چنان فعال می‌باشد».

در صفحه۶

نگاهی به گزارشهای خبری پیرامون چهارمین دور گفتگوهای رژیم آخوندی با آمریکا درباره امنیت عراق

تلویزیون صدای آمریکا: رژیم ایران اصرار دارد موضوع مجاهدین را در فهرست گفتگوها بگنجاند اما آمریکا قبول نمی‌کند.

به گزارش رویتر وقتی از سخنگوی وزارت خارجه رژیم در مورد سازمان مجاهدین خلق ایران که در عراق پایگاههایی دارد، سؤال شد وی گفت: «وقتی نوبت به عناوین بحث برسد، ما به فعالیتهای برخی از گروههای تروریستی اشاره خواهیم کرد که در فهرست گفتگوها قرار بگیرد».

ـ سخنگوی دفتر اروپایی مجاهدین در اسلو خطاب به رژیم آخوندی گفت: هم‌چنان که رهبر مقاومت گفت: بفرمایید باز هم مذاکره کنید! خواهش می‌کنیم مذاکره کنید! خواهش می‌کنیم از عراق و اتمی عقب بنشینید و وایس بنمرگید! در این‌صورت مردم ایران و جوانان مبارز و مجاهد این میهن، خوب می‌دانند شما را با ارتش قیام، چگونه جارو کنند و به زباله‌دان تاریخ بریزند!

در صفحه۴

سوابق پاسدار جنایتکار محمد جعفری صحرارودی تحت‌عنوان «رئیس هیأت دیپلوماتیک» رژیم آخوندی برای مذاکره با آمریکا

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران در پاریس اعلام کرد: محمد جعفری «رئیس هیأت دیپلوماتیک» رژیم آخوندی برای چهارمین دور مذاکرات با آمریکا در بغداد، همان جعفری صحرارودی، قاتل مردم کردستان و پاسدار-تروریست مذاکره‌گر در ترور دکتر عبدالرحمان قاسملو در روز ۲۲تیر ۱۳۶۸ می‌باشد و بایستی بلادرنگ دستگیر و در یک دادگاه بین‌المللی محاکمه شود.

در صفحه۴

بیانیه ۸۳نماینـــده مجلس عوام انگلستان علیه نقض حقوق‌بشر توسط رژیم آخوندی

امضاکنندگان این بیانیه اعدام ماکوان مولودزاده را که هنگام جرم انتسابی ۱۳سال داشت، محکوم کردند.

در صفحه۳

رئیس‌جمهور فرانسه بر ضرورت تشکیل کشور مستقل فلسطینی تا قبل از پایان سال ۲۰۰۸ تأکید کرد

نیکولا سارکوزی گفت این کشور «از غزه در ساحل غربی تا شرق بیت‌المقدس گسترده است. وقت پایان دادن به اشغالگری فرا رسیده است».

رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت ایران تأکیدبر ضرورت تشکیل دولت مستقل و دموکراتیک فلسطین را به رئیس‌جمهور فرانسه و رئیس دولت فلسطین تبریک گفت و آن را گام شجاعانه‌یی برای صلح و امنیت و دموکراسی در این منطقه از جهان خواند

در صفحه۳

جلسه پارلمانی «رژیم ملاها در جنگ با بشریت» در سالن بزرگ پارلمان کانادا برگزار شد

سخنرانان سرکوب جوانان و دانشجویان توسط رژیم آخوندی را محکوم کردند

به دعوت گروه «دوستان ایران دموکراتیک»، یک جلسه پارلمانی در سالن بزرگ پارلمان کانادا باعنوان «رژیم ملاها در جنگ با بشریت» با شرکت شماری از نمایندگان مجلس کانادا و مشاوران آنها و هم‌چنین حامیان مجاهدین و مقاومت ایران برگزارشد. سخنرانان در این جلسه صدور رأی دادگاه انگلستان درمورد حذف نام مجاهدین از لیست تروریستی را گواه دیگری برحقانیت مقاومت مجاهدین خلق ایران در برابر فاشیسم مذهبی حاکم برایران توصیف کردند.

ـ وارن کرینس، حقوقدان برجسته کانادایی و از اعضای کمیته بین‌المللی حقوقدانان برای دفاع از اشرف: مبارزه تمام نشده ولی در یک نبرد عظیم پیروز شدیم. دادگاهها به ندرت تصمیمات دولت را خطا و غیرعقلانی می‌نامند. اما دادگاه انگلستان این موضع غیرمعمول را داشت

ـ پل فورست، نماینده سابق پارلمان کانادا: کسی نباید اعتراضات دانشجویی درکانادا را با شجاعت ایرانیانی که در زیر ترور ملایان دست به تظاهرت می‌زنند، همسان کند

ـ دیوید کیلگور، مسئول سابق امور آسیای جنوبی در وزارت کشور: این برای من آزاردهنده است که در کشورهای دموکراتیک زندگی را برای ایوزیسیون دموکراتیک رژیم ایران این‌قدر مشکل کرده‌ایم

در صفحه۳

در صفحات دیگر

یـــادداشت

«امام‌زاده» دروغگو
منوچهر هزارخانی
در صفحه۸

گزارش وزارت دفاع آمریکا: رژیم ایران هم‌چنان به ارسال سلاح و تکنولوژی به عراق ادامه می‌دهد

وزارت دفاع آمریکا طی گزارشی، اعلام کرده است که رژیم ایران همچنان به ارسال سلاح و تکنولوژی برای شبه‌نظامیان در عراق ادامه می‌دهد و مواد انفجاری پیچیده، راکت و خمپاره را به داخل عراق وارد می‌کند.
در صفحه۵

ژنرال ریموند اودیرنو جانشین فرمانده نیروهای چندملیتی در عراق: واگذاری امور امنیتی شهر بصره به نیروهای عراقی ممکن است خلأ قدرت را توسط رژیم ایران پر کند
در صفحه۵

جاده صافکنهای جنـــگ (۱۳)
درباره سیاست اپیزمنت غرب در مقابل فاشیسم در دهه سی قرن بیستم

«وقتی روز موعود و پای عمل فرارسید، بالدوین آنخست وزیروفت بریتانیا[1] از گرفتن تصمیم لازم عاجز ماند و آدر مقابل ایتالیا که به حبشه حمله کرده بود[2] جازد... این‌طوری جامعه ملل را به یک مصیبت کامل دچارکردند، آلرنگویی که تیرخلاص به آن زدند».
صفحه ۹

دادستان کل آرژانتین: دستور بمبگذاری سفارت اسرائیل در این کشور از سوی بالاترین مقامات رژیم ایران صادر شده است

دادستان آرژانتین فاش کرد تلفنهای تهدیدآمیزی از سوی رژیم ایران دریافت کرده و تهدید به مرگ شده است.
صفحه ۴

دستاویز اقتصادی بازیگران نمایش «انتخابات»!
در صفحه۶
یزدان حاج‌حمزه

رازها و جذابیتهای پنهان زندگی

در حاشیه نمایشگاه نقاشی استاد بهرام علیوندی در پاریس
در صفحه ۸

صدور قطعنامه لغو حکم اعدام از سوی مجمع عمومی ملل متحد
در صفحه ۳
این قطعنامه با مخالفت شدید رژیم ایران روبه‌رو شد

رژیم ضدبشری آخوندی ۹زندانی را در تهران، زاهدان و اصفهان به دار آویخت

در زندان اوین چهار نفر در محوطه زندان حلق‌آویز شدند که یک نفر از آنها زن بود (روزنامه‌های حکومتی جمهوری ۲۷آذر و اول دی ـ اعتماد ۲۹آذر).

مقالات:

ـ رسوایی مأموران وزارت اطلاعات در رابطه با تماس دغلکارانه با شعبه صلیب سرخ در شهر بن (آلمان)
ـ بحران اتمی، بحران فوتبال
حسن نایب آقا
در صفحه۷

ـ دوان بر قیرگداخته روزها (شعر)
کاظم مصطفوی

ـ حرف اول را امروز عمامه می زند!
جمشید پیمان
در صفحه۸

ـ پیامبر کوچک من... (قصه)
کاظم مصطفوی
صفحه۱۱

حکم دادگاه شیراز در مورد بریدن دست و پای چهار جوان

سرمقاله

نانوشته‌های قطعنامه‌ها

مجمع عمومی ملل متحد، عالیترین مرجع بین‌المللی، امسال درقطعنامه مصوب خود ـ که پنجاه وچهارمین قطعنامه محکومیت رژیم از سوی ارگانهای ملل متحد است ـ «نقض سیستماتیک حقوق‌بشر» در ایران انگشت تأکید گذاشته است. اگر سیاست مماشات طی دو دهه گذشته، حقوق‌بشر را در بندوبست با ملایان وحشی به فروش نمی‌گذاشت، جامعه جهانی خیلی بیشتر و بیشتر بر جنایات سازمانیافته فاشیسم مذهبی در ایران اسیر چشم می‌گشود. صحنه‌های شکنجه خیابانی زنان و جوانانی که با چهره‌های کبود و خون‌آلود در زیر مشت و لگد گزمه‌های نقابدار بر زمین کشیده می‌شوند، نه فقط سند جنایت آخوندها، بلکه سند ننگ استمالت‌گرانی است که امثال استرا و سولانا را واسطه زدوبند با ملایان کردند و بعد از ملاقاتهای نوبه‌یی با پاسدار لاریجانی و پاسدار جلیلی، خود به بیهودگی سیاستشان و سرخوردگی خودشان اذعان کردند. آیا کلمات بیهودگی و سرخوردگی رساست؟ آیا تعبیر «کمک به جنایت علیه بشریت» برای این سیاست فاجعه‌بار مناسبتر نیست؟ در سالهای اخیر چشمان حیرت‌زده جهانیان در فیلمها و اسناد منتشرشده از سوی مقاومت، شاهد صحنه‌های چشم دراوردن و سنگسار و به دارکشیدن جوانان ایران به دست ملاها بوده است. دولتمردان مماشاتگر، اما، از دو دهه پیش می‌دانستند که دست چه کسانی را می‌فشارند. سندی که درکنار این ستون ملاحظه می‌کنید، یک نمونه از احکام بیدادگاههای آخوندی در بحبوحه «گفتگوی تمدنها»ست که دستور بریدن دست و پای چهار جوان ایرانی را صادر کرده است!

سند تصادفاً مربوط به مردادسال ۸۱ است. همان سال و ماهی که شورای عالی امنیت رژیم درخواست بمباران مجاهدین را در جنگ محتمل عراق توسط محسن رضایی، دبیر مصلحت نظام علنی کرد و بعدها نقش واسطه‌های انگلیسی اجرای این جنایت هم برملا شد. اگر به صفحات روزنامه اطلاعات ۱۱مهر ۱۳۶۰ هم مراجعه کنید، خواهید دید که رفسنجانی با بیرون‌ریختن عمق هراس و کینه فاشیسم مذهبی علیه مجاهدان آزادی، می‌گوید: «بر طبق فرامین الهی

۴حکم بر اینها لازم الاجر است. ۱ـ کشته شوند

۲ـ به دار کشیده شوند ۳ـ دست و پایشان را قطع کنیم

۴ـ اینها از جامعه جدا شوند... اگر آن روز (منظورم اوایل انقلاب است) ۲۰۰نفر از اینها را می‌گرفتیم و اعدامشان می‌کردیم امروز این قدر نمی‌شدند»

برای اجرای همین «احکام الهی» بود که سران دیکتاتوری دینی، از مماشاتگران مدعی «لائیسیته» خواستار برچسب تروریستی علیه پیشتازان آزادی ملت ایران شدند. آیامعامله‌گران نمی‌دانستندکه با اجابت درخواست ملایان، تیغ خونریزی را به دست چه جلادانی می‌دهند؟ امروز احکام دادگاههای کشوری و فراکشوری غرب، راهی جز نفی کامل و قاطع برچسب تروریستی آن‌هم با توصیف «فرعقلانی» نمی‌یابند. کسانی که برای ابراز حسن‌نیت به آخوندها به پیشتازان مقاومت رهاییخش یک خلق بزرگ تهمت تروریستی زدند و کسانی که برسر حفظ این برچسب در ازای توقف غنی‌سازی اورانیوم با آخوندها وارد «گفتگوی سازنده» شدند، چه پاسخی برای ملتها و افکار عمومی خودشان دارند؟

زنده باد ارتش آزادیبخش ملی بازوی استوار و پراقتدار خلق قهرمان ایران